



Mojahed
دوشنبه
۲۸ فروردین
۱۳۸۵
۸ ربیع الاول
۱۴۲۷
April 17
2006
شماره ۷۹۶

**خون عشاق نخته‌ست
و نخسبد به جهان
به یاد
سالروز شهادت
دکتر کاظم رجوی
شهید بزرگ حقوق بشر**
در صفحات ۱۰ و ۱۱



**نشریه فوق العاده مجاهد
ویژه دیدارها و سخنرانیهای
رئیس جمهور برگزیده مقاومت
در شورای اروپا روز پنجشنبه
۳۱ فروردین منتشر می‌شود**



2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€

واکنش جهانی نسبت به اعلام رسمی غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم آخوندی

سفر محمد البرادعی به تهران باشکست روبه‌رو شد و وی با دست خالی تهران را ترک کرد

- خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپا در حال آماده کردن مواردی برای اعمال تحریم علیه رژیم ایران است
- آدام اربی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، شورای امنیت باید در واکنش به اقدام جدید رژیم ایران گام‌های بعدی را بردارد
- جک استراو وزیر خارجه انگلستان با صدور بیانیه‌ی نگرانی عمیق خود را نسبت به اعلام رسمی غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم ایران ابراز کرد

دهند.
- اسکات مک کلین سخنگوی کاخ سفید: رفتار رژیم ایران و روبرویی آن با بیانه شورای امنیت سازمان ملل متحد، تهدیدی برای این شورا است
- روزنامه فرانسوی فیگارو: دیک چینی معاون رئیس جمهور آمریکا تغییر رژیم ایران را بهترین راه‌حل برای پایان دادن به بحران هسته‌یی ایران دانست
- سفیر چین در سازمان ملل متحد: آن چه رژیم ایران اعلام کرد مایه نگرانی چین است

- وزیر خارجه آمریکا: اعلام رسمی غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم ایران، برداشتن گام‌های قویتری از سوی شورای امنیت ملل متحد را ایجاب می‌کند
- جان بولتون سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد: این اقدام رژیم ایران نشان می‌دهد که چرا ما احساس می‌کنیم وضعیت اضطراری است و باید به رژیم ایران تفهیم کنیم که مسیر اشتباهی را طی می‌کند
- ۵ کشور عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد و آلمان روز سه‌شنبه (۲۹ فروردین) در مسکو تشکیل جلسه می‌دهند تا بحران اتمی رژیم ایران و پیشنهاد آمریکا برای اعمال تحریم علیه این رژیم را مورد بررسی قرار



جشن میلاد پیامبر اسلام (ص) در محل اقامت رئیس جمهور برگزیده مقاومت

به مناسبت میلاد فرخنده پیامبر عظیم‌الشأن اسلام محمد مصطفی (ص) مراسم گرامیداشتی در اوسر اواز با حضور خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت و شخصیت‌های مسلمان فرانسوی و عرب و ایرانی برگزار شد.

در این مراسم خانم مریم رجوی میلاد حضرت محمد (ص) را به عموم مسلمانان تبریک گفت و افزود: از این فرصت استفاده می‌کنم و عید پاک را نیز به مسیحیان جهان و به ویژه هموطنان مسیحی تبریک می‌گویم. خانم رجوی ضمن اشاره به پیام رحمت و یگانگی محمد مصطفی گفت: آخوندهای دینفروش حاکم بر ایران، این مبلغان ترور و زین‌ستیزی، پیروان محمد(ص) نیستند بلکه بدترین دشمنان او هستند. سیمای پیامبر اکرم چیزی نیست که بنیادگرایان و ملایان تهران ترسیم می‌کنند. آنها پیام محمد(ص) را وارونه کرده‌اند و با نسبت‌دادن افکار ارتجاعی و رفتار ضدانسانی خود به اسلام چهره این آیین پاک را مخدوش جلوه می‌دهند. در این مراسم برخی از شخصیت‌های شرکت‌کننده از جمله سید احمد غزالی، نخست‌وزیر پیشین الجزایر، غالب بن شیخ اسلام‌شناس و رئیس مجمع بین‌المللی بین‌المداهب برای صلح، توفیق سبئی رئیس شورای منطقه‌یی مسلمانان فرانسوی، شیخ خلیل مروان مدیر مسجد شهر اوری و از بنیانگذاران فدراسیون مسلمانان فرانسه، طارق ابرو مدیر مسجد شهر بروی فرانسه، شیخ ممدو سانکوشارا مدیر مسجد تاورنی و از چهره‌های معروف گفتگوی بین ادیان در فرانسه، خانم عقیفه مطرون، فعال زنان از مراکش و دکتر کرباری رئیس انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه، سخنرانی کردند.

موج اعتراضات علیه حکم اعدام زندانی مجاهد، ولی‌الله فیض مهدوی

۶ زندان گوهردشت کرج، به زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی هشدار داده است که حق دادن اخبار مربوط به اعدام خویش را به بیرون از زندان ندارد و در این رابطه باید سکوت پیشه کند. وی تهدید کرده است در غیراین‌صورت همانند حجت زمانی حکم وی را بی‌سر و صدا به اجرا خواهند گذاشت. وضعیت جسمانی مجاهد خلق ولی‌الله فیض مهدوی به دلیل شرایط نامساعد بهداشتی و فقدان رسیدگی‌های پزشکی مناسب نیست و دچار بیماری شدید پوستی شده و یکی از کلیه‌هایش از کار افتاده است.

بیانیه‌یی، ضمن محکوم کردن حکم جنایتکارانه اعدام ولی‌الله فیض اعلام کردند: «ما فرهنگیان و معلمان در برابر این بیدادگری سکوت نکرده و از همه مجامع حقوق‌بشری دنیا می‌خواهیم برای نجات جان این مجاهد قهرمان که اینک در زندان گوهردشت کرج در بند است اقدام سریع نمایند.از همه فرهنگیان و معلمان و دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه و دانش‌آموزان می‌خواهیم فریاد دادخواهی سر داده و این اقدام جنایتکارانه را محکوم نمایند.»

پرونده نقض حقوق بشر رژیم آخوندها در شورای امنیت ملل متحد و اتخاذ تدابیر جدی علیه این دیکتاتوری ضدانسانی شدند. این تظاهرات و آکسیون‌های اعتراضی از جمله در شهرهای کلن در آلمان، بیرمنگام در انگلستان، نیویورک، لس‌آنجلس، سن خوزه و برکلی در آمریکا، اسلو و تروندهایم در نروژ، ونکوور و مونترال در کانادا و وین در اتریش برگزار گردید.
در داخل کشور نیز حمایت‌های انجمنها و تشکلهای مردمی از زندانی مجاهد ولی‌الله فیض ادامه یافت و از جمله فرهنگیان هوادار مجاهدین خلق ایران در تهران طی

اعتراضات جهانی علیه حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی که در پی اعلام این خبر بالاگرفت، هم‌چنان در شهرهای بزرگ جهان در اروپا و آمریکا ادامه دارد. حامیان مقاومت و ایرانیان آزاد، با شرکت در تظاهرات اعتراضی ضمن محکوم کردن این حکم جنایتکارانه، نسبت به تکرار فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هشدار دادند و از مجامع بین‌المللی و حقوق‌بشری و ارگانهای سازمان ملل متحد خواستند تا بر روی رژیم آخوندی فشار آورند و جان زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را نجات‌دهند. تظاهرکنندگان هم چنین خواستار بررسی

در صفحات دیگر

چگونگی تولید برق با بمب اتمی و مراحل اجرایی آن در ایران
گردآورنده: احمد ایرانی
- استخراج سنگ اورانیوم از معدن ساغند یزد
- تهیه کیک زرد در کارگاه اردکان
- فراوری کیک زرد در کارگاه اصفهان
- غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز برای راکتور هسته‌یی برق
- تهیه پلوتونیوم
- بمب اتمی
- بمب اورانیومی
در صفحه ۶



سروهای سرفراز فروردین

خاطره پیشوایان رهایی خلق، شهیدان ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ گرامی باد به مناسبت سی‌وپهارمین سال شهادت اولین دسته از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۵۱

به یاد ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین در صفحه ۱۵

«رژیم ایران تهدید جدی منطقه‌یی و بین‌المللی» سخنرانی در دانشگاه آلیانس در کالیفرنیا

در این جلسه که به دعوت دانشگاه آلیانس و با حضور ۵۰۰ تن از استادان و دانشجویان این دانشگاه برگزار شد، پروفیسور محمدحسین تسوجی عضو شورای ملی مقاومت، به سخنرانی پرداخت. یک هیأت چهار نفره از مقاومت ایران در این جلسه شرکت داشت

در صفحه ۴

ضمیمه ادبی و فرهنگی ندا شماره ۱۸

در این شماره ندا مطالب زیر را می‌خوانید
- پرندهبی فاتح دلها
در باره آنتوان دو سنت اگروپری از علاءالدین توران
- ابتدال، وقاحت؟ و یا ... هنرکشی
- کلاغ سیاه و جناب رویاه از سنار لقبای
- شاهنامه فردوسی از عبدالغلی مصعومی
- مائتو فالگون از پروسپر مریمه ترجمه ه - مهرنوش
- برگی از عهد عتیق و چند شعر کوتاه از رحمان کربویی



معنای «دیپلوماسی بازدارنده» رژیم



هر قدر بحران‌های درونی و بیرونی رژیم جادتر می‌شود، آخوندها طلب‌های سیاست «اعلان جنگ» را در منطقه و جهان بلندتر به صدا درمی‌آورند. روز ۲۲ فروردین، احمدی‌نژاد در نمایشی در مشهد، تکمیل چرخه تولید سوخت اتمی و غنی‌سازی اورانیوم در سایت نطنز را اعلام کرد و علناً دستور داد که غنی‌سازی در ابعاد صنعتی گسترش یابد. در واری هریحت فنی، شکل و محتوای سیاسی این اقدام، جوابی سربالا به بیانیه شورای امنیت ملل متحد مبنی بر توقف کامل همه فعالیت‌های غنی‌سازی بود.

دو روز بعد از این تجری در زمینه اتمی، یک روزنامه حکومتی پرده را از روی اهداف رژیم در عراق کنار زد و نوشت: «عراق امروز به بستر بازی منطقه‌یی تهران تبدیل شده و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا به خوبی این واقعیت را درک می‌کنند... نفوذ ایران در عراق خواهد توانست بار دیگر مثلث ایران، سوریه و لبنان را احیا کرده و منافع عالیه کشور را تضمین کند». روزنامه حکومتی سپس می‌نویسد: «مروزه جریان پرونده هسته‌یی کشور همراه با تحولات عراق، دوشادوش یکدیگر در دو طرف رودخانه جاری روابط بین‌الملل در حال حرکت است» و «بل‌زدن میان این دو مؤلفه» می‌تواند «چالش‌های مربوط به پرونده هسته‌یی کشور را با زیرکی تمام و با یک دیپلوماسی بازدارنده به حاصل جمع مثبت تبدیل کند» (۲۴ فروردین).

ظاهر رویکردهای رژیم در زمینه‌های اتمی و عراق، تهاجمی و قدرتمندی ولی پاتشن بستن گارد دفاعی رژیم در مرحله پایانی است. این دو مسیر سیاسی که از سرفصل انقباض رژیم و روی کار آمدن احمدی‌نژاد

هر روز برنگتر شده است، نیاز حیاتی رژیم را به دو چوب زیر بغل اتمی و عراق باز می‌کند. مفهوم «بیز حیاتی» این است که آخوندها نه می‌خواهند و نه می‌توانند در این دو زمینه با جامعه بین‌المللی به تفاهم برسند. یعنی این «دو مؤلفه» از گردونه موضوعات قابل مذاکره و در نتیجه از مقوله دیپلوماسی خارج است. بنابر این، معنای «دیپلوماسی بازدارنده» آخوندها و «بل‌زدن میان دو مؤلفه» اتمی و عراق، سرمایه‌گذاری استراتژیک و بی‌گفتگو روی تسلیح اتمی و صدور بنیادگرایی و تروریسم به مثابه تضمین بقای رژیم ولایت‌فقیه است که روزنامه حکومتی شرق آن را «کلید حل بسیاری از مسائل» و «کلید حل استراتژیک برای ایران» توصیف می‌کند. تجاهل یا غفلت‌نظری در مورد حقیقت ذکر شده در بالا، در عمل به‌تعامل و مماشات با فاشیسم مذهبی راه می‌برد و این خطر بزرگ را دارد که به نتایج فاجعه‌بار مماشات با فاشیسم هیتلری منجر شود. از همین روست که بعد از تصریحات وقیحانه سردمداران رژیم در مورد دستیابی به چرخه سوخت اتمی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، نسبت به «دامه تعمل و تأخیر در اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال فاشیسم مذهبی» هشدار داد و با تأکید بر ضرورت اعمال تحریم‌های فراگیر علیه رژیم آخوندی، خاطرنشان کرد که «بین رژیم بمب اتمی را تضمین بقای استراتژیک خود می‌داند و هرگز آن را رها نخواهد کرد. به همین خاطر، پاسخ قطعی به‌تهدید اتمی آخوندها، تغییر رژیم و استقرار دموکراسی در ایران است؛ امری که مقاومت ایران با تکیه بر پایگاه گسترده مردمی، قادر به تحقق آن می‌باشد.»



روز هفته

مروری بر مهم‌ترین رویدادهای هفته

پاسخ عملی رژیم

به بیانیه شورای امنیت

درحالی‌که دو هفته از مهلت یکماهه شورای امنیت به رژیم برای کنارگذاشتن کلیه فعالیت‌های هسته‌یی گذشته بود و درحالی‌که سیاستمداران

غربی درحال بررسی این موضوع بودند که اگر رژیم به‌خواست شورای امنیت گردن‌نگذاشت چه واکنشی باید نشان بدهند، رژیم آخوندها نشان داد که قصد ندارد هیچ‌گونه جواب مثبت به شورای امنیت بدهد.

روز ۲۲فروردین از چند بار اعلام رسمی توسط رژیم که به‌زودی خبر خوشی اعلام خواهد شد، پاسدار احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور تروریست رژیم، مدعی شد که: «جمهوری اسلامی ایران به کشورهای هسته‌یی جهان پیوسته است». احمدی‌نژاد گفت: «در تاریخ بیستم فروردین ماه سال جاری، چرخه تولید سوخت هسته‌یی در مقیاس آزمایشگاهی کامل شد و اورانیوم با غنای مورد نیاز برای نیروگاه‌های هسته‌یی به‌دست جوانان ایرانی تولید شده‌اس»(خبرگزاری رژیم – ۲۲فروردین ۸۵).

رفسنجانی نیز در یک مسابقه با احمدی‌نژاد اعلام کرد ۱۶۴دستگاه ساترفیور در نظنژ راه‌اندازی شده است. او به خبرگزاری کویت گفت: «راه‌اندازی ۱۶۴دستگاه ساترفیور در تأسیسات غنی‌سازی نظنژ که گاز به آن تزریق شده نشان می‌دهد که ایران به تولید صنعتی دست یافته است…» لازم است کار این دستگاه را گسترش دهیم تا یک واحد کامل صنعتی به دست آید»(آفتاب کلم ۲۳فروردین ۸۵).

آقا‌زاده رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم گفت که مسیر تولید اورانیوم غنی‌شده در ابعاد صنعتی هشتم و نایابان امسال ۳هزار دستگاه ساترفیور را راه‌اندازی می‌کنیم.

سخت‌شدن کار حامیان رژیم

اعلام کامل‌شدن چرخه سوخت هسته‌یی توسط رژیم واکنش‌های تند جهانی را برانگیخت. کشورهای همسایه آن را محکم‌بکی که در آن گرفتار شده بودند، مانند چین و روسیه، در شرایط سخت‌تری قرار گرفتند.

رئیس کمیته خارجه دومای روسیه اعلام کرد: رژیم ایران با اقداماتش شورای امنیت ملل متحد را به سمت اعمال تحریم سوق می‌دهد. وی افزود: تحولات آینده می‌تواند به بدترینی سناریوها منجر شود. شورای امنیت ملل متحد می‌تواند تصمیم به تحریم رژیم ایران بگیرد.

وی تصریح کرد اقدام رژیم ایران درمورد غنی‌سازی اورانیوم به این معناست که این رژیم می‌تواند تسلیحات هسته‌یی بسازد.

دولت چین نیز به‌عنوان رئیس دوره‌یی شورای امنیت اعلام رسمی غنی‌سازی توسط رژیم ایران را مغایر با خواست جامعه بین‌المللی دانست. سفیر چین در سازمان ملل گفت: آنچه رژیم ایران اعلام کرد مایه نگرانی چین است. زیرا من معتقد هستم این اقدام با خواست جامعه بین‌المللی همخوانی ندارد.

سفیر چین در سازمان ملل متحد هم‌چنین خبرداد که‌نماینده‌گان ۵کشور عضو دولت چین و روسیه، به اضافه آلمان روز سه‌شنبه آینده(۲۹فروردین) تشکیل جلسه می‌دهند تا آخرین وضعیت بحران اتمی رژیم ایران را بررسی کنند.

اطلاعه‌های دبیر خانه شورای ملی مقاومت

رژیم آخوندی موج جدیدی از حمله به‌مطبوعات و خبرنگاران را آغاز کرده است

داستان انقلاب آخوندها:

«آزادی مطبوعات و بیان مطلق نیست»

روز گذشته، سعید مرتضوی، دادستان عمومی و انقلاب رژیم آخوندی در جمع خبرنگاران مجلس رژیم اعلام کرد «آزادی مطبوعات و آزادی بیان مطلق نیست و مقید به‌رایت موازین شرعی و قانونی است.»

ادارهات سعید مرتضوی، که بنا بر گزارش‌های مختلف مستقیماً در قتل زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی – کانادایی شرکت داشت، بیانگر شروع موج جدیدی از سرکوبی علیه خبرنگاران و رسانه‌ها در ایران تحت حاکمیت آخوندهاست.

مرتضوی که از سوی خبرنگاران به‌خاطر قتل مشکوک دبیر سرویس ورزشی روزنامه رسالت مورد سؤال قرار گرفته بود گفت هنوز به‌نتیجه‌یی نرسیده‌اند.

براساس گزارش رسانه‌ها، مرتضی پروازی مقدم، یک خبرنگار ورزشی، روز شنبه ۱۹فروردین از بالای ساختمان

که برای توجیه سیاست مداخلات خود با رژیم، بر سر این‌که رژیم به‌دنبال ساخت سلاح اتمی است اظهار شک و تردید می‌کردند. ولی این رویداد و شک و تردیدها را برطرف کرد.

تولزیون سی.ان.ان گفت: اعلام غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم ایران یک قدم عمده در مسیر ساختن بمب اتمی است. این قدم اگرچه غیرمنظره نبود، اما نگرانی غرب را نسبت به دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی دو چندان کرد(آوشنیتدپرس ۲۱فروردین ۸۵).

سفر البرادعی به ایران

پیش از اعلام تکمیل چرخه سوخت توسط رژیم، اعلام شده بود که محمد البرادعی به ایران سفر خواهد کرد.

البرادعی گفته بود سفرش برای مذاکره با مقامات رژیم برای راضی کردن آنهاست که غنی‌سازی اورانیوم را کنار بگذارند. شورای امنیت به البرادعی مأموریت داده‌است که در پایان مهلت یکماهه شورای امنیت به رژیم، گزارش بدهد که آیا رژیم خواسته شورای امنیت را برآورده کرده‌است یا نه؟

ولی البرادعی دست خالی از ایران بازگشت، چون مقامات رژیم بار دیگر به او گفتند که حاضر نیستند دست از فعالیت‌های هسته‌یی خود بردارند. تنها دستاورد برادعی از این سفر حمله و توهین روزنامه‌های رژیم بود که تاراش شد و او را بازیگر نامیدند. روزنامه قدس روز ۲۲فروردین نوشت: «البرادعی به‌دنبال چیست؟…مدیرکل آنژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به دلیل بازیگری در عرصه شطرنج هسته‌یی ایران به مهره‌یی در دست بازیگران قدرتمند تبدیل شده، از بی‌اعتباری آنژانس در دوره مسئولیت خود به‌شدت در هراس است…ایران تا زمان تأیید برنامه‌های هسته‌یی‌اش از امنیت بیرونی نیکند، این شورا مجدداً شخص مدیرکل، خود را ملزم به رعایت پروتکل الحاقی و بازرسیهایی سرزده نمی‌بیند(قدس ۲۲فروردین).»

برخی روزنامه‌های دیگر رژیم نیز مقالاتی علیه البرادعی نوشتند.

اقدامات بعدی

اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان روز سه‌شنبه(۲۹فروردین) درمسکو تشکیل جلسه می‌دهند تا با بحران اتمی رژیم ایران و پیشنهاد آمریکا برای اعمال تحریم علیه این رژیم را مورد بررسی قرار دهند.

نماینده آمریکا در این اجلاس نیکلاس پرنز معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا می‌باشد. چین نیز اعلام کرده

است که معاون وزیر خارجه آن کشور در این گفتگوها شرکت می‌کند. شان مک کورمک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت : «مقامات آمریکایی در نشست سه‌شنبه در مسکو از روسیه، چین، اتحادیه اروپا و سایر کشورها خواهند خواست برای مقامات رژیم ایران تحریم‌هایی ازجمله مسلدودکردن داراییهای این رژیم و محدودکردن ویزا را در نظر بگیرند.»(۱فروردین ۸۵).

سخنرانی تند رئیس‌جمهور آمریکا علیه رژیم

این هفته رئیس‌جمهور آمریکا سخنرانی تندی علیه رژیم داشت. وی درباره پرونده اتمی رژیم ایران گفت: «من تأکید می‌کنم ما نه‌تاهی می‌خواهیم مطمئن شویم که رژیم ایران، توانایی ساختن سلاح هسته‌یی را ندارد، بلکه می‌خواهیم حتی دانش و اطلاعات آن‌را هم نداشته باشند.به‌همین دلیل من باالحنی بسیارقوی اعلام کردم که رژیم ایران، نباید در معامله با روسیه به یک مجموعه تحقیقاتی دست پیدا کند. چرا که آنها به این وسیله پاد می‌گیرند که غنی‌سازی اورانیوم را بهتر انجام دهند. اما هدف ما این است که از دستیابی آنها به سلاح هسته‌یی جلوگیری کنیم و خیر خوب این است که بسیاری در جهان به این نتیجه رسیده‌اند.»

وی درباره مبارزه علیه تروریسم گفت: «من پیش از این به درستی از رژیم ایران به‌عنوان یکی از سه محور شر نام بردم و روی آن جدی بودم. زیرا من این رژیم را به‌عنوان یک مشکل تلقی می‌کردم. اکنون بسیاری به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که رژیم ایران نباید به بمب اتمی دست پیدا کند.»

وی افزود: «وامحل این است که با همکاری یکدیگر از دسترسی رژیم ایران به بمب اتمی پیشگیری کنیم. من می‌دانم که در واشینگتن مسأله پیشگیری به معنای حمله نظامی تلقی می‌شود، اما این لزوماً به معنای استفاده از نیروی نظامی نیست. این مورد، مفهوم استفاده از دیپلوماسی را دارد.»

وی در مورد شیاعاتی مبنی بر طرح‌های حملهٔ نظامی که طی این هفته در رسانه‌های مختلف ذکر شده بود، تصریح کرد: «من مقالات را در روزنامه‌ها خواندم… آن‌چه شما می‌خوانید گمانه‌زنی است.»

رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به رابطهٔ خود در مورد دموکراسی و رابطهٔ ایران با اسلام، گفت: «تروریستها یک مذهب صلح‌آمیز را رپوده‌اند تا رفتار خود را توجیه نمایند…»من به کشورهای نمی‌گویم باید مانند ما فکر و عمل کنید؛ بلکه می‌گویم، به مردم خود اجازه بدهید که آزاد باشند.»

جرج بوش در ادامه با یادآوری سرکوب زنان در ایران و کشورهای مشابه، گفت من معتقد جنبش زنان، نوک پیکان تغییر در خاورمیانه خواهد بود. من اعتقاد ندارم که زنان خواهد زندگی به‌عنوان شهروندان درجه‌دوم باشند. فکر می‌کنم یک خواست جهانی برای زنان وجود دارد که می‌خواهند با آنها رفتار منصفانه و برابری انجام شود»(سایت کاخ سفید ۱فروردین ۸۵).

وحشت‌بانه‌های درونی رژیم از پیوندهای رویارویی با جامعه جهانی

روزنامهٔ کیهان در یادداشت روز ۲۲فروردین خود به وحشت‌بانه‌های درونی رژیم از پیامدهای رویارویی با جامعه جهانی برسر برنامه اتمی و اوجگیری بحران رژیم ایران اذعان کرد نوشت:«بعضی‌اسیاستمداران» در جلسات خصوصی که به تدریج به لایه‌هایی از جامعه سرایت می‌کند، عنوان می‌کنند که استادگی ایران در میدان چالش هسته‌یی و ن‌ن‌دادن به قطعنامه‌های ناحق و نامشروع، کشور را به سمت بحران می‌برد و تداوم آن «خلاف تدبیر» است و رهنمود می‌دهند که: «گاهی اوقات عقب‌نشینی و صلح عین عقلایت است». در واقع در این مورد درباره مبارزه علیه تروریسم گفت:

«من پیش از این به درستی از رژیم ایران به‌عنوان یکی از سه محور شر نام بردم و روی آن جدی بودم. زیرا من این رژیم را به‌عنوان یک مشکل تلقی می‌کردم. اکنون بسیاری به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که رژیم ایران نباید به بمب اتمی دست پیدا کند.»

وی افزود: «وامحل این است که با همکاری یکدیگر از دسترسی رژیم ایران به بمب اتمی پیشگیری کنیم. من می‌دانم که در واشینگتن مسأله پیشگیری به معنای حمله نظامی تلقی می‌شود، اما این لزوماً به معنای استفاده از نیروی نظامی نیست. این مورد، مفهوم استفاده از دیپلوماسی را دارد.»

تشدید سرکوب در داخل ایران

به‌دنبال بالاگرفتن بحران اتمی رژیم، سرکوب در داخل ایران نیز تشدید شده‌است.

در زندان‌های سیاسی، رژیم فشار روی زندانیان مجاهد و مبارز و خانواده‌های آنها را بالا برده‌است. پس از گذشت آن‌ها با اسلام، گفت: «تروریستها یک دوماه از اعلام مجاهد قهرمان حجت زماهی، رژیم از دادن پیکر او به مأمور رژیم به زنان و جریمه نقدی محکوم شد.خبرگزاری رژیم(فارس) روز ۲۲فروردین نوشت: این زندانی

است ولی از دادن آدرس مزار او خودداری کرده‌اند. هم‌چنین رژیم فشار بر روی سایر زندانیان سیاسی را بالا برده است. هم‌چنین منصور حیات غیبی، عضو هیات‌مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، که در زندان‌اوبین به سر می‌برد، از روز ۱۳فروردین در اعتصاب غذا می‌باشد.

وی قبل از این تاریخ، یکبار به مدت سه‌روزه اعتصاب غذا کرده بود.

شکجه‌گران رژیم به‌حیات‌غیبی وعده داده بودند که روز سیزدهم فروردین او را آزاد می‌کنند.اما چون عملی نشد، وی مجدداً دست به اعتصاب غذا زده است.

شده نفر در شهرهای مختلف اعدام شده و تعدادی نیز به اعدام محکوم شده‌اند.

هم‌چنین خطر اعدام چندین زن را تهدید می‌کند. فاطمه حقیقت‌جو در آستانه اعدام است. پرونده کبری رحمانپور مجدداً به اداره‌اجرای احکام رفته است و از نازنین، دختر ۱۸ساله‌یی که به اعدام محکوم شده‌است، خبری در دست نیست. سرکوب خبرنگاران نیز تشدید شده است. الهام افروتن، خبرنگار جوانی که به جرم نوشتن مقاله‌یی علیه خمینی در زندان‌اوبین به‌سر می‌برد نیز در معرض محاکمه قرار دارد. هم‌چنین یک خبرنگار زن به طرز مشکوکی کشته شده است.

بنا به گزارش رسانه‌های رژیم در روز ۲۰فروردین، مرتضی پروازی، عضو شورای سردبیری روزنامه حکومتی رسالت به‌طرز مشکوکی از ساختمان پلاسکوی تهران سقوط کرد و کشته شد. همکاران وی، مرگ او را مشکوک تلقی می‌کنند. هم‌چنین یک زن به جرم کتک‌زدن دادسرای دزفول احضار شدند. اتهام این دونفر تشویش اذهان عمومی عنوان شده‌است. هم‌چنین حکم ۱۰ماه زندان برای مجتبی سیمعی‌نژاد، ویلاگدگ‌نویس مشغول سرکوب جوانان شده‌است.



نمایش مسخره رقص با لوله حاوی هگزافلئورید اورانیوم در حضور احمدی‌نژاد در مشهد. هنگام اعلام کامل‌شدن چرخه سوخت هسته‌یی

قبل زمانی که مأموران برای دستگیری بردارش به خانه او رفته بودند به سوی آنها حمله کرده و یکی از مأموران را به شدت کتک زد. او به ۲ سال حبس و پرداخت ۲۰۰هزار تومان جریمه نقدی محکوم کرد.

از طرفی مرد جوانی که خواهرش را به خاطر سوطن به قتل رسانده بود به تنها سه سال حبس و پرداخت دیه محکوم شد.

از طرفی رژیم اعلام کرد قصد دارد از اول اردیبهشت ماه طرح سرکوبی زنان میهمان را تحت عنوان مبارزه با بدحجابی اجرا کند. پاسدار مرتضی سرکرده نظامی تهران بزرگ، گفت: از اول اردیبهشت با زنان بدحجاب در شهر تهران برخورد قاطع می‌شود و با کسانی که به نوعی منشأ ناهنجاریها هستند، نیز برخورد می‌شود. در همین حال تعدادی از اعضای مجلس ارتجاع خواستار سرکوبی زنان میهمان به بهانه خمینی‌ساخته بدحجابی شدند.

خبرگزاری رژیم گزارش داد: «هفت نماینده مجلس در تذکری به مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور خواستار برخورد قاطع نیروی نظامی با پدیده بدحجابی شدند. اعضای جنایتکار مجلس ارتجاع مدعی شدند که پدیده بدحجابی در تعارض با امنیت اجتماعی است»(خبرگزاری رژیم ۲۳فروردین ۸۵).

سرکوب دانشجویان

موارد زیادی از سرکوب دانشجویان در این هفته گزارش شده است. یک دانشجوی به نام شهاب مومنی، دانشجوی دانشگاه چمران اهواز و محی‌الدین دشتی، دانشجوی دانشگاه دزفول، به دادرسی دزفول احضار شدند. اتهام این دونفر تشویش اذهان عمومی عنوان شده‌است. هم‌چنین حکم ۱۰ماه زندان برای مجتبی سیمعی‌نژاد، ویلاگدگ‌نویس مشغول سرکوب جوانان شده‌است.

مردم در این شهر با دیدن بسیج‌ها به‌برخورد با آنها می‌پردازند و در محافل خود علیه این افراد صحبت می‌کنند.

فرماندهان نیروی نظامی روز سه‌شنبه در یکی از مساجد بزرگ شهر اراک جلسه پرسش و پاسخ به راه انداخته بودند که حتی با حضور نیروی سرکوب این جلسه به اغتشاش کشیده شد.

این جلسه به‌منظور آرام کردن جوانان برگزار شد بود ولی آندک جوانانی که در این مراسم حضور داشتند نیز به برخورد با فرماندهان نیروی نظامی پرداختند. فرماندهان نیروی نظامی سعی بر آن داشتند که با همزمان کردن این جلسه با نماز عصر مراسم را با شکوه جلوه دهند که مردم با دیدن این افراد در مسجد از نماز خواندن هم صرف‌نظر کردند.

جوانان در این شهر به طنز به هم می‌گفتند از احمدی‌نژاد با مواد شوینده استقبال می‌کنیم.

پاسخ سخنگوی مجاهدین به اراجیف رژیم

نامه‌یی از اصفهان

یک «قاضی مرتضوی» دیگر در اصفهان

کاررامی کردند ولی الان که هیچ مناسبتی نیست راه انداختن این اکیب تعجب‌برانگیز است.

آنها می‌گویند اشرار را دستگیر می‌کنیم ولی اشرار مورد ادعای آنها یا دختران دادگستری، بسیجی و یا نیروی نظامی تشکیل شده باشمیهای رسمی و بعضی مواقع با ماشینیهای شخصی در اصفهان به‌راه می‌اندازند و تحت نام مبارزه با اشرار عده‌یی را دستگیر می‌کنند. آنها به هر کجا می‌خواهند سرکشی می‌کنند چراکه این قاضی که رئیس دادگاههای جرائم خاص است دارای اختیارات بسیار بالا و از مقامات بالای رژیم در اصفهان است و به همین دلیل به مزدوران خود اختیارات کامل می‌دهد تا به هرمانک خصوصی و عمومی وارد شوند.

وقتی این جنایتکاران کارشان را شروع می‌کنند کافی است در خیابان از کسی و یا چهره مرد و زنی و جوانی چه پسر و چه دختر خوششان نیاید چون بلافاصله او را دستگیر می‌کنند.

راه‌انداختن چنین اکیبی در موقعیت کنونی حیرت‌انگیز است چون تا حالا در مواقعی مثل ۱۸تیر و یا چهارشنبه‌سوری و… این



چون قافیه تنگ آید ملا به جنگ آید!

رژیم آخوندی که به‌شدت از افشاگریهای جهانی مقاومت ایران در باره جنایت‌های و مداخلتش در عراق به تنگنا افتاده است، مسئولیت ایجاد هرج و مرج در عراق را متوجه مجاهدین دانست واعلام کرد: سازمان مجاهدین برای راه‌انداختن جنگ داخلی بین مردم عراق برنامه می‌ریزد.

روزنامه مزدور رژیم آخوندی در عراق که با نام‌الشاهد منتشر می‌شود در شماره ۲۲فروردین خود، در یک صفحه مجابره شده از تهران که تحت عنوان تحقیقات، در این روزنامه یکی جیبان می‌شود، با نقل این خبر در یک مطلب جعلی و سراپا دروغ به‌نقل از واشینگتن پست و خبرگزاری فرانسه افزوده است:

«همکاری ثابتی بین نیروهای آمریکایی و اعضای سازمان تروریستی مجاهدین خلق در امر جاسوسی از آکوتورهای اتمی ایران وجود دارد و ۸۰۰ نفر ازاعضای سازمان مجاهدین خلق دردل‌باس ارتش آمریکا در عراق با نیروهای آمریکایی همکاری می‌کنند. این سازمان تروریستی تلاش می‌کند درعراق هرج مرج ایجاد کند و برای راه‌انداختن جنگ داخلی بین مردم عراق برنامه می‌ریزد.»

یک سخنگوی سازمان مجاهدین خلق ایران با تأکید بر این‌که نه روزنامه واشینگتن‌پست و نه خبرگزاری فرانسه هرگز چنین مطالبی ننوشته‌اند و این رژیم آخوندی است که خزعبلات خود را برای این‌که بار پیدا کند، به نقل از آنها جعل کرده است، گفت: چون قافیه تنگ آید، ملا به جنگ آید!

نامه‌یی از اصفهان

صدور حکم بازداشت آخوند فلاحيان از نگاه رسانه‌های جهان



تصویر: مجله‌ی *تیر*

پس از ۱۶ سال، انتظار خانواده رجوی برای شناخته شدن

قتل کاظم رجوی به عنوان ترور سیاسی برآورده شد

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است. در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

حکم جلب ۱۶سال بعد از ترور

die tageszeitung

روزنامه تاگس ساینونگ، ۲۱فروردین:

دادگستری استان وود یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق ایران صادر کرد.

علی فلاحيان ۱۶ سال پیش قتل مخالف ایرانی دکتر کاظم رجوی در نزدیکی ژنو را دستور داده بود. استفان رجوی، پسر مخالف کشته شده، خبر منتشره در روزنامه لومتن را تصدیق کرد.

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

قاضی دادگاهی در سوئیس

حکم جلب علی فلاحيان را صادر کرده است

تلویزیون صدای آمریکا، ۲۲ فروردین:

بنا به گزارشها، قاضی دادگاهی در سوئیس، حکم جلب علی فلاحيان وزیر اسبق اطلاعات جمهوری اسلامی و مشاور امنیتی فعلی رهبر جمهوری اسلامی ایران را صادر کرده است. در این حکم جلب، خطاب به افسران و مأمورین پلیس آن کشور مقرر شده‌است که علی فلاحيان را دستگیر و به زندانی در ایالت وود تحویل دهند. علاوه بر فلاحيان، این قاضی در عین حال حکم جلب ۱۳نفر دیگر را نیز به اتهام ترور کاظم رجوی برادر مسعود رجوی رهبر گروه مجاهدین خلق صادر کرده‌است.

پیشتر در سال۱۹۹۶ دادگاه برلین حکم بازداشت آقای فلاحيان را در ارتباط با ماجرای میکونوس صادر کرده بود. دولت آلمان در آن زمان از تأیید حکم دادگاه و اجرایی کردن آن خودداری کرد.

کاظم رجوی در بیست و چهارم آوریل سال ۱۹۹۰ در سوئیس به ضرب گلوله کشته شد. علی فلاحيان مظنون به صدور دستور ترور آقای رجوی است.

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

قاضی دادگاهی در سوئیس

حکم جلب علی فلاحيان را صادر کرده است



اتومبیل دکتر کاظم رجوی که در آن هدف تروریستهای رژیم قرار گرفت

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسلسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

حکم جلب سوئییسی علیه یک وزیر پیشین سرویسهای اطلاعاتی ایران

در این حکم آمده‌است ۱۳نفر زمینه قتل رجوی را فراهم آوردند که همگی آنها پیش از این تحت پیگرد بین‌المللی قرار گرفته بودند.

این سند می‌گوید که متعاقباً یک گروه ۴ نفره اقدام به قتل این پروفیسور دانشگاه ژنو در اتومبیلش در نزدیکی منزلیش در شهر کوبه نمودند.

حکم جلب تصریح می‌کند که بیش از این یک دادگاه آلمانی در سال۱۹۹۶ در حکمی مشابه، فلاحيان را در ارتباط با پرونده میکونوس به‌عنوان آمر قتل ۴مخالف کرد در سال ۱۹۹۲ در برلین متهم شناخت.

آرژانتین نیز به‌دنبال فلاحيان است و او را متهم به طراحی یک حمله انفجاری به مرکز یهودیان بوئنوس آیرس در سال۱۹۹۴ کرده‌است که طی آن ۸۵نفر کشته و ۱۰۰نفر زخمی شدند.

فلاحيان دستور ترور مسعود رجوی را نیز صادر کرده بود

راديو فرانسه ۱۹ فروردین:

شورای ملی مقاومت ایران، امروز با انتشار اطلاعیه‌یی در پاریس، گزارش داد که حکم جلب بین‌المللی علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی در دوران ریاست هاشمی رفسنجانی، توسط یک قاضی سوئیس به نام ژاک آننتن صادر شده است. بنا بر این گزارش، قاضی سوئیس در حکم خود به همه افسران و مأمورین پلیس و نیروهای انتظامی مقرر کرده‌است، علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران را دستگیر و به زندان ایالت وود در لوزان انتقال دهند.

اطلاعیهٔ قاضی سوئیس تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

سوئیس خواهان دستگیری وزیر سابق ایرانی است

خبرگزاری فرانسه، ۲۱فروردین:

لارس نوشل سخنگوی وزارت خارجه سوئیس پس از انتشار خبر صدور حکم جلب علی فلاحيان، آن‌را تأیید نمود، حکمی که توسط قاضی تحقیق استان وود، محل قتل کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰، صادر شده است.

نوشل گفت: این قضیه کامکان موضوع روابط دو جانبه از سال ۱۹۹۰ می‌باشد.

استفان رجوی پسر مقتول پیش از این به خبرگزاری سوئیس گفت این سند به‌وسيله قاضی تحقیق استان وود، ژاک آننتن، در ۲۰ مارس امضا و در حالی که احمدی‌نژاد دولت اسرائیل را «فد» می‌داند که باید از روی نقشه پاک شود و قتل یهودیان را یک افسانه می‌داند، قبل از این‌که مالاها با سلاح هسته‌یی جاععه بیافریند، ما باید از تاریخ درس بگیریم.

بین ماهیت نازیسم، استالینسیسم و رنجیادگرایی اسلامی ایران شباهت زیادی دارند. این سه نوع استبداد مطلقه واکنش خشن در برابر نظم نوین دموکراتیک و آزادی طلبانه می‌باشد. آنها به‌شبهه خشونت‌آمیز بر توده‌ها مسلط شده و شیوه‌های نابود کننده‌یی را که مقایر با جهانشمول بودن ایده انسانیت تدوین شده در دوران نور می‌باشد را به‌کار می‌برند.

پدر من در شهر مقدس کربلا آمده است. من می‌دانم اکنون به ما لیخند می‌زند. عدالت اجرا شده است.

صدور حکم دستگیری فلاحيان،

وزیر پیشین اطلاعات ایران، در سوئیس

سایت رادیو صدای آلمان،۲۰فروردین:

برن – مقامات دادگستری سوئیس حکم بین‌المللی دستگیری علیه وزیر سابق اطلاعات ایران، علی فلاحيان را صادر کردند. علی فلاحيان مظنون است به این‌که حدود ۱۶سال پیش دستور سوء قصد به جان کاظم رجوی، از فعالان سیاسی اپوزیسیون، را داده است.

روز یکشنبه (۹ آوریل) استفان رجوی، فرزند کاظم رجوی، در مصاحبه‌یی با روزنامه‌سویسی لومتن‌دبانش تصدیق کرد که حکم دستگیری فلاحيان صادر شده است. کاظم رجوی در سال۱۹۸۱ به عنوان پناهنده سیاسی در سوئیس شناخته شد. در سال ۱۹۹۰ در ایالت وود به‌ضرب گلوله به قتل رسید. تحقیقاتی که انجام گرفتند نشان دادند که برخی سران حکومت ایران نیز در طراحی این سوء قصد دست داشتند. اما تا کنون حکمی علیه فلاحيان صادر نشده‌بود.

در سال ۱۹۹۶ نیز حکم دستگیری فلاحيان در آلمان صادر شد. دادگاه آلمان علی فلاحيان را یکی از آمران قتل چهار تن از دگراندیشان ایرانی در رستوران میکونوس برلین در سال ۱۹۹۲ دانست.

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

آننتن، حکم جلب بین‌المللی علیه علی فلاحيان صادر کرده است. وزیر پیشین اطلاعات ایران بالاخره رسماً متهم به صدور فرمان قتل کاظم رجوی پدر استفان شده است.

استفان رجوی: این بدین معنی است که این‌گونه جنایات که ممکن است در آینده نیز تکرار شوند به‌شدت مجازات خواهند شد. از این‌رو این یک پیروزی برای دموکراسی در برابر بربریت می‌باشد.

حکم جلب سوئیس علیه یک وزیر سابق ایرانی

در این حکم آمده‌است ۱۳نفر زمینه قتل رجوی را فراهم آوردند که همگی آنها پیش از این تحت پیگرد بین‌المللی قرار گرفته بودند.

این سند می‌گوید که متعاقباً یک گروه ۴ نفره اقدام به قتل این پروفیسور دانشگاه ژنو در اتومبیلش در نزدیکی منزلیش در شهر کوبه نمودند.

حکم جلب تصریح می‌کند که بیش از این یک دادگاه آلمانی در سال۱۹۹۶ در حکمی مشابه، فلاحيان را در ارتباط با پرونده میکونوس به‌عنوان آمر قتل ۴مخالف کرد در سال ۱۹۹۲ در برلین متهم شناخت.

آرژانتین نیز به‌دنبال فلاحيان است و او را متهم به طراحی یک حمله انفجاری به مرکز یهودیان بوئنوس آیرس در سال۱۹۹۴ کرده‌است که طی آن ۸۵نفر کشته و ۱۰۰نفر زخمی شدند.

فلاحيان دستور ترور مسعود رجوی را نیز صادر کرده بود

راديو فرانسه ۱۹ فروردین:

شورای ملی مقاومت ایران، امروز با انتشار اطلاعیه‌یی در پاریس، گزارش داد که حکم جلب بین‌المللی علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی در دوران ریاست هاشمی رفسنجانی، توسط یک قاضی سوئیس به نام ژاک آننتن صادر شده است. بنا بر این گزارش، قاضی سوئیس در حکم خود به همه افسران و مأمورین پلیس و نیروهای انتظامی مقرر کرده‌است، علی فلاحيان وزیر سابق اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران را دستگیر و به زندان ایالت وود در لوزان انتقال دهند.

اطلاعیهٔ قاضی سوئیس تصریح می‌کند که قبل از ترور دکتر کاظم رجوی، فلاحيان هم‌چنین دستور ترور مسعود رجوی برادر وی را نیز صادر کرده‌بود.

سوئیس خواهان دستگیری وزیر سابق ایرانی است

خبرگزاری فرانسه، ۲۱فروردین:

لارس نوشل سخنگوی وزارت خارجه سوئیس پس از انتشار خبر صدور حکم جلب علی فلاحيان، آن‌را تأیید نمود، حکمی که توسط قاضی تحقیق استان وود، محل قتل کاظم رجوی در سال ۱۹۹۰، صادر شده است.

نوشل گفت: این قضیه کامکان موضوع روابط دو جانبه از سال ۱۹۹۰ می‌باشد.

استفان رجوی پسر مقتول پیش از این به خبرگزاری سوئیس گفت این سند به‌وسيله قاضی تحقیق استان وود، ژاک آننتن، در ۲۰ مارس امضا و در حالی که احمدی‌نژاد دولت اسرائیل را «فد» می‌داند که باید از روی نقشه پاک شود و قتل یهودیان را یک افسانه می‌داند، قبل از این‌که مالاها با سلاح هسته‌یی جاععه بیافریند، ما باید از تاریخ درس بگیریم.

بین ماهیت نازیسم، استالینسیسم و رنجیادگرایی اسلامی ایران شباهت زیادی دارند. این سه نوع استبداد مطلقه واکنش خشن در برابر نظم نوین دموکراتیک و آزادی طلبانه می‌باشد. آنها به‌شبهه خشونت‌آمیز بر توده‌ها مسلط شده و شیوه‌های نابود کننده‌یی را که مقایر با جهانشمول بودن ایده انسانیت تدوین شده در دوران نور می‌باشد را به‌کار می‌برند.

پدر من در شهر مقدس کربلا آمده است. من می‌دانم اکنون به ما لیخند می‌زند. عدالت اجرا شده است.

سوئیس برای علی فلاحيان حکم بازداشت صادر کرد

سایت بی.بی.سی ۲۰فرودین:

گزارشها از سوئیس حاکی است که دولت این کشور یک حکم دستگیری بین‌المللی برای وزیر سابق اطلاعات رژیم ایران صادر کرده است. علی فلاحيان مظنون به دستور دادن به قتل کاظم رجوی یکی از فعالان سیاسی ایران در ۱۹۹۰ است. فلاحيان که مدتها وزیر اطلاعات ایران بود اکنون مشاور امنیتی رهبر رژیم ایران است.

قتل آقای رجوی که در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ (۱۴دیبهشت ۱۳۶۹) به‌وسيله یک گروه چهارنفره در حومه ژنو صورت گرفت از آن زمان موضوع مناقشه‌یی بین تهران و برن بوده است.

یک روزنامه سوئیس به نام لومتن دبمانش بخشی از سند مربوط به حکم دادگاهی از ایالت وود را بازچاپ کرد، همان محلی که آقای رجوی در آن‌جا به‌قتل رسیده بود. سایت رادیو بین‌الملل سوئیس نیز گزارشی از جریان این پرونده منتشر کرده‌است. بر اساس گزارش رسانه‌های سوئیس این حکم از وزارت خارجه سوئیس می‌خواهد که حکم دستگیری آقای فلاحيان را در سطح بین‌المللی به جریان بیندازد.

دو نفر از ضاربان آقای رجوی مدتی بعد در فرانسه پیدا شدند و از سوی پلیس بازداشت شدند. اما با وجود حکم دستگیری آنها از سوی مقامات سوئیس، دولت فرانسه آنها را با یک پرواز مستقیم به تهران بازگرداند. این موضوع با محکومیت بین المللی از جمله از سوی امریکاروبه‌رو شد. قاضی دادگاه گفته است که ۱۳ نفر در برنامه‌ریزی و اجرای قتل مشارکت داشته‌اند قاضی ژاک آننتن افزوده است که همه این افراد پاسپورت‌های دیپلماتیک داشته‌اند که با مهر «دموکوریت» مهرور شده بود. مقامات

tribune de geneve

قتل کاظم رجوی پانزده سال مصونیت خفت‌بار

روزنامه تیربون دو ژنو، ۲۱فروردین:

نامه‌یی از استفان رجوی:

اولین روز بهار قاضی تحقیق استان وود ژان آننتن حکم جلب بین‌المللی برای قاتل کاظم رجوی پدر من صادر کرد. به‌زودی در سراسر جهان ماتیتورهای پلیس صورت و نام علی فلاحيان وزیر پیشین سرویسهای اطلاعاتی رژیم اسلامی ایران را به‌نامش خواهند گذاشت.

این مایه افتخار قاضی شهر لوزان می‌باشد که حقیقت «تاریخی» را حقیقت «قضایی» را آشتی داد. هیچ سرویس اطلاعاتی از دخالت مقامات ارشد حکومت ایران در این جنایت تردید نداشتند.

اکنون توکراسی رفسنجانی و جانشینانش باید در برابر دادگاههای سوئیس جواب پس‌دهد. اگرچه این حکم دیر صادر شد اما استقلال قضائیه را نشان می‌دهد. هیچ‌یک از سلسله مراتب نتوانست اخلالی در تفکیک قوا به‌وجود آورد. این نتیجه کار چشمگیر تحقیقات پلیس استان وود می‌باشد.

کمی قبل از مرگ خمینی و فتوای قتل علیه سلمان رشدی، رژیم اسلامی شیوه مخوف سرویسهای اطلاعاتی آلمان شرقی در دهه ۵۰ را زنده کرده بود. بین ۹۸۴ و ۱۹۹۲ رژیم تهران بیش از ۲۵۰ تن از مخالفان سیاسی خود را در ۲۱ کشور به‌قتل رساند. در پاریس شاپور بختیار نخست‌وزیر سابق شاه به‌طرز وحشیانه‌یی سربریده شد. در ژنو سرهنگ کشف‌افتمند مرادی طالبی در برابر همسر باردارش اعدام شد. در کوبه توسط یک گروه ۱۳نفره از مأموران سرویسهای اطلاعاتی ایران پدر مرا با مسلسل از پای دراوردند. تمامی قاتلان، پاسپورت‌های در حال خدمت رسمی صادر شده از سوی وزیر فلاحيان را داشتند. دستگاه قضایی آلمان، آرژانتین و سوئیس ماشین تروریسم حکومتی ایران و پایگاه استراتژیک آن در اروپا، شبکه بانکی و پوششهای دیپلماتیکش را فاش ساختند. من هیچ چیز برای تسلی دادن به مادرم که صورت خونین همسر خود را بوسیده بود ندارم. هم‌چنین هیچ چیز برای تسلی دادن به برادر و خواهر کوچکترم که جوانیشان ناگهان در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ از بین رفت ندارم. به‌مدت ۱۵سال ما در سایهٔ تروریسم ایران و مصونیت شرم‌آور قضایی آن زندگی کردیم. بایستی اعتراف کنم که این سالها بسیار تلخ گذشت. اما اکنون این حکم پاداشی به رنج و ابتلاء گذشته ما می‌باشد. اما بیش از هر چیز نشانه پیروزی اشکار دموکراسی است.

در حالی که احمدی‌نژاد دولت اسرائیل را «فد» می‌داند که باید از روی نقشه پاک شود و قتل یهودیان را یک افسانه می‌داند، قبل از این‌که مالاها با سلاح هسته‌یی جاععه بیافریند، ما باید از تاریخ درس بگیریم. بین ماهیت نازیسم، استالینسیسم و رنجیادگرایی اسلامی ایران شباهت زیادی دارند. این سه نوع استبداد مطلقه واکنش خشن در برابر نظم نوین دموکراتیک و آزادی طلبانه می‌باشد. آنها به‌شبهه خشونت‌آمیز بر توده‌ها مسلط شده و شیوه‌های نابود کننده‌یی را که مقایر با جهانشمول بودن ایده انسانیت تدوین شده در دوران نور می‌باشد را به‌کار می‌برند.

پدر من در شهر مقدس کربلا آمده است. من می‌دانم اکنون به ما لیخند می‌زند. عدالت اجرا شده است.

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

صدرو حکم بین‌المللی جلب برای آخوند علی فلاحيان توسط قاضی دادگاه سوئیس بازتاب گسترده‌یی در رسانه‌های خبری جهان داشت و صدها خبرگزاری، روزنامه و تارنمای خبری این موضوع را منعکس نمودند. هفته گذشته قسمتی از این انعکاسهای خبری در صفحهٔ ۳ شمارهٔ ۷۹۵، منتشر شد. در این شماره نیز برخی بازتاب‌های این خبر از نظر شما می‌گذرد.

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

حکم جلب علیه وزیر پیشین اطلاعات ایران

آسوشیتدپرس ۲۰فروردین:

حکم تقاضای جلب فلاحيان به‌خاطر «تصمیم‌گیری و صدور دستور اعدام کاظم رجوی» شده‌است که در سال ۱۹۹۰ در نزدیکی منزلیش در حومه ژنو به ضرب گلوله ترور شد.

ایران، از این تحول اظهار خرسندی نمود. استفان رجوی فرزند قربانی نیز از «تحول فوق‌العاده دستگاه عدالت سوئیس که به مدت ۱۵سال به‌دلایل حکومتی قفل شده بود» اظهار خرسندی نمود.

از انقلاب۱۹۷۹ دهها مخالف رژیم تهران ترور شده‌اند. باور بر این است که مأموران وزارت اطلاعات ایران به ریاست فلاحيان عامل این ترورها بوده است. این وزارتخانه خود به قتل پنج مخالف در سال۱۹۹۸ به وسیله مأموران خودش در این وزارتخانه اعتراف کرده‌است.

حکم دستگیری وزیر سابق ایرانی

neue zürcher zeitung

روزنامه نویه زورخه ساینونگ، ۲۱فروردین:

قاضی استان وود، ژاک آننتن، یک حکم جلب بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات سابق صادر کرد. طبق خبری که در اختیار خبرگزاری آسوشیتدپرس قرار گرفت، علی فلاحيان وزیر اطلاعات سابق ایران در سال ۱۹۸۰ دستور قتل مخالف سیاسی ایرانی دکتر کاظم رجوی را داده بود. رجوی در نزدیک محل اقامتش در ژنو به‌قتل رسانده شد.

استفان رجوی: من با این فکر روبه‌رو بودم که پدرم به‌قتل رسیده‌است و این موضوع به‌دلایل منافع سیاسی به‌فراموشی سپرده شده است.

در سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی مدافع پرتلاش حقوق‌بشر در تبعید، در سوئیس به‌ضرب گلوله‌های مسل در چند قدمی منزلیش ترورشُد. ۱۳نفری که در این قتل شرکت داشتند موفق به فرار شدند. یکسال بعد دو تن از قاتلین در فرانسه دستگیر شدند اما به‌نام منافع عالی حکومتی به‌جای این‌که به سوئیس مسترد شوند به ایران اخراج شدند. متعاقباً برای حفظ روابط دیپلماتیک میان سوئیس و ایران این قضیه مسکوت ماند تا این‌که این حکم جلب صادر شد، که یک نشانه علامت تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

فضای حاکم بر پرونده اتمی «پاسداران» را دریابیم! (۱)

یزدان حاج حمزه

«رئیس‌جمهور» حکومت ولایت فقیهی ایران، روز ۲۲ فروردین ۸۵ در یک مراسم نمایشی خطاب به جهانی که منتظر پاسخ این حکومت به «شورای امنیت» است اعلام کرد: ۱- «چرخه تولید سوخت هسته‌یی در مقیاس آزمایشی و با غنای مورد نیاز در خاک ایران تکمیل شد و جمهوری اسلامی‌ایران به کشورهای هسته‌یی جهان پیوست. ۲- «من دستور داده‌ام غنی‌سازی اورانیوم در مقیاس صنعتی هر چه سریعتر آغاز شود». ۳- به صورت «برگشت ناپذیر» این کار را ادامه خواهیم داد.

با این حرکت هم «شورای امنیت» جواب خود را از رژیم گرفت، هم «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» و هم کشورهای هم‌چون روسیه که تقلا می‌کردند با قبولاندن تعلیق کار غنی‌سازی اورانیوم در ایران، رژیم را از منحصه درآوردند! کارگزاران رژیم اعلام و تبلیغ این چنینی «پیوستن» خود به «کشورهای هسته‌یی جهان» را لازمه به هم زدن تعادل قوای موجود و به رخ کشیدن افزایش قدرت خود تلقی می‌کنند و می‌گویند: «از این پس از موضع یک کشور هسته‌یی با همه قدرتها صحبت می‌کنیم» (احمدی‌نژاد ۲۴ فروردین درمشهد). یکی از اعلام دیپلماتیک رژیم برآست که «این سازمان ایران، ضعف و شکاف را در شورای امنیت تشدید می‌کند، غرب می‌داند کشوری را که به این فناوری دست یابد، نمی‌توان وادار به توقف فعالیتها کرد.

بر هند و پاکستان نیز در آغاز راه دستیابی به فناوری هسته‌یی، تحریمهای زیادی اعمال شد اما بالاخره همه جهان پذیرفت که باید این تحریمها رفع شود و با آنها تعامل کنند. از این پس آمریکا و اروپا مجبور به تعامل با ایران هستند» (خبرگزاری فارس ۲۳ فروردین ۸۵).

این سه خطبایی خارجی، که شاهد و نگران مجبوشدن «خطرناکترین حکومت تروریستی جهان» به «خطرناکترین ابزار تروریستی جهان» هستند، در مقابل این جواب سربالای رژیم چه واکنش میلادی با چنین ها وارد مذاکره شد و در زمینه مهمی‌است که ذهن را به خود مشغول می‌کند. اما تا آن‌جا که به ما ایرانیان برمی‌گردد، سؤال مهمتر از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، به رژیم‌یی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحريم و جنگ، آن‌را به پیش برده چ می‌توانیم یکپنم و چه باید بکنیم؟ برداشتن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

۱- به دور از هر نوع پیشوادی، ادعای پایه‌یی رژیم مبنی بر ضرورت تولید برق با راکتور اتمی در ایران و غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت این راکتورها را، یکبار دیگر مورد بازرینی منطقی از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، به رژیم‌یی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحريم و جنگ، آن‌را به پیش برده چ می‌توانیم یکپنم و چه باید بکنیم؟ برداشتن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

۱- به دور از هر نوع پیشوادی، ادعای پایه‌یی رژیم مبنی بر ضرورت تولید برق با راکتور اتمی در ایران و غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت این راکتورها را، یکبار دیگر مورد بازرینی منطقی از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، به رژیم‌یی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحريم و جنگ، آن‌را به پیش برده چ می‌توانیم یکپنم و چه باید بکنیم؟ برداشتن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

۱- به دور از هر نوع پیشوادی، ادعای پایه‌یی رژیم مبنی بر ضرورت تولید برق با راکتور اتمی در ایران و غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت این راکتورها را، یکبار دیگر مورد بازرینی منطقی از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، به رژیم‌یی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحريم و جنگ، آن‌را به پیش برده چ می‌توانیم یکپنم و چه باید بکنیم؟ برداشتن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

۱- به دور از هر نوع پیشوادی، ادعای پایه‌یی رژیم مبنی بر ضرورت تولید برق با راکتور اتمی در ایران و غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت این راکتورها را، یکبار دیگر مورد بازرینی منطقی از آن این است که در این دعوای تعیین کننده، به رژیم‌یی که کار ماجراجویی اتمی‌خود را به این‌جا رسانده و می‌خواهد، به هر قیمت، ولو به قیمت تحريم و جنگ، آن‌را به پیش برده چ می‌توانیم یکپنم و چه باید بکنیم؟ برداشتن به پاسخ این سؤال اساسی، ایجاب می‌کند که ابتدا با سه موضوع دراین رابطه تعیین تکلیف کنیم:

پایان جنگ و ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی

با پایان جنگ در سال ۱۳۷۷ و خسارت‌های زیادی که تأسیسات فعالیتهای هسته‌یی ایران در این زمان با آن مواجه شده بود، با آغاز ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، به فعالیتهای هسته‌یی نیز توجه ویژه‌یی شد. در این زمان واردات فناوریهای هسته‌یی با کاربرد دوگانه و نیز استمرار تلاشهای نهانی ایران برای وارد کردن فناوریهای تحت کنترل از غرب، شایعات زیادی را در ارتباط با تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌یی به محافل مختلف جهانی، به راه انداخت و گروهک منافقین در این رابطه فعالیت زیادی می‌کردند.

در این دوره آرژانتین موافقت کرد که به متخصصین ایرانی در مؤسسه هسته‌یی خود به‌نام (Jose Balasor) آموزش دهد و بعد از چندین ماه ۵/۵ میلیون دلار به

قرار دهیم و مطمئن شویم که این ادعا بی‌پایه و پوچ است.

۲- با توجه به هدف سیاسی رژیم ازبیکگری این ماجرا، که همانا رسیدن به تعادل سیاسی جدید با غرب است، در نظر بگیریم که شکست رژیم در این ماجرا، برای ما چه سود کلانی دارد و خدای نا کرده کامیابی او برای ما چه زیان کلانی می‌تواند به بار آورد؟

۳- ما ایرانیها درشکست رژیم تا چه حد می‌توانیم نقش سازنده داشته باشیم؟

چرا در ایران نه تولید برق با راکتور اتمی توجیه اقتصادی دارد و نه تولید سوخت اتمی؟

رئیس سازمان انرژی اتمی‌رژیم در مراسم مذکور بار دیگر اعلام کرد «ما برای دستیابی به ۲۰هزار مگاوات انرژی برق در نیروگاههای اتمی، برنامه‌ریزی کرده‌ایم». با این دستاویز ایجاد مخفیانه تأسیسات مربوط به «چرخه تولید سوخت اتمی در اردکان، اصفهان، نظنر را توجیه می‌کنند و می‌گویند با این تأسیسات می‌خواهیم سوخت مورد نیاز نیروگاههای برق اتمی‌خود را در ایران تولید کنیم، اما واقعیتهای اقتصادی وقتی زیر این ادعا را نفی می‌کنند.

الف –وجود جایگزین اقتصادی برای تأمین برق مصرفی ایران

افزایش ظرفیت تولید برق ایران از طریق ایجاد نیروگاههای اتمی، در شرایطی دستاویز بازی خطرناک اتمی حکومت پاسداران و آخوندها شده که اولاً بخش عظیمی‌از برق تولیدی کشور در مصرف صنعتی و خانگی برق تلف می‌شود، جلوگیری از این اتلاف ملی امکان پذیراست و می‌توان از آن برای جوابگویی به بخشی از افزایش مصرف استفاده کرد و ثانیاً برای افزایش منطقی و اقتصادی ظرفیت تولید برق، بدون افزایش مصرف سوخت، در ایران راههای سالمتر، کم هزینه‌تر و بی‌دردسترتری از تولید برق درنیروگاههای اتمی‌در دسترس است. در زیر به این واقعیتها اشاره می‌شود:

۱ – صرفه جویی در مصرف برق

صرف نظر از اتلاف غیرعادی برق تولیدی ایران در خطوط انتقال و ترانسفورماتورها، مصرف صنعتی و خانگی برق در ایران کنونی نیز از اتلاف شدید و قابل پیشگیری همراه است. انرژی مصرفی برای تولید یک یک قطعه صنعتی در ایران ۱۰۰ ابربار ژاين است». این واقعیت تلخ را رئیس «آژانس همکاری بین‌المللی ژاين» در کنفرانسی پس از آن‌که وضع مصرف برق در تولید صنعتی ایران را بررسی کرد، به زیان آورده و خبرگزاری ایسنا روز ۱۷۸اسفند ۸۴ آن‌را نقل کرده است. تولید در

کارخانه‌های ذوب فلز، شیشه‌سازی، کارخانه‌های قند و نساجی ایران با اتلاف شدید انرژی برق همراه است. علاوه بر مصرف صنعتی مصرف خانگی برق نیز با اتلاف شدید همراه است. وسایل تولید شده برقی در ایران بیش از حد متعارف برق مصرف می‌کنند و میلیونها وسیله خانگی برقی نظیر یخچال که در ایران تحت حاکمیت پاسداران با تکنولوژی قدیمی تولید می‌شوند از جمله عوامل اتلاف انرژی هستند که می‌توان جلو آن را گرفت. بخش دیگری ازانرژی برق ایران درجران گرمایش ساختمانهای مسکونی تلف می‌شود که فاقدعایق‌بندی حرارتی هستند.

۲- افزایش ظرفیت تولید برق

– افزایش ظرفیت از طریق نوسازی

مطابق آماری که شرکت «تولینر» وابسته به وزارت نیرومنتشر کرده درآغاز سال ۸۴، قدرت نصب شده در ۲۷۵ نیروگاه موجود کشور ۳۳۳۰۰ مگا وات بوده است. (با هر مگاوات نیروی برق می‌توان یک کیلووات برق دراختیار ۱۰۰۰خانواده ایرانی قرارداد تا امکان آن را داشته باشد به طور هم‌زمان معادل مصرف ۱۰واحد لامپ ۱۰۰ واتی و درجمع معادل ۱۰هزارلامپ ۱۰۰واتی، برق مصرف کنند). مطابق همین گزارش ۲۷درصد در تولیدی برق ایران (۲۴۹۴۵ مگاوات) در نیروگاههایی متمرکز شده که با توربین بخار و یا توربین گازکامی‌کنند. راندمان و بازده کار توربینهای گازی و یابخاری حداکث ۳۷/۵ درصد است (یعنی از مصرف یک مترمکعب گاز در این نوع نیروگاه حداکثرمی‌توان ۲/۷ کیلووات ساعت انرژی برق گرفت) با توجه به آن‌که گرمینی در مصرف توربینها بین ۱۶ تا ۴۷ سال است، در حال حاضر بازدهی کمتر از رقم فوق‌الذکر دارند. حال آن‌که راندمان کار نیروگاههای جدید گازی–بخاری (سیکل ترکیبی) به حدود ۵۵درصد می‌رسد (از مصرف یک مترمکعب گاز دراین نوع نیروگاه می‌توان ۵/۵ کیلووات ساعت یعنی حدود ۵۰درصد بیشتر از نیروگاههای قدیمی تولید کرد). با این حساب اگر نیروگاههای بخاری وگازی موجود را که اغلب آنها مستهلک شده‌اند به نیروگاههای مدرن سیکل ترکیبی تبدیل کنند، می‌توانند بدون آن‌که مصرف سوخت در نیروگاههای کشور بالا برود، ظرفیت برق دهی آنها را دست کم ۱۲/۵ هزار مگاوات (معادل ظرفیت ۱۵نیروگاه اتمی‌درحد نیروگاه بوشهر) افزایش دهند. (برخی منابع برآورد می‌کنند که این نوسازی با ۱میلیارد دلار سرمایه‌گذاری امکان پذیر است).

–افزایش ظرفیت تولید برق ایران با استفاده از انرژیهای طبیعی

در خاک پهناور ایران انرژیهای طبیعی فراوان،

سالم وپایان‌ناپذیری وجود دارد که می‌توان آنها را به انرژی برق تبدیل کرد و مورد استفاده قرارداد. باد، آفتاب، امواج دریا، انرژی حرارتی اعماق زمین، ازجمله این انرژیها هستند. هم اکنون منابع رژیم گزارش می‌دهند که بخش خصوصی ایران برای تولید ۱۰۰۰ مگاوات برق در نیروگاههای بادی منطقه بادخیز منجیل و بینالود به دولت درخواست داده،که هنوز مورد رسیدگی قرار نگرفته است (خبرگزاری فارس ۲۵ بهمن ۸۴). به نقل از مدیرعامل سازمان انرژیهای نو ایران، تولید این میزان از برق در نیروگاههای ساده و سالم بادی، که سرمایه‌گذار ایرانی داوطلب آن است، معادل میزان برقی است که قرار است در نیروگاه اتمی‌وخطرناک بوشهر تولید شود!

ب – سرمایه گذاری برای تولید برق در نیروگاه اتمی و تولید سوخت اتمی ناموجه است

درباره ناسازگاری فعالیتهای اتمی‌رژیم با منافع ملی ایران(ولو آن‌که این فعالیتها برای مصارف غیرنظامی‌مثل تولید برق باشد) به حال هم استدلال نظری شده و هم اقدامات عملی انجام گرفته است. در اوایل انقلاب، موقعی که پاسداران هنوز فضای اختراق را بر کشور حکمفرما نکرده بودند، یک گروه کارشناسی ۳۰ نفره به بررسی تولید برق در نیروگاه اتمی‌بوشهر و قراردادهای خارجی مربوطه پرداخت و پس از آن‌که بلند پایه‌های اتمی‌رژیم شاه، با مصالح و منافع ملی در تضاد دیده شد، در دولت موقت این قراردادها لغو شد و ساخت نیروگاه بوشهر تعطیل گردید. حتی پس از جنگ ایران و عراق نیز که پاسداران به صورت مخفی به سراغ فعالیتهای اتمی‌رفتند، در درون رژیم بحث غیر اقتصادی بودن نیروگاه هسته‌یی برق مطرح بوده است. در سال ۱۳۸۲کارشناسان مرکز پژوهش مجلس هفتم به خواست این مجلس گزارش محرمانه‌یی را در این باره تهیه کردند که در آن آمده است، نیروگاه اتمی‌برای تولید برق ۲/۴ برابر نیروگاه گازی برای همین منظور سرمایه‌گذاری می‌طلبد و هزینه جاری استفاده از آن حدود ۲/۳ برابر نیروگاههای گازی است. با این اوصاف می‌بینیم اصل مسأله و مبنای ادعاهای رژیم، یعنی تولید برق با راکتور اتمی، درایران مشروعیت ملی و اقتصادی ندارد. و به تبع آن فرع مسأله، که تولید سوخت اتمی‌برای تأمین سوخت نیروگاههای اتمی‌باشد، نیز نمی‌تواند مشروعیت ملی و اقتصادی داشته باشد. مضافاً بر آن‌که تولید سوخت اتمی، مستقل از مصرف آن در نیروگاههای اتمی، به خودی خود نیز درایران توجیه اقتصادی ندارد.

فقرايران از نظرسنگ‌اورانیوم!

کارشناسان رژیم درمرکزپژوهش مجلس در بیش از هر زمان دیگر در جستجوی فناوری متمرکز هسته‌یی بوده است. اگر چه بسیاری از تلاشهای ایران هرگز عملی نشده‌اند ولی مقامات گنگ انگلیس، ۱۱ پیوند فولاد تحت فشار که در جولای ۱۹۹۶(تیرماه ۱۳۷۴) به ایران مقرر شد، تازریق کرده‌اند.

بازرسان ای‌تالیایی نیز هشت دستگاه فشار بخار که به‌مقصد ایران ارسال می‌شد و قابلیت استفاده در برنامه نهانی راکتور داشتند را در سال ۱۹۹۳ (۱۷۷۱) توقیف کرده بودند و هم‌چنین هشت دستگاه با فناوری بالا که برای استفاده در آزمایش راکتور مناسب بودند را در بندر (Bari) در ژانویه ۱۹۹۴(آذرماه ۱۳۷۲) توقیف کردند. هاشمی‌رفسنجانی در ۳ سپتامبر ۱۹۹۶ (شهریور ۱۳۷۵)، از یکن دیدار کرد و طبق گزارشات موجود مذاکراتی برای خرید یک یا دو راکتور ۳۰ تا ۳۳۰ مگاواتی از چین انجام داد. موافقتنامه اولیه خرید یک راکتور مزبور توسط وزیر دفاع ایران در خلال دیدار فوق‌اعلام شد. جالب این‌که مورد فوق‌درست درزمانی بود که چین به پیمان‌نم گسترش سلاح‌های هسته‌یی پیوست(۶).

اما همکاری هسته‌یی بین چین و ایران موجب اعتراض فوری آمریکا به چین شد، لذا وزیرکمی فروشهای چین به ایران تغییر کرد و بعد از آن تمایلات چین برای فروش لوازم و تجهیزات هسته‌یی به ایران ضمن اثر پذیری از روابط چین– آمریکا دچار نوسان شد.

برخی گزارشات تهیه شده در آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۵(شهریور ۱۳۷۳) طبق نمود که چین برای توسعه تجهیزات تولید (calutron) در کرج واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی تهران به ایران کمک می‌کند و وزارت خارجه آمریکا نیز مطرح کرد که چین در حال کمک‌ه برای‌برای توسعه تجهیزات (diffusion) واقع در نزدیکی اصفهان در آوریل ۱۹۹۶(فروردین ۱۳۷۴) است. گزارشهای دیگر حاکی از آن بود که چین ممکن است قرارداد خود با ایران در خصوص فروش راکتور را در نوامبر ۱۹۹۶ و اوایل ۱۹۹۷ (۱۳۷۴) تجدید کند و سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) در همان زمان گزارش داد که ایران خریدهای فراوان و در عین حال ناشخص از چین در خصوص وسایل هسته‌یی انجام داد.

نهائماً مذاکراتی که چین با آمریکا داشته است موجب شد چین قول دهد که هیچ نوع مساعدتی به تجهیزات هسته‌یی که در ۱۱ در ۱۹۹۶(اردیبهشت ۱۳۷۴)، تحت نظارت ایمنی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌یی قرار نداشته‌اند ارائه نمایند.چین سپس مقررات تفصیلی برای اجراء کردن قول مزبور را در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۶(شهریور ۱۳۷۴) بعد از گفت‌وگوهای بیشتر با آمریکامنتشر ساخت.

طبق گزارش آمریکا، چین هم‌چنین در دسامبر ۱۹۹۶ (آذر ۱۳۷۳)، موافقت کرد که مجتمع جدید گلفارولاید اورانیوم‌رابه ایران نفروشد.

در این راستا، چین به نخست‌وزیر وقت اسرائیل (نتانیاهو)، در خلال دیدارش از چین اگوست ۱۹۹۷(مرداد ۱۳۷۵)، اطمینان داد که چین فناوری راکتور یا دیگر فناوریهایی که می‌توانند در یک برنامه سلاحهای هسته‌یی مورد استفاده قرار گیرند را در اختیار ایران قرار ندهد. وزیر خارجه

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵



گزارش محرمانه خود به مجلس هفتم، روی واقتیبتی انگکشت می‌گذارند که در ایران هرگونه ادعای تولید سوخت اتمی‌برای مصارف اقتصادی را نفی می‌کنند.

در این گزارش آمده است که با وجود سرمایه‌گذاری و تلاش پیگیر برای اکتشاف اورانیوم از زمان شتا تا به حال، حتی به اندازه تأمین سوخت اتمی‌نیروگاه بوشهر اورانیوم قابل استحصال در ایران کشف نشده است. این واقعیت خارج نیز تولید اورانیوم غنی شده توجیه اقتصادی نیست و با واردات سنگ معدن یا کیک زرد از خارج نیز تولید اورانیوم غنی شده توجیه اقتصادی ندارد، سرمایه‌گذاری برای این اقدام و ایجاد چرخه سوخت اتمی‌درایران جز به منظور بهره برداری نظامی، توجیه دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

سال ۲۰۰۲ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌آمده (ادامه دارد)

پا نویس :

میزان «کیک زرد» معادن اورانیوم درحال بهره برداری و قابل بهره‌برداری دنیا در سال ۲۰۰۴

(به هزار تن)

کشور	هزینه تولید هر مائه تا ۸۰دلار معادن در حال بهره‌برداری	هزینه تولید با کابوی ۱۳۰دلار معادن قابل بهره‌برداری	هزینه تولید با کابوی ۱۳۰دلار معادن قابل بهره‌برداری	مهم هر کشور در کل ذخایر جهان – هزینه تولید کمتر از کابوی ۱۵۰دلار
اسرائیل	۷۱۴	۲۸۷	۲۷۵	۲۳
فرانسه	۳۸۵	۲۳۸	۵۳۱	۱۸۵
کانادا	۲۸۷	۸۵	۳۳۵	۹/۷
تایسیا	۱۲۹	۷۴	۱۷۱	۵/۶
افریقای جنوبی	۲۳۲	۷۰	۳۱۵	۸/۶
آمریکا	۱۰۲	۴	۳۳۵	۷/۵
برزیل	۸۶	۵۷	۸۶	۳/۱
روسیه	۱۲۴	۳۴	۱۴۴	۵/۷
نجر	۱۰۲	۱۲۶	۱۰۲	۵
انزکستان	۶۲	۲۲	۸۰	۲/۶
بقیه کشورها	۲۹۲	۵۶	۳۲۷	۱۰/۷
ایران	۰	۰	۰	۰/۳
مجموع در دنیا	۲۵۲۵	۱۰۵۹	۳۱۸۰	۱۳۱۳
درآمد از توجیه به مصرف کابوی ۹۵- هزار تن	۴۰۴۰	۱۰۵۱۰	۱۳۰۶۹	۱۰۰

منبع: سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌یی IAEA

–سنگ معدن اورانیوم پس از آسیاب و تصفیه به پودری موسوم به «کیک زرد» تبدیل می‌شود. در معدن ساغد یزد که بزرگترین معدن اورانیوم در ایران می‌باشد، حدود ۱٫۵ میلیون تن سنگ معدن اورانیوم یافته شده که درجه خلوص آن ۵۵۳ گرم در یک تن است، با این درجه از خلوص، می‌توان از معدن ساغدن در مجموع حدود ۸۲۹تن کیک زرد در کارگاه‌رادکان تهیه کرد و به کارخانه فرآوری اصفهان فرستاد تا به گاز هکزا فلوراید اورانیوم تبدیل شود .

«مروری بر تحولات هسته‌یی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷» به روایت کار گزار رژیم در «مرکز اسناد انقلاب»

چین نیز یک پیانه در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۷(مهر ۱۳۷۴)، منتشر کرد و در آن اعلام نمود: «استفاده صلح‌آمیز از انرژی بین چین و ایران بدلیل وجود برخی اختلافات در قرارداد انجام‌شده‌است.»

در ادامه، ایران در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۴ (آبان ۱۳۷۲) اعلام کرد

که روسیه با معامله ۷۸۰ میلیون دلاری برای تکمیل یک راکتور در بوشهر که شرکت‌های آلمانی احداث آن را در زمان‌شاه آغاز کرده بودند موافقت کرده‌است. ایران این موافقتنامه را با روسیه در ۸ژانویه ۱۹۹۵ (دی ۱۳۷۲)، امضا نمود و در زمان امضا ارزش معامله به ۸۵۰ میلیون دلار افزایش یافت. فراخیت‌های اصلی و شناورهای فولادی یکی از راکتورها در بوشهر تا زمان سقوط شاه به میزان ۸۵/۰٪ تکمیل شده بود و ساخت راکتور دیگر تقریباً تمام شده (بود).

روسیه توانست سریعاً حدود ۱۵۰ متخصص را بعد از امضای موافقتنامه با ایران جهت تکمیل نیروگاه بوشهر به کار گیرد و در این راستا، ارسال لوازم و تجهیزات در سال ۱۹۹۶ آغاز کرد و اعلام نمود که در نظر دارد حداکثر دو هزار نفر روسی را به کار گیرد و به حدود ۵۰۰۰ متخصص ایرانی آموزش دهد. (باش‌آن‌کراس که روسیه طبق موافقتنامه موجود اسامای‌بایست امور مربوط به راکتور اول را تا قبل از سال ۲۰۰۰ به پایان می‌رساند).

به‌هر حال تاریخ تکمیل و هزینه موافقتنامه بستگی به این داشت که روسیه از تجهیزات موجود استفاده مطلوب می‌کرد یا این‌که از طرّح راکتور خودش به‌نام (۱۰۰۰ – VVER) برای تکمیل آن استفاده می‌کرد.

تجهیزات دو راکتور فوق در خلال جنگ ایران و عراق تخریب شده بودند و راکتور روسی VVER برای راکتور ۳۰۰۰ مگاواتی زمینس تفاوت داشت. مضافاً این‌که شرکت زمینسنس هنوز خود را کتورها و مولدهای بخار که برای توربینها بخاز تولید می‌کردند را نصب نکرده بود.

کارشناسان و متخصصان روسی دو راکتور را در سپتامبر ۱۹۹۴(شهریور ۱۳۷۲)، مورد بازرسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که خرابیهای موجود گسترده است و لذا فقدان اسناد فنی آلمانی می‌تواند به کار آنها لطمه و ضرر بزند. لذا اسنباط نهایی آنان این بود که تغییر طرح قدیمی راکتورها که مربوط به دهه ۱۹۷۰ است و طراحی جدید برای ساختمانها برای استفاده از راکتور روسی با ظرفیت هزار مگاوات به‌نام (۱۰۰۰ – VVER) که از آب برای ساختن‌خاز آن استفاده می‌شد ضروری است.

روسیه در ۱۸ مارس ۱۹۹۶(اسفند ۱۳۷۳)، اعلام کرد که مشکل کلیدی برای اجراء برنامه بازرسی راکتورها، اسناد فنی تجهیزات ساخت آلمان نصب شده در بوشهر است، که در دسترس نیست و این‌که روسیه در صورت عدم توانایی ایران برای تهیه اسناد مزبور که آلمان نیز مال می‌باشد ارائه ننود می‌یابد.تجهیزات جدیدی جایگزین تجهیزات آلمانی کند و که ساخت یک نیروگاه جدید آسانتر است و لی ایران اصرار داشت همان تراژیک قبلی

Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا فلوراید اورانیوم، گازی

خشتی است که با اضافه کردن گاز فلوراید ۴۲، به گاز UF۶ نیز اطلاق می‌شود و همان کاری است که ماشینهای سانتریفیوژ برای غنی‌سازی می‌شود.

۱– رگ، شاه و اتم (چگونگی آغاز فعالیت‌های هسته‌یی ایران)، از همین نگارنده – مهدی علیحاجی

۲– رگ، همان

۳– رگ، همان

۴– Hexafluoride – هگزا

خون عشاق نخفته‌ست

و نخسبد به جهان

وزیر اطلاعات ایران داده شده باشد. او هم چنین گفت: «دو تن از

متمهان سوء قصد کوبه، که متهم به انجام ترور هستند، هم‌چنان دارای مسئولیتهای مهمی در دولت ایران می‌باشند. آنها در سال ۱۹۹۲ در فرانسه دستگیر شدند، ولی در دسامبر ۱۹۹۳ توسط دولت فرانسه که از تحویل آنها به دادگستری سوئیس خودداری کرده بود. به ایران فرستاده شدند.متهم به انجام قتل براساس هویتی که در سوئیس داشته، فردی است به نام محسن شریف‌اصفهانی. ایرانی دیگری که پاریس از تحویل وی به سوئیس خودداری کرده بود، احمد طاهری نام دارد…اصفهانی و طاهری بدون شک مسئولانی هستند که هنوز مشاغل مهمی در دولت ایران دارند. ما آنها را می‌شناسیم، آنها از کارنامه‌های انقلابی تقابلی استفاده‌شده توسط می‌باشند… ما می‌دانیم که گذرنامه‌های تقلبی استفاده‌شده توسط تروریستها، متعلق به سرویسهای اطلاعاتی تهران بوده‌اند، هر چند که ایران گفته است که این افراد را نمی‌شناسد. اما ادامهٔ سیاست سازش یا مرتجعان، به رغم همهٔ هشدارهای مقاومت ایران، مانع از این بود که صدای مظلوم مردم ایران به گوش جهانیان برسد و مقاومت ایران ناگزیر از استواری در راه آرمان شهیدان خود بود.
داستان این ۱۶ اسال، از آن روز تا کنون داستان اجامهٔ پرخون» دکتر کاظم رجوی است در نبردی فشرده ، تنگاتنگ و جهانی علیه تروریسم، علیه پیاده، علیه ارتجاع و علیه سازشکاری و ممانتات و معامله با قاتلان. درنگ در سرنوشت «قربانی و قاتل» در این حساسهٔ انسانی، حیرت‌انگیز و عبرت آواز است

و جایگاه علمی و سرمایه تجربه سالیان ممارستش در میدان دیپلوماسی را پشتوانه داد.خوهای خون هزار شهید از شهیدان با نام و یابی نشان مینش کرده بود. در صحنه بین المللی و در مجامع حقوق بشری عصری کارآمد و شناخته شده و محبوب بود. و بالاخره جان خود را گرو تحققی آرمش، حقوق بشر، قرار داد. او از سالیان پیش، از یک زندگی آرام و دانشگاهی، در کنار

حمید اسدیان

«**تو مگو دفع که این دعوی خون کهن است خون عشاق نخفته‌ست و نخسبد به جهان هم در این کوی کسی یافت ز ناگه اثرش جامه پر خون شُدهٔ اوست، ببینید نشان»**

مولوی

۱۶سال از چهارم اردیبهشت ۶۹ می‌گذرد. در ساعت ۱۱ و ۵۰دقیقهٔ فترای روز مردی در خون خویش تپید که زندگی اش را وقت داد.عاملان آن بسیار شناخته شده بودند. به طوری که گفته بود «تاریخ حقوق بشر را با خون خود خواهد نوشت». در این ساعت خونین وقتی رگبار یوزی تروریستها در کوچه‌های خلوت شهر کوچک «کوبه» باریدن گرفت، دست دکتر کاظم رجوی روی بوق ماشینش قرار داشت و صدایش تا دقایق بعد از پایان جنایت، وقتی اهالی شریف منطقه پرسر او حاضر شدند، به گوش می‌رسید. و امسال، ۱۶سال پس از آن جنایت هولناک هنوز صدای آن بوق در تمام جهان طنین افکن شده است و گوشهای بسیاری آن را می‌شنوند.

ترور دکتر کاظم، آن هم در مقر سازمان ملل، بسیار تکان دهنده و قاتلان و عاملان آن بسیار شناخته شده بودند. به طوری که از بسیاری از مقامات قضایی که دست اندر کار پیگیری مسأله بودند، وضوح دست سرویس اطلاعاتی ایران را در پشت قضایا می‌دیدند. قاضی شاتلن که سالهای گذشته این پرونده را پیگیری می‌کرد بارها اعلام کرد: «من فکر می‌کنم فرمان سوء‌قصد توسط

یاد آوری: آن‌چه که ذیلاً ملاحظه می‌کنید بخش چهارم

از سلسله افشاگرهای کمیسوین امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت در بازهٔ نحوه ترور شهید بزرگ حقوق‌بشر، دکتر کاظم رجوی و عاملان اجرایی آن است.

این افشاگری در ۲۳ بهمن ۸۰ در شمارهٔ ۵۷۲ نشریه مجاهد به چاپ رسیده است.

ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر

خبیثی فتوی قتل دکتر کاظم رجوی را در سال ۶۵ صادر کرده بود کمیته امور ویژه مرکب از خامنه‌ای، رفسنجانی، ولایتی، ریشه‌ری، فلاحیان و پاسدار محسن رضایی طرح ترور را تصویب کرد و بودجهٔ کلانی به آن اختصاص داد قاضی سوئیس مسئول تحقیق در سال ۱۳۷۶ رسماً یک مقام بلندپایهٔ دولت ایران، را در پشت این عملیات تروریستی معرفی کرد دوماه بعداز ترور، پلیس سوئیس در یک گزارش ۲۵صحه‌یی به پیرامون این جنایت اعلام کرد: اما عمیقاً یقین داریم که یک یا چند سرویس رسمی ایران مستقیماً در قتل آگاهی و رجوی دست داشته‌اند، در پی ترور جنایتکارانهٔ دکتر کاظم رجوی، رهبر مقاومت ایران در تلگرامی به رئیس جمهور و مقامات بلندپایهٔ سوئیس،

با استناد به اطلاعاتی که مقاومت ایران به‌دست آورده بود، بر نقش مستقیم سران رژیم آخوندی و شخص رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، در این جنایت ننگین انگشت گذاشت.دیکتاتوری تروریستی حاکم که از بازتاب وسیع افشاگرهای مقاومت و به‌ویژه افشای نقش رفسنجانی در این ترور به وحشت افتاده بود، تلاش کرد با شکایت از یک خبرنگار سوئیس که تلگرام افشاگرانهٔ مسئول شورای ملی مقاومت را منعکس کرده بود، از بازتابهای هرچه بیشتر این افشاگرهای ممانعت بعمل آورد. اما دادگاه ژنو در پی بررسی مسوط پرونده واستماع شهود و اظهارات طرفین دعوا، بازنگار و تیره و رژیم آخوندی را محکوم نمود در اردیبهشت۶۸ اکپ ویژه‌یی از تروریستها به سوئیس آمدند و مرحلهٔ اول شناسایی را انجام دادند. اما به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح چندی به تعویق افتاد. چند هفته پس از مرگ خمینی طرح ترور دکتر کاظم با جدیت بیشتری در دستور کار رژیم قرار گرفت. چرا که خامنه‌ای و رفسنجانی برای پیر کردن این طرح نیاز به قدرت‌نمایی بیشتری داشتند رژیم آخوندی و شخص خمینی لایزال زیادی برای دشمنی و انتقام گرفتن از پروفسور کاظم رجوی شهید بزرگ حقوق بشر داشت.

قبل از هر چیز کاظم رجوی کسی بود که با کارزار بی‌سابقهٔ سیاسی و تبلیغی خود در سطح بین‌المللی، باعث نشان جان مسعود شد و شاه را در اوج اقتدار اهرم‌زنی اش مجبور کرد تا حکم اعدام او را به حبس ابد تبدیل کند.

علاوه بر این مبارزهٔ پیگیر و حسنگی ناپذیر دکتر کاظم در زمینهٔ افشای نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی و از اولین سالهای حکومت آخوندها، هم‌چنان آتش پیش و کینهٔ ملایان خونخوار را نسبت به او می‌شازد و چشم شعله‌ور می‌کرد. کمتر کسی بود که در سازمان ملل در ژنو و در نیویورک و در دیگر مجامع حقوق بشری در این سو و آن سوی دنیا، که کاظم رجوی او بود از جنایت رژیم آخوندی مطلع نکرده باشد. هنوز بعد از نزدیک به ۱۲سال پس از شهادت دکتر، وقتی خوهران و برادران ما در ژنو و نیویورک علیه رژیم آخوندی افشاگری می‌کنند، دوستان و همکاران و شاگردان دکتر کاظم بهترین مشوق و کمک‌کار آنها هستند. در پی ترور جنایتکارانهٔ دکتر کاظم رجوی، رهبر مقاومت ایران در تلگرامی به رئیس جمهور رفسنجانی و وزیر امور خارجهٔ ایران در سازمان ملل در ژنو و نیویورک و در دیگر مجامع حقوق بشری در این سو و آن سوی دنیا، که کاظم رجوی او بود از جنایت رژیم آخوندی و شخص رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، در این جنایت ننگین انگشت گذاشت.دیکتاتوری تروریستی حاکم که از بازتاب وسیع افشاگرهای مقاومت و به‌ویژه افشای نقش رفسنجانی در این ترور به وحشت افتاده بود، تلاش کرد با شکایت

از یک خبرنگار سوئیس که تلگرام افشاگرانهٔ مسئول شورای ملی مقاومت را منعکس کرده بود، از بازتابهای هرچه بیشتر این افشاگرها ممانعت بعمل آورد. اما دادگاه ژنو در پی بررسی مسبوط طرح ترور و استماع شهود و اظهارات طرفین دعوا، خبرنگار را تیره و رژیم آخوندی را محکوم نمود. به‌این ترتیب افشاگرهای مقاومت ایران در مورد نقش سران رژیم آخوندی در این جنایت پلید از تایید قضایی دادگستری سوئیس نیز برخوردار گردید.

خبیثی فتوای ترور را صادر می‌کند

به این ترتیب بود که خمینی در سال ۶۵ فتوا و دستور قتل دکتر کاظم را صادر کرد. تصویب اولین قطعنامهٔ محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی در مجمع عمومی ملل متحد در پاییز ۶۴، که دکتر کاظم نقش تعیین کننده‌یی در آن ایفا کرد، خشم و کین خمینی را نسبت به او شعله‌ورتر کرده بود. از اوایل سال۱۳۶۶ اجرای این ترور در دستور ارگانهای تروریستی رژیم قرار گرفت. ابتدا اجرای این ترور در دستور کار واحد اطلاعات سپاه به ریاست پاسدار احمد وحیدی قرار داشت. اما از اواسط سال ۶۷ با پیشنهاد ریشه‌ری وزیر اطلاعات وقت و موافقت رفسنجانی، این مسئولیت به وزارت اطلاعات سپرده شد.

ترور یستها دست‌چین و آموزش داده می‌شوند

ریشه‌ری به‌سرعت دست به‌کار شد و گروهی از زنده‌ترین عوامل خود را برای این جنایت رژیانهٔ دست‌چین نمود. ریشه‌ری در اسفند سال۶۷ طی نامه‌یی ۱۲فتر از تروریستها را که جهت این عملیات جنایتکارانه در نظر گرفته بود، برای تکمیل آموزش در سرهنگ مسعود مزینی‌راد مری آموزش مدرسهٔ ضدجاسوسی واقع در پادگان لوزیان معرفی نمود. ریشه‌ری طی این نامه نوشته بود که: به آقایان دانش، عرفانی، فاضلی، کمالی، سجادیان و… آموزش کامل بدهید.در نظر داشته باشید که این ۱۲تن پس از آموزش باید به آقای عمادالدین طاهرپور ۴۱، مراجعه کنند، لذا نهایت همکاری را با این افراد بکنید…

عمادالدین طاهرپور ۴۱ کیست؟

در فترجهٔ کد مدرسهٔ لوزیان، ۴۱ء، به‌معنای دوسلدورف آلمان است. طاهرپور یک عامل وزارت اطلاعات است که در ظاهر یک استراحتگاه را در شهر دوسلدورف آلمان اداره می‌کند. اما این استراحتگاه در واقع سرپل تروریستی‌اعزامی وزارت اطلاعات است. در مواقعی که وزارت اطلاعات نمی‌خواهد ردی از خودش در تردها به‌جا بگذارد از هتلا استفاده نمی‌کند و از یکسری سرپلها برای این کار استفاده می‌نماید که یکی از این مراکز استراحتگاه است که توسط عمادالدین طاهرپور در شهر دوسلدورف آلمان دایر شده است. ریل استفاده از این استراحتگاه این است که از سفارت و یا کنسولگریهای رژیم در آلمان (و بعضی وقتها از ایران با سفارتخانهٔ کشورهای دیگر) با طاهرپور تماس گرفته و اطلاع می‌دهند که میهمان داریم و او از افراد معرفی شده کارت شناسایی نمی‌خواهد. آدرس این سرپل ارتباطی به‌شرح زیر می‌باشد:
SCHITZEN STR35 DUSSULDORF GERMANY

دفتر کار عمادالدین طاهرپور در طبقهٔ پایین این ساختمان است. این مرکز هیچ تابلو و علامت مشخصه‌یی ندارد. در طبقهٔ دوم این ساختمان نیز دفتری وجود داشت که کارهای پشتیبانی و استقرار میهمانان را برنامهریزی می‌کرد و مسئول آن فردی به‌نام بنی‌جاهد بود. مزدوران وزارت اطلاعات که به این استراحتگاه مراجعه می‌کردند، توسط بنی‌جاهد در یک خانهٔ مسکونی مخفی اسکان داده می‌شدند. آدرس یکی از این منازل مخفی به‌شرح زیر است:
FRIENSGEGRG STR 87 DUSSULDORF GERMANY

آموزش تروریستها در مدرسهٔ ضدجاسوسی در پادگان لوزیان و مرکز آموزشی آبیگ
در مدرسهٔ لوزیان آموزش تنوریک اطلاعات و ضداطلاعات توسط سرکردگان ارتش به جاسوسان و

تروریستها داده می‌شود. دورهٔ کامل آموزشی جاسوسی – ترورستی مدرسهٔ ضدجاسوسی واقع در پادگان لوزیان شامل تقسیم می‌باشد که سومین قسمت آن مربوط به کاربُرد دقیق سلاح در عملیات ترورستی است. این ۱۲فتر آموزشهای تنوریک را همراه سایر شاگردان این مدرسه به‌مدت دو ماه زیر نظر مستقیم سرهنگ مسعود مزینی گذراندند. اما مراحل پراونیک را به‌طور مستقل در مرکز آموزش آبیگ واقع در جادهٔ قدیم کرج – قزوین، نرسیده به نیروگاه برق رجایی، طی کردند. در آبیگ قزوین یادگانی تأسیس شده که مانند یک شهر نیمه‌ساخته دارای مغازه، منزل و… می‌باشد. خانه‌ها و ساختمانهای این شهر کاذب‌اند، فقط نمای ظاهری یک شهر در آن پادگان وجود دارد. در این شهر، مرحلهٔ نهایی انجام یک ترور مانور می‌شود. در این مانورها، سوژهٔ موردنظر از اجساد بی‌صاحب انتخاب می‌شود و شلیک به‌طور واقعی روی سوژه انجام می‌گیرد. در مانور، عیناً صحنهٔ ترور چندین‌بار به اجرا گذارده می‌شود. مثلاً اگر شرایط منطقهٔ اصلی ترور، بارانی یا یخبندان یا… تشخیص داده شود، مانور نیز در همان شرایط انجام می‌شود. به این ترتیب تمام مراحل، مانند رفتن به‌داخل منازل و مغازه‌ها، نحوهٔ نزدیک شدن به سوژه، فرار و… تماماً مانور می‌شود.

۱۲فتر معرفی شده به مزینی‌راد در این مرکز برای تمرینات به ۳تیم تقسیم شده بودند. در دو هفتهٔ اول تمرینات این ۱۲فتر با موتور انجام می‌شد ولی بعداً موتور از ریل تمرینات حذف و بجای آن به‌وسیلهٔ خودرو تمرینات را ادامه دادند. هر کدام از تیمها در یک خودرو سازماندهی شد. این ۳ماشین روزانه ۱۲ساعت به‌طور فشرده با سلاح یوزی در خیابانهای این پادگان با آرایش مشخصی حرکت کرده و هدف تعیین‌شده‌یی را به رگبار بسته و متواری می‌شدند. نحوهٔ آرایش بدین شکل بوده که ابتدا یک ماشین آغفره از پی سوژه می‌آمد و بعد از رسیدن به سوژه آن‌را به رگبار می‌بست و عبور می‌کرد. سپس ماشین دوم با یک ترکیب دوفره از کنار سوژه عبور کرده و موفقیت عمل را چک و از انجام موفقیت‌آمیز عمل مطمئن می‌شد و تیر خلاص شلیک می‌کرد. با اندکی فاصله، ماشین سوم از این دو ماشین حرکت می‌کرد و از صحنهٔ عملیات فیلم می‌گرفت.

با توجه به فضای بارندگی در اروپا تمرینات تروریستها زیر باران و بر روی جادهٔ لغزندهٔ انجام می‌شد. تمرینات دوماه به طول انجامید و در این مدت ۴صد به عنوان سوژه، هدف شلیک تروریستی قرار گرفت و همهٔ این اجساد در اثر کثرت شلیک کاملاً متلاشی شدند.

شروع طرح

در اردیبهشت۶۸ اکپ ویژه‌یی از تروریستها به سوئیس آمدند و مرحلهٔ اول شناسایی را انجام دادند. اما به‌دلیل مرگ خمینی در خرداد همان سال پیگیری این طرح چندی به تعویق افتاد. چند هفته پس از مرگ خمینی طرح ترور دکتر کاظم با جدیت بیشتری در دستور کار رژیم قرار گرفت. چرا که خامنه‌ای و رفسنجانی برای پیر کردن خلأخمنی‌ناز به قدرت‌نمایی بیشتری داشتند. این‌القاسم مصباحی (شاهدC) در این باره می‌گوید: «هدف از حذف رجوی این بود که در ابتدای ریاست جمهوری رفسنجانی، می‌خواستند ثابت کنند که قدرتمندیم و همهٔ امکانات را در دست داریم.»

سه طرح اترناتیو

متعاقباً به‌دستور رفسنجانی (که هنوز در پست رئیس مجلس ارتجاع بود)، جلسه‌یی با ترکیب زیر برای ارزیابی شناساییها و طرح ترور تشکیل شد: – سرتیب پاسدار احمد وحیدی (معاونت وقت اطلاعات سپاه) –فلاحیان (قائم‌مقام وقت ریشه‌ری وزیر اطلاعات) – محمدحسین آخوندزاده بسطی دیپلومات ترورست (مدیرکل روابط سیاسی و بین‌المللی وقت وزارت خارجه) – سعید شاهشوسدلی خانن به‌عنوان مطلع از وضعیت طرح – محمد آزادی از تروریستها با تجربه (که بعداً در طرح ترور بختیار شرکت کرد) – محمد دانش (جزو تیم ترور) – محمد عرفانی (جزو تیم ترور) – کاظم دارابی از خرد عوامل وزارت اطلاعات در آلمان

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵



تروریستهای چون هادی نجف آبادی (سفیر وقت ایران در امارات عربی) محمدمهدی آخوندزاده بسطی (مدیرکل روابط سیاسی و بین‌المللی وقت وزارت خارجه) و سیروس ناصری رشوه‌گیر بدنام و رسوا، که دکتر کاظم را علناً تهدید به قتل کرد. تا پاسداران پیشانی سیاهی چون احمد وحیدی(معاونت وقت اطلاعات سپاه) و تا تروریستهای «فرنگی کارای چون کاظم دارابی و محمد آزادی تا درهم شکستگان خاننی چون سعید شاهشوندی و اکنون آنها در ذلتی گریزناپذیر ملعون همهٔ وجدانهای آگاه بشری شده‌اند.حکم قاضی ژاک آنتنن سوئیس مبنی بر دستگیری فلاحیان به خاطر ترور دکتر کاظم یکی از اولین جرقه‌های است که شعله‌های بسیاری را به دنبال دارد. مظلومیت خون دادخواه خون شهیدان مقاومت ایران به قدری خیره کننده است که در تمام این ایام، که به اندازهٔ قرن‌یی فراز و نشیب طی کرده ایم، نه تنها در گذر زمان مخدوش نشده که اتفاقاً روز به روز شعله کشیده است

به دشمنانمان بنگریم که خوار و حقیر روز به روز بر رسوایشان

خروش خونی که چون نسیم بر صفحات تاریخ حقوق بشر وزید



از راست به چپ: لورا، میشل و استفان رجوی هنگام گذاشتن گل در محل شهادت دکتر کاظم رجوی در سالگرد شهادت او



مزار شهید بزرگ حقوق بشر، دکتر کاظم رجوی، در خاک پای سرور آزادگان، مولنا حسین(ع) در کربلا

هاودی، علی مصلحی‌عراقی، محمدرضا جزایری با پروازهای دیگر وارد ژنو شدند. و بالاخره در روز ۴اردیبهشت ۱۳۶۹ ساعت ۱۱ و ۵۰دقیقهٔ پروفسور کاظم رجوی در حالی که جهت کارهای بانکی از منزل خارج شده بود مورد تهاجم تروریستها واقع شده و به شهادت می‌رسد. عصر همان روز آخوندزاده و هادی نجف‌آبادی و شماری دیگر از تروریستها، با پرواز ایران ایر به تهران بازگشتند.

گزارش به رفسنجانی

تروریستها بعداز بازگشت به تهران یک گزارش ۴۰صفحه‌یی از این جنایت فبیح برای رفسنجانی تهیه کردند. طبق این گزارش فرماندهٔ نظامی عملیات از ابتدا دارابی و معاون او علی مصلحی عراقی بود. ابتدا آنها می‌خواستند براساس طرح اول یعنی تهاجم به خانه عمل کنند. اما در عمل در بین آنها اختلاف بروز کرد و دارابی در نامه‌یی به تهران نوشت: «به‌علت اصولی نبودن طرح و سوختن طرح شخصاً حاضر به انجام کار نمی‌باشم، آقای عرفانی به‌جای رعایت اصول اطلاعاتی را نمی‌نماید و با افراد بومی رابطه برقرار می‌کند… وی در این نامه خواهان بازگشت تیم به تهران می‌شود. هم‌زمان علی مصلحی به تهران اعلام می‌کند از نظر او طرح بدون اشکال است و می‌گوید: «گویا آقای دارابی فکر می‌کند ما بنیود ایشان کار انجام نمی‌شود». عراقی در گزارشی که به مسئول بومرز می‌وزارت اطلاعات در مورد اشکالی که دارابی به ارتباطات او با افراد محلی گرفته بود نوشت:

«طرح دوستی ما با خانم مسئول کربآه وسایل نقلیه و خروج کردن ۱۰هزار دلار اجاری بوده است». به‌دنبال کسبل کردن طرح توسط دارابی، آخوندزاده بسطی با تهران‌برای تعیین تکلیف تماس می‌گیرد. مسئولین وزارت اطلاعات در تهران تأکید می‌کنند که رفسنجانی خواهان اجرای این طرح است و روی انجام آن تأکید می‌کند. اوتمبیل او شلیک می‌کند،

فقیه در صفحه ۱۲



جلال گنجهای

جبران تأخیر

با احترام به عزیزانی که محبت امرزهای اسلام با بنیاد گرایی تروریست را دنبال می کنند، و با مدعرت از تأخیر دو ماهه میان قسمت۱۶ تا این بخش، به یادآوری فرشه‌یی از گذشته که در ۱۶ قسمت گذشته آورده بودیم، می‌پردازیم:

الف: پس از اشاره به ضرورت بحث، به تعریف «بنیادگرایی تروریست اسلامی» پرداخته و توضیح دادیم که این یک نخله مذهبی در کنار دیگر مذاهب اسلامی نبوده و تنها حرکتی است که خواهان قدرت حکومتی به نام اسلام می‌باشد و کسب و نگهداری چنین قدرتی را شرط اجرای احکام الهی (شریعت یافته) دانسته و «فرضه» قلمداد می کند. و با اتکا به همین، ارزشهای دینی را تابع «فرضه قدرت» کرده و به واژگونگی دیانت راه می‌برد تا هرگونه جنبایی به این منظور را مباح و حتی واجب وانمود کند. (قسمتهای ۱و ۲). و روشن کردیم که «بنیادگرایی تروریست» از دیگر گرایشهای «ارتجاع دینی» متمایز است که به دلایل مختلف، جویای «اجباری کردن شریعت» و یا «بنیاد به قدرت» نیستند. (قسمت ۳).

ب: بنیادگرایی تروریست با وجود «رژیم ملایان ایران» از یک الگوی مطایق تعریف برخوردار است که –برخلاف دیگر حاکمیتهای موسوم به «اسلامی» در منطقه و جهان، به واقع یک «قدرت سیاسی برای اجرای شریعت» است. با وجود این نمونه که تا کنون مانده‌کار است، بنیادگرایی تروریست برای تبلیغ خود و سربازگیری در مشی ترور و جنایت به این الگو اتکا دارد و در صحنه عمل نیز از حمایتهای گوناگون رژیم ایران برخوردار است (قسمت ۴). چنان‌که به اقتضای «واژگونی دین در خدمت قدرت»، رژیم خمینی هم به طور متقابل، از زمان تأسیس در ۱۳۵۷، به نوبه خود و تحت عنوان «صدور انقلاب» به طور جدی و همه‌جانبه به تقویت و تکثیر این نوع تروریسم کشیده و بدین منظور بود که خواستههای انقلاب مردمی ایران و نیروهای آن را به مسلخ فرستاد. (قسمت ۵).

ج: این کارکرد خمینی تحت عنوان «سیاست بسط» و یا ایجاد «اتحاد جماهیر اسلامی» که لاجرم به معنی افروختن «جنگهای مہیبی» است که به‌هدف نابودکردن ۵۷ کشور می‌فرماید(۱). چنان‌که سازمان کنفرانس اسلامی» و جایگزینی با یک «امپراتوری اسلامی» ناگزیر خواهد بود، از یک‌سو درایران به‌بهای سرکوب فجع نیروها و مسلمانان دگراندیش دنبال شد و از سوی دیگر به جنگهای جنایتکارانه اساله برای «صدور» این مدل حکومتی به «عراق همسایه» انجامید. سیاسی است که هم‌چنان در دستور این رژیم به رهبری خامنه‌ای واحمدی‌زاد قرار دارد (قسمتهای۱و۶).

د: در آینه کارکردهای رژیم ملایان ایران، خواه سرکوب دگراندیشی و به‌طور عمده سرکوب مسلمانان دگراندیشی، و چه در صحنه واقعات جنگ ۸ساله، به روشنی می‌توان ماهیت «جهانخوا» بنیادگرایی تروریست اسلامی را مشاهده کرد (قسمتهای ۹و۸). چنان که مشاهده می‌کنیم که شکست در جنگ جهانی برای تصرف عراق، بنیادگرایی خمینی را هرچه بیشتر متکی به شیوه تروریستی و ایجاد سازمانهای وسیع و متعدد لازمه برای نیل به این هدف نمود (قسمتهای۱۱و۱۰).

ه: تروریسم جنایتکارانه بنیادگرایی که طبق وصیتنامه

معروف خمینی، معرف ماهیت رژیم ملایان ایران است، به غایت متفاوت است با مبارزه مشروع آزادیبخش. تفاوتی که هم در اهداف و هم مشی مبارزاتی و هم رعایت حقوق دیگران، میان جهانخوااری بنیادگرایی و احیای حقوق یک ملت در جنگهای مشروع آزادیبخش وجود دارد (قسمتهای۱۲و۱۳).

و: سیاست بنیادگرایی تروریست، از جمله شخص و رژیم خمینی در «تکثیر» مسلمانان دگراندیش (ادامه قسمت۱۳)، و تناقض آن با رعایت حقوقشان و هم‌چنین ناسازگاری با اصل شناخته‌شده اسلامی در جواز و لزوم «اتحاد» (قسمت۱۴).

ز: یادآوری سابقهٔ «دیرین «مشئ تکفیری» که خوارج نهروان (قاتلان حضرت علی(ع) در سال ۴۰هجری علم کرده و جدا از این جنایت عظمی و بسی جنایات تروریستی، در استدلال به اصطلاح دینی هم عین بیان و مستندات بنیادگرایان تروریست کنونی را مطرح می‌کردند. همان که خمینی نیز در تکفیر و قتل مجاهدین خلق مرکب شد (قسمت۱۵).

ح: فلسفه محوری «قدرت»، بنیادگرایی تروریست را به تکفیر مسلمانان و به طور کلی به قتلهای ضدبشری سوق می‌دهد. جنایاتی که به‌بهای نقض موازین «شریعت» و «افقه» خودشان، از آن رویگردان نیستند. رویکردی که از ترس باختن «قدرت» مایه می‌گیرد. (قسمت۱۶). بررسی ریزتر حکم خمینی در تکفیر مجاهدین خلق به بخش بعدی(۱۷) محول شد که در نوشته حاضر به آن وارد می‌شویم.

تأملی بر متن فتوای تکفیر خمینی

چنان‌که در قسمت قبلی(۱۶)، اشاره کردیم، اینک نوبت بررسی متن فتوای تکفیر خمینی در باره مجاهدین خلق ایران و حکم به قتل عام آنان است تا بتوان جنبه‌های ضداسلامی این حکم را دریافت. در این متن، خمینی عنوانی جرم متعددی را به مجاهدین نسبت داده است، اما حکم قتل دست‌جمعی زندانیان مجاهد را بر پایه «محابر» دانستن آنان صادر کرده و اعلام داشته: «کسانی که در زندانیهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند». این حکم از روی دستخط خمینی در باره پائوشم مطالعه می‌فرمایید(۱).

عناوین جرم و چگونگی احراز آنها

خمینی دراین حکم که طی آن تنها در مقطه تابستان۱۳۶۸، حکم قتل ۳۰هزار نفر از زندانیان مجاهد را به طور «دستجمعی» صادر کرد، نخست عناوین جرم متعددی برای مجاهدین را به شرح زیر تصریح کرد:

یکم، بی‌اعتدای به اسلام در عین نظاره به مسلمانان. جرمی که تنها به ادعای کذب خودش مستند بوده که می‌گوید: «سران آنها (مجاهدین) از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند». چنین بی‌اعتدایی نه‌تنها توسط هیچ‌یک از مجاهدین، رهبران یا اعضای عادی سازمان، مطرح نشده بود، بلکه خلاف آن، یعنی اعتقاد قلبی و عملی به مبنای (اصول و فروع) اسلام را همواره و به طور علنی و در کلیه اعمال و مناسبات دینی، ابراز داشته و می‌داشته‌اند و مایه اعتماد مردمی انبوه به این سازمان، صداقت و جدیت خمینی مجاهدین است تا چه رسد به مبانی بود. آن قدر که جدا از خمینی و باند مربوطه، هیچ‌یک بزرگترین سانسور (تصویری) در تاریخ اقدام نمود و از انعکاس حمایت ایرانیان حاضر در استادیوم «ژرولاند» به نفع مقاومت ایران تا حد امکان و توتانش مناعت نمود (هرچند که پاره‌یی اوقات امکناپذیر نبود). اما فردای سابقه، مطبوعات لیون و فرانسه با درج هزاران عکس و خبر، ضمن افشای توطئه «خبری» یک‌صدای پیروزی ایرانیان مخالف رژیم تروریستی آخوندها را منتشر کردند (که پاره‌یی از آنها در نشریات مقاومت به ویژه در نشریه مجاهد چاپ شد).

کتابهای بسیاری از طرف مؤسسه‌های انتشاراتی کشورهای مختلف چاپ و منتشر شد که رقم این ستور به دلیل پیگیری مسائل فوتبال، تعداد زیادی از این کتابها را در آلمان و سایر کشورها بدیام. به ویژه در آلمان که تقریباً تمامی آنها به درج نتیجه بازی ایران و آمریکا و ویژگی سیاسی آن اشاره‌یی کرده و به چاپ تصویری از مسابقه قناعت نمودند (با توجه به این که تیم فوتبال آلمان و یوگسلاوی نیز هم گروه تیمهای ایران و آمریکا بودند). حساب شده و سیستماتیک به دلیل روابط اقتصادی با حکومت ملالا، از اعتراض بزرگ و درخشان مقاومت ایران مناعت نمودند.

در خردادماه سال جاری، آلمان میزبان جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال خواهد بود و به همین مناسبت روزنامه سراسری و معتبر آژودویچه‌سپوتنیک» از نوامبر سال گذشته میلادی به تدریج اقدام به انتشار پانزده جلد تاریخ جام جهانی از اولین دوره، یعنی ۱۹۳۰ تا دوره هفدهم در سال ۲۰۰۶ (جلد پانزدهم در حدود ۱۷ژوئیه ۲۰۰۶منتشر خواهد شد)، نموده است که در فوریه سال جاری میلادی کتاب جام جهانی ۱۹۹۸فرانسه منتشر شد. در این

از منتقدان و مخالفان مجاهدین، هرگز آنها را منکر اسلام ندانسته و مخالفت بسیاری تنها به خاطر جدیت مجاهدین در مسلمانی است. بی‌شک، خمینی در توجیه این اتهام به مجاهدین، کمترین شانس‌ی در پیشگاه خداوند و در دادگاه تاریخ نخواهد داشت.

دوم، نسبت «محابر» بودن به کل مجاهدین، به شمول زندانیان مجاهد، به‌بانه آن‌چه خمینی «جنگهای کلاسیک» نامید. جنگهایی که از یک‌سوی تحمیل کرده خودش بود که با مسدودکردن هرگونه دگراندیشی مسالمت‌آمیز، راه دیگری برای نقد و مبارزه باقی نگذاشت. به‌خصوص که زندانیان مجاهد، امکان کمترین دخالتی در این جنگها را نداشتند.

سوم، اتهام «ارتباط آنان با استکبار جهانی» بدون تعیین چگونگی این ارتباط تا چه‌رسد به مجرمانه بودن آن. در این مورد نیز، هر اراطباطی به‌فرض نامشروع که در میان بوده، مجاهدان زندانی از آن بدور بوده‌اند.

چهارم، استناد به «موضع» زندانی که به سازمان مجاهدین وفادار و به تعبیر خمینی «سر موضع» باشد. این یعنی که نفس اندیشه و صرف احساسات نسبت به سازمان و رهبرانش، توسط خمینی مصداق «محابره» و مستوجب «اعدام» شناخته می‌شود.

پنجم، در متن فتوای تکفیر خمینی، نقش مقامها و عوامل این اعدامها، مانند «نیری»، «اشراقی» و… احراز «سر موضع» بودن و «وفادار» ماندن به مجاهدین اعلام شده است. این یعنی که اینان بیش از دژخیمان مجری قتل نبوده‌اند. نه در این ماجرا به عنوان «قاضی» یا «حاکم شرع» دخیل بودند که نظر به بنیات و شهود کافی به وقوع جرمی معین «این‌جا جرم محابره» رسیدگی کنند و نه «گواه» یا «شاهد شرعی» بودند که در محکمه و نزد «قاضی» یا «حاکم شرع» مستقلی به ادای شهادت اقدام نمایند. این بدین معنی است که حتی یک دادگاه فرمایشی نیز برای کسانی که محکومیت حبس محدود داشتند، هرگز برپا نشد. بلکه، اشخاص یادشده از طرف ارباب جنایتکار خوش برای اجرای قتلهای مورد نظر، بدون هر گونه مجوز قضایی و شرعی، دست به چنان جنایات وسیعی زدند.

ششم، اتهامهای خمینی، مندرج در متن و فتوای تکفیر در باره مجاهدین، هرگز بر موازین قضایی و قضاوت شرعی و با رسیدگی و تأیید یک «قاضی داد‌گاه» یا «حاکم شرعی» صورت نگرفته و مبتنی بر بینه شرعی، یعنی «گواه» و «شاهد شرعی» صورت نگرفت و بنابراین، تمامی این اعدامها که بدون رسیدگی قضایی و شرعی صورت گرفته، جز جنبه‌یی «قتل» جنایتکارانه نبوده است که آمر آنها شخص روح‌الله خمینی و مجری این جنایتها امثال نیری و اشراقی و غیره بودند.

شریعت ضدشرعی خمینی

بسیار قابل توجه است که در شریعت متناقض و واژگونه خمینی که بدان عمل می‌کرده، درست معکوس و خلاف آن‌چه اجرا می‌شده که در شریعت رسمی و کتابهای فقهی، از جمله در کتاب خودش، «تحریرالوسیله»(۲) آمده است. از این روی، این حکم قتل دستجمعی دهها هزار زندانی بی‌فداع، تحت عنوان «محابر»، از اساس دروغین و ساختگی بود و صدور آگاهانه چنین احکام غلط و خلاف، و حتی عدالت حکم‌دهنده است تا چه رسد به صلاحیتش در مسند «حکومت شرعی» و یا «مرجع تقلید»

که مدعی آن هستند.

و همه این فقدان عدالت و صلاحیت شرعی و دینی، با نفس صدور چنین حکمی توسط خمینی ثابت و آشکار است. یعنی جدا از روش وارونه گماشتگان یادشده جهت «تخصیص» زندانی «محابر» و مستوجب «اعدام» بر طبق حکم خمینی. گماشتگان جلادی که تنها به صرف آن‌که یک زندانی در خلال گفتگویی ۳–۴دقیقه‌یی از لفظ «مجاهد» برای نامیدن «سازمان مجاهدین» و یا شخص خودش استفاده می‌کرد، به صرف همین، وی را «محابر» تشخیص می‌دادند! چیزی که البته هرچند بدون صراحت کافی، در نامه آقای منتظری به خمینی، مورخ ۶ مرداد۶۷، منعکس شده است. منتظری از جمله می‌نویسد: «…ثالثاً

بسیاری از آنها (زندانیان اعدامی) «سر موضع» نیستند ولی بعضی مسئولین تند با آنان معامله «سر موضع» می‌کنند…

خامساً، افرادی که به وسیله داد گاهها، با موافقتی، در سابق محکوم به کتمر از اعدام شده‌اند، اعدام کردن آنان بدون

مقدمه و بدون فعالیت تازویی بر خلاف موازین و احکام قضات است… سادساً، دادستانی و اطلاعات ما در سطح مقدس اردبیلی نیستند و اشتباهات و تأثیر از جو بسیار و فراوان است و با حکم اخیر حضرت تعالی، بسای بی‌گناهای و یا کم گناهای هم اعدام می‌شوند…(۳).

به هر روی، این حکم خمینی، تجربه‌یی هر چند غیرمنحصر به فرد است که عرایان می‌دارد، چگونه بنیادگرایی تروریست برای قدرت و حاکمیت خویش، تا کجا از دیانت فاصله گرفته و در منجلاب جنایت و خونخواری غرقه می‌شود.

(ادامه دارد)	

پانویس

۱- متن: «ز آن‌جا که مناققین خائن به‌هیچ‌وجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه می‌گویند از روی حيله و نفاق انهناس و به افکار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند و باتوجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدم علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناچونمانده آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندانیهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رأی اکثریت آقایان حجج‌الاسلام نیری دامت افاضانه و جناب آقای اشراقی و نماینده‌یی از وزارت اطلاعات می‌باشد. اگر چه احتیاط در اجماع است، و به همین طور درزندانیهای مراکز استان کشور رأی اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات مزمل‌الامتیاع می‌باشد. رجم بر محاربین ساده‌اندیشی است. اسامیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول دیندینانپذیر نظام اسلام است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خاوند تعال را جلب نمایید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آننست وسوسه وشک و تردید نکنند و سعی کنند «شهادت علی الکفار» باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی ناپیده گرفتن خون پاک ومطهر شهیدا می‌باشد. والسلام. روح‌الله الموسوی‌الطهینی».

۲- تحریرالوسیله خمینی، کتاب حدود. فصل ششم در حد محارب: «مسأله ۱- محارب به کسی گویند که اسلحه خود را به منظور تهدید و ترساندن مردم از غلاف در یان یا آن را مجهر سازد… کارهایی که از این‌کند زندانی اسیر مطلقاً بر نمی‌آید.

۲- خاطرات منتظری، انتشار اتحاد ناشرین اروپا. چاپ.۲. ص۱۲۶، بخش بیوسنته، ص. ۵۲۰.



تاریخ ایران زمین

دوران کهن

(از پیشدادیان تا پایان دوران ساسانی)
(۱۷)

عبدالعلی معصومی

جنگهای ایران و روم

در دوره اشکانیان رومیها برای چیرگی بر ایران و هند، چندبار به ایران لشکر کشی کردند، اما، با شکست روبه رو شدند.

–نخستین جنگ در خرداد سال ۵۳ ق.م، در زمان پادشاهی اُرداول، یکی از شاهان قدرتمند اشکانی، رخ داد که از سال ۵۶ تا ۲۷ ق.م، سلطنت کرد. این جنگ سرآغاز جنگهای طولانی ایران و یونان بود که تا پایان دوره ساسانی، بارها تکرار شد. در نخستین جنگ سه کنسول معروف روم (ژولیوس سزار، کراسوس و پومپه)، از سوی سنای روم زمام حکومت را به دست داشتند.

سنای روم در سال ۵۵ ق.م، فرماندهی لشکریان روم در شرق را به کراسوس سپرد و او را به حکومت سوریه منصوب کرد. کراسوس پیش از این تاریخ فرماندهی سرکوب قیام «گلادیاطور»های رومی به رهبری «اسپارتاکوس» را به عهده داشته و آن قیام را به نحو وحشیانه‌یی سرکوب کرده بود.

«سوزنا»، سپهسالار دلیر ایرانی، فرماندهی لشکرایان اشکانی در رویارویی با لشکریان روم را به عهده داشت. جنگ در حوالی شهر «خرزان»، در کناره راست رود فرات، در میانه شهرهای رُها و نصیبین رخ داد.

در نخستین روز جنگ سپاه بسیار مجهز روم از چلیک‌سواران اشکانی که جز تیر و کمان سلاح دیگری نداشتند، اما در تیراندازی و تکه‌تازی بی‌مانند بودند، به سختی شکست خوردند و بیست هزار کشته و بیش از ده هزار اسیر به جا گذاشتند. پسر کراسوس، از فرماندهان دلیر سپاه روم نیز در شمار کشته‌شدگان بود. سپاهیان رومی که به شدت روحیه خود را باخته بودند، شیشه از میدان جنگ گریختند. فرای آن روز، سپاه اشکانی به تقویت فراریان پرداختند و کراسوس در درگیری با دسته‌یی از سپاهیان اشکانی کشته شد.

–یکی دیگر از جنگهای ایران و روم در سال ۳۱ ق.م، در دوران پادشاهی «فرهاد چهارم» رخ داد که در سال ۳۷ ق.م، به‌سلطنت‌سیسده‌بود. فرهاد چهارم‌بادر «فرهاد خانوادگی بر سر تصاحب تخت پادشاهی روبه‌رو شد و برای استوار کردن قدرت خود تمام برادرانش را، که ۱۷تن بودند، کشت تا در فرمانروایی بی‌رقیب باشد.

مارکوس آنتونیوس، از کنسولهای روم که مصر را به تصرف در آورده و شهر کناره دریای مدیترانه، «تخنجاه» آن، را به‌ویزانه، تبدیل کرده بود، بر آن شده استفاده از کشمکشهای خانگی خاندان اشکانی، ایران را مانند مصر به تصرف در آورد. از این روی، شاه ارمنستان را به وعده فریفت و در سال ۳۶ ق.م، از راه ارمنستان به آذربایجان لشکر کشی کرد و با ویران کردن و تاراج روستاها و شهرهای میانه راه، خود را به مرکز آذربایجان رساند.

فرهاد چهارم در آذربایجان با سپاه انبوه رومی روبه رو شد و شکست سختی بر آنها وارد کرد. در این جنگ که فرماندهی سپاهیان رومی را آنتونیوس به عهده داشت، بار به‌جا گذاشتن تلفات بسیار ناچاپه به گریز از خاک ایران شد. شکست رومیها در این جنگ، کشمکشهای درونی میان سنا و کنسولهای روم را دامن زد و باعث شد که دولت کنسولی در روم برپنده شود. امپراتور بعدی روم (اوکتابیوس اگوست) که خود شاهد ناکامیهای روم در این جنگها و پیامدهای ویرانگر آن بود، از هر گونه جنگی با ایران جلوگیری کرد و برای پایان‌دادن به این‌گونه جنگها رو فرات را مرز ایران و روم شناخت و به رویان وصیت کرد که حرمت این مرز را نشکنند. از این تاریخ به مدت صدسال هیچ جنگی میان ایران و روم رخ نداد.

«مَهستان» و آزاداندیشی اشکانیان

در دوره اشکانیان شاه برگزیده شورا ایی و سران و سرداران هفت خاندان قدرتمند پارسی (پهلوی) بود که «مَهستان» نامیده می‌شد. طبقه مهستان برگزیدن شاه و نظارت بر کارهای دستگاه حکومت بود. این شورا هر گاه لازم می‌دید شاه را عزل می‌کرد و فرد دیگری را به جای او می‌نشاندد. البته، این فرد می‌بایست از خاندان «اشک» باشد که باور بر این بود که این خاندان دارای «نقدس است و فراقه یزیدی» دارد و افراد خاندانهای دیگر از این ویژگی بی‌بهره‌اند.

اشکانیان باورهای دینی خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کردند. در دوره فرمانروایی اشکانی، آیینهای مختلف در دشتن پرستگاهها و اجرای مراسم آیینی خود آزاد بودند و آزادی دینی برقرار بود. با این که آیین زردشت دین مسلط بر جامعه بود، مهرپرستان آزادانه مراسم مذهبی خود را انجام می‌دادند. در شرق ایران، به ویژه در کابل، آیین بودا پیروان بسیاری داشت. برخی عقیده دارند تنهای بزرگ بودا در میان «خننگ بُت و سُرخ بت» از یادگارهای دوره اشکانیان است. خاندان اشکانیان پیرو آیین میترا بودند، اما، تلاشی برای تحمیل این آیین به دیگران نداشتند و مردم هر منطقه از آیین آبایی خود پیروی می‌کردند.

آثار به جامانده از شهر اشکانی «هاترا»

شهر باستانی هاترا که آمیزه‌یی از سه تمدن ایرانی، یونانی و رومی است، مهمترین محوطه باستانی دوره اشکانیان است. این شهر در ۲۹۰ کیلومتری شمال بغداد، در مرز میان امپراتوریهای اشکانی و روم قرار داشت و کاروانهایی که از شرق به سوریه و شهر اتره (اردن) و بعلبک (لبنان) یا به روم می‌رفتند، از این شهر می‌گذشتند. هاترا یکی از هجده ایالت امپراتوری اشکانیان بود. این ایالتها هر یک به صورت ملوک‌التوایی اداره می‌شدند و حاکم هر یک از آنها خود را شاه می‌خواند و فرمانر شاه اشکانی بود که شاه شاهان (شاهنشاه) خوانده می‌شد. لوح رونق شهر «هاترا» تا پایان قرن دوم میلادی بود. وقتی ساسانیان روی کار آمدند، خاندان «آرساسی» که بر شهر حکومت داشتند، با رومیان علیه دولت ساسانی متحد شدند و در سال ۲۴۰ میلادی لشکریان گردانیوس سوم (امپراتور روم از سال ۲۳۸ تا ۲۴۴ میلادی) در این شهر مستقر شدند. این مسأله شاپور اول ساسانی را به یورش به این شهر برانگیخت. وی در سال ۲۴۱ میلادی، در نخستین سال تاجگذاریش، به این شهر یورش برد و آن را به تصرف در آورد. این ضربه ویرانگر چنان کم‌شکر بود که شهر هاترا نتوانست آن را جبران کند. این شهر زیبا، نه تنها از رونق پیشین افتاد، بلکه دیری نپایید که از سکنه خالی شد. یکی از تاریخ‌نگاران رومی که در سال ۱۶۴ میلادی از ویرانه‌های این شهر دیدار کرده بود، می‌نویسد: «هاترا از سالها قبل ویران و متروک مانده است».

یک نمونه از آثار به‌جامانده از شهر «هاترا» معبد بزرگ شمس (خدای خورشید)، نایشگاه اصلی شهر هاترا



«سَد سِکندر»

اشکانیان برای جلوگیری از نفوذ قبایلی مانند قبایل سکاکی، که گهگاه به شرق و جنوب شرقی دریای خزر، به قصد غارتگری، یورش می‌بردند، بگ دیوار دفاعی مانند دیوار چین برپا کردند. به این دیوار (که یکی از آثار تاریخی معروف استان گلستان است)، سدسِکندر یا «قلل آلان» (مار سرخ) می‌گویند. این دیوار از شرق دریای خزر در منطقه گمشکان شروع می‌شود و پس از گذشتن از شمال گنبد کاووس به سوی شرق می‌رود و به کوه‌های «پیش کمر» واصل می‌شود. در ازای این دیوار که ویرانه‌های آن هنوز باقی است، حدود ۱۷۰ کیلومتر و پهنای آن حدود ۱۰ متر بود. ادامه دارد

ادامه دارد

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

«فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها» یکی از پوسترهای «فرانسوی‌ها علیه سوسیالیست‌ها»

مهرربانیهای پنهان یک‌تیز دندان

کاظم مصطفوی

چند سال پیش در نظاره‌ائی که هواداران مجاهدین در رم برگزار کردند یکی از سخنرانان خمینی را «فاشیست» نامید. در همان جا یک ایتالیایی دیگر بلند شد و اعتراض کرد. اعتراضی به‌جا و درست. او با عصیانیت بسیار گفت: «ما خودم فاشیست هستم. اما کدام فاشیستی این کارهایی را کرده‌است که خمینی کرده» و…درستی می‌گفت.

با وجود این اقبال و انصار خمینی که این روزها در بدترین مخمسه‌های تاریخ حاکمیت خودشان قرار گرفته‌اند به‌شدت به‌دست و پا افتاده‌اند تا نتگ را از چهره آن ابیر سفاکی و شقاوت، بزبانند و او را در معرفی عارفی شوریده با مهرربانیهایی بیکران و پنهان سعی کنند و گویند که مردم این خاک فراموش می‌کنند آن همه سفاکی و خونریزی و شقاوت و درنده‌خویی را.

البته خط «مهرربان‌سازی تیزدندان» پس از مرگ دجال آغاز شد. بعد از آن بود که به‌صورتی ناگهانی معلوم شد امام‌ها همان قدر که «امام بوده شاعر» هم تشریف داشته است! آن‌ها چه چه شاعری؟ با عجب لطافتی و چه عشقی از عاطفه‌های عرفان و مهر و عشق و…از آن پس هرکدام از ورثهٔ مادی و معنوی آن عصارهٔ حقد و غیظ وقتی از «امام راحل‌شان یاد می‌کنند»: «خوش‌خویی، مردم‌داری، شجاعت، تفقا، فقاعت متعالی، عرفان بی‌همتا و…» سخن می‌گویند.

در همین راستا تخم و ترکه «امام راحل» از قبل درآمدهای بی‌حساب و کتاب دست به‌ول خرجی عجیبی زده‌اند. به‌پاسداری که لب‌س کارگردانی و فیلمسازی و هنرمندی به‌تن دارد مأموریت داده شده تا دست به‌تپه فیلم زنده‌گیتامه خمینی بزند. آن‌ها شید هم که کیسه‌گشادی برای این «هنرمنامی» دوخته اسم شاهکارش را گذاشته «فرزند صبیح!» و «استارتی» به‌عنوان دست گرمی زده است. اما از آن‌جا که کارگردان علاوه بر پاسدار بودن استمرار در آمد (به‌خصوص از نوع یادآورده‌اش) راه خوب می‌شناسد پس از تهیه چند کانسک، فیلمبرداری او متوقف کرده است. و آن طور که در آخرین مصاحبه‌اش گفته آمده فیلمبرداری این فیلم را به‌دوم سال بعد محول کرده است. به‌این دلیل ساده که پسرک ۱۱ساله‌یی که نقش «امام» را در کودکی بازی می‌کنند، به‌قدری خوب بازی کرده که به‌ترتاس است! نقش آفرینی سালেهای بعدی زندگی «امام» هم خود او بازی کند. یعنی باید منتظر مایلند تا پسرک بزرگ شود و نقش دجال را در سালেهای بعد زندگی خودش بازی کند.

با وجود این همه هنرنماییها و هنرپورریها به‌نظر نمی‌رسد که امروزه کسی در ددمنشی و سفاکی و شقاوت خمینی تردید داشته‌باشد.همه می‌دانند که اگر تمام جلادان تاریخ، از نرون تا چنگیز و ایتلا و حجاج و سلطان محمود و شاه عباس و تا هیتلر و موسولینی و فرانکو و پینوشه و… در یک مدرسه جمع شوند خمینی استانی بی‌پدلی همه آنها است. و همه می‌دانند که انتقاد همیشگی خمینی به ایدایش این بود که چرا کمتر خونریزی می‌کنند و چرا کم می‌کشند و کم می‌زنند می‌ند. و قلب «آقا» صیحه‌ها با شنیدن خبر اعدام دختران و پسران ۱۳–۱۴ساله قوت می‌گرفت.

در بی‌نست به‌منه‌نویی از پروژه «مهرربان‌سازی تیز دندان ها رنظام» لازم مختصری کنیم.

اما پیشینش آرام به‌یادآوری است که این پروژه معمولاً یک پروژهٔ جانبی است. یعنی در بسیاری موارد در جوف یک پروژهٔ دیگر و یا در خدمت اهداف دیگری پیگیری می‌شود. مثلاً هر از گاهی که جنگ بچه تیزدندانها حاد می‌شود، بازار خرج کردن «امام راحل» گرم می‌شود، که جنباشان این طور بود و آن طور نبود. یعنی در یک تصفیه حساب شخصی و آن‌خصوصی از منبع سوخت اصلیشان یاد می‌کنند و مدد می‌گیرند تا حرف را بترسانند و از میدان بدر کنند. در این معرکه هر دو طرف بی‌هیچ حجب و کیندی شروع به‌بفتن دروغ و دروغ می‌کنند. آنکار که روزنامه برمدی می‌حافظه ووبره ویرده هستند. در حالی که هر کس

کوچکترین شناختی از خمینی داشته باشد، می‌فهمد «اتهامات وارده» به‌نامبرده اصلاً موضوعیتی ندارد. مثلا در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری آخر رژیم چند تا از آخوندهای طرفدار رفسنجانی شروع به‌تبلیغ برای او کردند. این کار به‌مزاج «ولی‌فقیه دوم» خوش نامد. از همین رو چماق‌داران و پیراهن ساهم‌خود را به مجالس آنها فرستاد تا زهرچشمی بگیرند. پیراهن‌سیاهیها مأموریت داشتند به‌آخوندهای حامی رفسنجانی یادآوری کنند که هرچه بوده‌اند و با هستند سر جایش خودی. اما فراموشی جناب «تیزدندان دوم» ذنب لا‌یغفری است که مرتکبان آن با امثال «سعید امامی»ها مواجه خواهند شد.

یکی از این جنابان آخوند پشم و پیله ریخته‌یی بود به‌نام «آیت‌الله توسلی» که سালেهای متداری افتخار «آفتاب‌داری» شخص امام را در بیت ایشان داشته‌اند. این جناب در یکی از مجالس حمایت از رفسنجانی گفته بود: «امام برای سلامتی او بعد از تور سه گوسفند نذر کرد.» و همین کافی بود تا در همان مسجد جامع نارمک مورد تهاجم قرار گیرد. با ایشان آن کردند که در قم با «آیت‌الله جوادی آملی». توسلی بعد از این جریان در ۷ مرداد ۸۴ در گفتگویی با ایسنا (خبرگزاری رژیم) حرفهایی دربارهٔ خلق و نشانی «تیزدندان اول» گفت که آدم بهتر است فقط قرقری کند. به‌قضاوتی اصلاً نیاز نیست. مثلاً ایشان معتقدند که یکی از فرزه‌های تاریخی مبارزات امام راحل « مبارزه با متحجرین و مقدس‌نماها» بوده‌است. «بطوری که»: «امام از طایفه متحجرین و مقدس‌نما نبود» زجر کشیده و گفته‌اند: «باید بدانیم این انقلاب یک شبه به‌ثمر نرسید. امام (ره) از همان ابتدا با دو دسته به‌مبارزه برخاست، یک‌جبهه مبارزه با‌اشباه بود و جبهه دیگر مبارزه با متحجرین و مقدس‌نماها و افرادی که برحسب ظاهر اظهار تقدس می‌کردند تا خود را مشرع خودخوانده» و در ادامه متذکر شده‌اند: «اولین کسی که در طول تاریخ شیعه در مقابل شاه ایستاد، امام (ره) بود. امام یک فرد استثنایی در عالم تشیع و عرفان و فلسفه و فقه بود». در جای دیگر این گفتگو «تیزدندان آفتاب‌دار» گفته‌است: «عبادت و معنوت امام از همان ابتدای طلبگی برای همه زیانزد بود اما هیچ وقت اهل ربا نبود.» و «گره‌های امام برای نیمه‌های شب بوده و برای عبرت ما بندگان بی‌خبر از ماهیت تیز دندان نمونه‌یی ذکر می‌کنند که بسیار نکادهنده است: «یادم هست محمد هاشمی، رئیس سابق سازمان صدا و سیما، خدمت امام آمد و گفت دستور دادیم مجریان برنامه‌های سیما ریش بگذارند. امام در پاسخ گفتند: محمدا! مردم را وادار به‌ریا نکن که از ریش بهره دینی ببرند.» از آن مهمتر نظرات و برخورد مردم در مورد فرزند است: «باید سلاله آزادی

و مبانی آن را در تفکرات امام (ره) جست‌وجو کنیم. بعد از انقلاب کدام مرجع تقلید جرأت می‌کرد کنار زنها بنشیند؟ امام این سد را شکست و این عظمت را به‌دژهای زد و گفت از دامن زن مرد به‌معراج می‌رود. در مورد «مردمسالاری» هم امام «سوم مجسم آزادی مردم آزادی» بوده‌اند. آخوند توسلی حرفی در این مورد می‌زند که بسیار ظریف است. ایشان فرموده‌اند: «امام هیچ‌گاه نمی‌خواست خودش را مطرح کند. مردم‌سالاری که امروز رئیس‌جمهور ما منظورش خاتمی است» عنوان می‌کند همان چیزی است که مورد نظر امام بوده؛ برنامه مردم‌سالاری را امام ارائه کرد و امام بود که فرمود مردم همه‌کاره هستند. امام خیلی برای مردم احترام قائل بود.

باید تصدیق کرد که این عبارت به‌بهترین وجه ماهیت مردم‌فریب و نمایشی اصلاحات‌مورد اعدای خاتمی را به‌نمایش می‌گذارد. زیرا که همه می‌دانند اتهامات مربوط به‌مردمسالاری «اصلاً به‌«امام راحل» نمی‌چسبد. چهره واقعی خمینی همان تیزدندان خونین چنگاکی است که آخوند ملاحشیت گفته است: «به‌سرعت دشمنان اسلام را نابود کنید.» این همه سبقت غریب قائل بود. این همه همین هم تا محبتی داشته‌گاه تهران به‌خطب اعتراضی در روزهای انقلاب، که نمی‌خواستند خیلی اعدام‌بکنند. فرمودند: اگر یک میلیون نفر هم باشند، یک‌کشه دستور می‌دم همه اینها را به‌ریگاز بندند. و قتل عام کنند» (روزنامهٔ حیات‌نو در روز ۱۷۹).

بنابراین اگر کسی بیاید از این قبیل شکرها بخورد که «امام خیلی برای مردم احترام قائل بوده و… هیچ کس به‌شناخت خودش از امام شک نمی‌کند. بلکه ماهیت تیزدندانهایی را بهتر می‌شناسد که مدعی اصلاح‌طلبی هستند و تا دهان باز می‌کنند «خمینی» از دهانشان نماند. از همین رو نتیجه بود عفونت تمام منطقه را می‌پوشانند. خاتمی یکی از همین تیز دندانها بود به‌سر آمد و زمام قدرت را به تیزدندان دیگری به‌نام احمدی‌نژاد سپرد.

پروژه مهرربان‌سازی تیزندان بزرگ نظام، در راستای القای این شبهه است که گویا نظام جمهوری اسلامی ظرفیت تغییر از درون را دارد. در حالی که مهربان نمایانند کسی که نامش به‌عنوان منفورترین رهبر معاصر در سطح جهانی به‌ثبت رسید گذشته از مضعف بود برای آخوندها. بی‌مخمسیتی بود. چرا که خمینی، از یک طرف خط سرخ همه‌شان، حتی مدعیان خیلی اصلاح‌طلبیشان، می‌باشد و هیچ کادامشان اصلاً نه می‌خواهند و نه می‌توانند به آن نزدیک شوند و از سوی دیگر با چهره ابرویاخته و منفوری مواجهند که بیشتر از هر ضدبشر سفاک و خونریزی شهره خاص و عام است. آن چنان بدنام که حتی سکوت در برابرش موجب رسوایی هر مدعی می‌شود. یک نمونه از این محمصه را مرور کنیم. همه ما، کم و بیش، از حکم ضدانسانی خمینی در مورد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ خبر داریم. این فتوای تاریخی پرده‌برداری تاریخی از چهره خونریز و قسی خمینی بود. ماهیت دد و هار تیز دندان بیش از هر وقت دیگر رو شد. و همگان معنای «همیب‌ترین نیروی ضد تاریخی» برآمده از عقب‌مانده‌ترین طبقات اجتماعی را به‌خوبی فهمیدند. خمینی بعد از این فتوا، همه ما را برای موضعگیری عملی در برابر خودش بی‌نیاز از تحلیل کرد. کافی است هر وقت گلیول «بحث‌مان کم شد یک بار دیگر فتوا را مرور کنیم.

دل‌آبینیم در توصیف حالات کسی که با آن همه شقاوت، چنان فتوایی صادر می‌کند چه گفته‌اند. آخوند عبدالله نوری، وزیر کشور خاتمی، در یکی از سخنرانیهایش گفته است: «یک پرنزی آن‌جا بود به‌نام فاطمه که خدمتکار اطاق بود. با ایشان آمد گفت حاج‌احمد آقا، آقا دارند گریه می‌کنند، گفتن آقا! گفت بله. کسی گریه آقا را ندیده بود، که اجازه نمی‌داد کسی گریه‌اش را ببیند، داخل جطوروی فاطمه فهمیده؛ می‌بلند شدم رفتم داخل اتاق دیدم آقا پشت به‌درو، رو به‌دیوار، نشسته و شانه‌هایش (از گریه) تکان می‌خورد، رفتم شروع کردم با فاطمه رورفتن که آیا قصدش در برابر گریه من، این‌که راه علاجی توی حال خودش است. وقتی نشد رفتم علی کوچولو که از خیلی دوست داشت، بیاورم. علی که آمد آقا صندلی را برگرداند، ولی باز هم گریه می‌کرد. . . . علی که کارش با اعدام می‌باشند» اما برگریند چون یکی از والده احترام قائل بود، احمد حاج‌خانم را آورد، امام گفت احمد این‌چه کارهایی است که می‌کنی؟ دلم درد می‌کند می‌خواهم گریه کنم، این‌که راه علاجی جز اشک ندارد، تو یا مادرت را می‌آوری یا علی را می‌آوری، دیگر بعداز اینها چه کسی را می‌خواهی بیآوری؟ برو سراغ کارت رهایم کن به‌حال خودم» (نقل از مجاهد ۲۸۰ تاریخ: ۱۱/۱۲/۶۷).

و گفتگفا که درست در یکی از ساعات همین روزهاست که همین موجود ذلیل و زیان و درمانده و به‌تعبیر خودشان سیلی‌خورده) فتوای تاریخی خود را می‌دهد. «کسانی که در زندانهای سراسر کشور برسر موضع نفاق خود پاشتاری کرده و می‌کنند، محارب محبتی هستند. می‌توانند با ارحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، فاطمیت اسلام دربرابر دشمنان خدا از اصول تیزدندانپر نظام اسلامی است.» و بالاخره «به‌سرعت دشمنان اسلام را نابود کنید.»

این همه سبقت غریب قائل بود. این همه همین هم تا محبتی داشته‌گاه تهران به‌خطب اعتراضی در روزهای انقلاب، که نمی‌خواستند خیلی اعدام‌بکنند. فرمودند: اگر یک میلیون نفر هم باشند، یک‌کشه دستور می‌دم همه اینها را به‌ریگاز بندند. و قتل عام کنند» (روزنامهٔ حیات‌نو در روز ۱۷۹).

مهرربانیهای پنهان یک‌تیز دندان

کتیم که حتی خود ما نیز که دست‌اندرکار قضایا بودیم، ابعاد فاجعه را تا این حد تصور نمی‌کردیم. تا این که یواش یواش برخی از باقیمانده کان آن نسل کشی تاریخی توانستند جان سالم به در ببرد و در خارج کشور گوشه‌هایی از آن را بازگفتند. بعد هم جانشین وقت تیزدندان در خاطرات خود نامه و اسناد مربوطه را افشا کرد.

بعد از آن، همه بدیدند که گذشت ایام چه بر سر تیزدندان آورده بود. ددی که سبک دست می‌خورد تا خشت آخر در تهران خواهد جنگید و رویاهای امپراطوری و سفر «از کربلا تا قدس» را در سر می‌پروانند، ابری بود سترون و همه «عدو برقی‌هایش برای به‌نابودی کشاندن پیش از یک میلیون ایرانی بود که طی اسال کشته و زخمی و از کار افتاده شدند.

وصیفات عبدالله نوری زنجورهای وقت‌انگیز و یکی از درنده‌های او است از «بازیز پلدر سالاری» رو به‌افول.

اما تیزدندانی هم‌چون خمینی با دیگر دیکتاتورهای درهم‌کشkte تفاوتی دارد. همین موجود ذلیل و گریبان وقتی پای مجاهدین بمیان می‌آید، درنده بی‌رحمی است که نه زن می‌شناسد و نه مرد و نه جوان و پیر. دیوی آن چنان کربه که اولین وظیفه هر مدافعش بزرگ کردن چهره آن تیزدندان است. حتی در سال ۷۹ (یعنی بعد از گذشت حدود ۱۲سال از فتوا) وقتی تیز دندان دوم(خانم‌های) از دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌خواهد دربارهٔ آن صحبت کند با مظلوم‌نمایی می‌گوید: «امام راتمهم می‌کنند. به‌قضاوت. در واقع یک عده آدم با غافل یا بی‌سفته یا بی‌اطلاع از نقشه دشمن همینها را مجدداً تکرار می‌کنند. اینها واقعاً ظلم است، البته حساب مجاهدین همیشه با حساب بقیه فرق داشته است! و تیز دندان دوم برای رفع ابهام و جلوگیری از هر گونه سوء تفاهم احتمالی بلافاصله اضافه کرده است: «حکم قتل نسبت بقیه یک‌کشه عده محارب، یک عده آدمکش چنانکزار اجرا شد.» اما جنایت به‌قدری هول‌انگیز است که خود تیز دندان دوم هم می‌داند تلاش بی‌فایده‌یی می‌کند. بنابراین پای دیکران را به‌میان می‌کشد و تقصیر را به‌گردن آنها می‌اندازد که: «حالا امام هم که نکرده بود این را بالاخره دست‌نگاهای مسئول آن وقت انجام دادند (نقل از مجاهد ۵۲۳، ۱۱شفت ۶۶)، اما بعد از مدانهز کافی روشن هست؟ اگر ابهامی دارید پاسداری در سایت پاسدار محسن رضایی مسأله را به‌صورت کامل‌ا روشتری نوشته است: «اصلاً خمینی خود امام زمان بود. ظهور کرد و کارها را پیش برد.» اما بعد از دست این دورویروها چنان شاک می‌شد که گفت می‌روم و هر سال دیدار دیگر برمی‌گردم!» (سایت بازتاب در ۱۶مرداد ۱۳۸۷).

در ۸ مرداد۱۳۶۴ خمینی با اعضای «شورای عالی قضایی»اش، دیداری داشت. در همان دیدار به‌تأها یادآوری کرد: «اصلاً قصه، یک‌ساله بسیار مهمی است که اگر انسان درش قصور بکند، تقصیر بکند. ضرر وارد می‌شود… یک کسی را که مستحق مثلاً ۷۰شلاق است، ۶۰ تا بزند، این هم تقصیر است که در حکم صادر شده است. خیال نکنند که این یک موضوع جزئی است. بلکه این امری است که معصیت خداست. اجرای حدود به‌آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، باید باشد.»

حالا، یعنی سیست ساده از این رهنمود بی‌نیاز از هر گونه تفسیر و تعبیر، پاسدار محسن رضایی در راستای تصفیه حسابهای درونی با جناح مقابل به‌یک نمونه از مهرربانیهای پنهان تیزدندان بزرگ پرداخته است.

سایت بازتاب در ۲۳مرداد۸۴، در مطلبی با عنوان «اوکشت مشافوت امام» یک گفتگوی «اندیشه» کرده است. «بازخوانی یک واقعه تاریخی» نوشته

خبر مربوط است به‌تورر ناچوناردنهٔ یکی از فرهنگیان خوشنام و معروف کرمان به‌نام «علی فدایی» در سال۹۵. کسانی که در آن ایام اخبار را پیگیری می‌کردند، می‌دانند که این قتل سر و صدای زیادی به‌پا کرد. چرا که شهید فدایی فرهنگ‌شنخته است و متفرقی کرمان به‌هیچ سازمان و گروهی تعلق نداشت.

شماره ۷۹۶ دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵



شماره ۷۹۶ دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵

مردی بود آزاده و خوشنام و محبوب بسیاری از کرمانیان. بعد یک دفعه خبر رسید که آخوند مرتضی فهمیم گرمانی دستور ترور او را صادر کرده است. ترور توسط عوامل شناخته شده بانند فهمیم (عباس زنگی آبادی و محمد مهدی کازرونی، اعضا سپاه و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) با نام «گروه توحیدی فتح» انجام شد. خبر بازتاب بسیار گستردهٔ اجتماعی داشت و به‌زودی به‌مطبوعات راه یافت. نشریه مجاهد در شماره ۱۱۵ خود گزارش مشروح و مستندی با ذکر ریز جریانات چاپ کرد. البته صدای هیچ یک از اعتراضها به‌جایی نرسید. و نه تنها خون مظلوم پایمال شد که قاتلان هر یک رتبه و مقام گرفتند. یا مثل خود فهمیم سر از مجلس خبرگران رژیم در آوردند و یا مثل بانند از تجاعی و ترورستی «مجاهدین انقلاب اسلامی» که آن موقعها نور چشمی او و جانشنر را «یابده» کرده‌اند، به‌صراحت علت تلاش برای مهرربان‌سازیهای تیزندان را نوشته است: «چندی پیش، یکی از مقامات مسئول در باره علت عدم افشای مسئولانی که به‌جرم مقاصد اقتصادی، حکم محکومیت قطعی درباره‌شان صادر شده، گفته بود که به‌خاطر حفظ مصالح نظام، این کار صورت نمی‌گیرد.

یکی از این گونه شیدایزبانها را آخوند خاتمی مرتکب شده است. در سفری به‌مشهد در گفتگویی با ایسنا (اول شهریور ۸۴) مابالی می‌هم به «مردمسالاری دینی» پرداخته و در عین حال که تعریف مضحکی از آن ارائه می‌دهد تکلیف بقیه را هم روشن می‌کند که هنوز «اول معطل» هستند: «مردمسالاری دینی، برداشتی است که از قانون اساسی، رفتار امام (ره) و از مجموعه جمهوری اسلامی می‌شود؛ بعد هم نمونه‌یی از این «رفتار» را در قالب خاطره‌یی فراموش ناشدنی بیان می‌کنند که باید نه یک بار و دو بار که صد‌ها بار خوانند و عبرت گرفت.» (در پاریس بعضی از همین تیزدندان به‌خاطر برخوردی که بین او و فدایی در اروپا حضور داشتند، خدمت امام (ره) آمدند از اصرار کردند که ما حاضریم با شما به‌عنوان خلیفه مسلمانان بیعت کنیم و جمهوری اسلامی را بدعت می‌دانستند، امام(ره) با تندی گفتند: «من جز جمهوری اسلامی چیزی را قبول ندارم و حاضر نیستم با هیچ کس به‌عنوان خلیفه مسلمین بیعت کنم.» ملاحظه می‌فرمایید که چه

امام ضد«طالبان‌ای» داشتیم و قدرش را نشناختیم؟ و اگر باز هم احساس می‌کنید مطلب به‌قدر کافی روشن نیست، به‌قسمت دیگری از همین گزارش است توجه کنید که نوشتن: «حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی با تأکید بر این که پرداختن به‌جرایان واپسگردا برسر و تأملات فراوان نیاز دارد؛ خاطر نشان کرد: حضرت امام(ره) نیز در سালেهای پایانی عمر شریفشان از آن ناحیه احساس نگرانی می‌کردند.

راستی شما در «تعریف» کسی که هنوز از خمینی به‌عنوان «مظلوم بزرگ تاریخ انقلاب» (نامه‌یی برای فردا- محمد خاتمی اردیبهشت ۱۳۸۳) یاد می‌کند چه می‌گویید؟ من بهترین صفت را «فرزند خلف» می‌دانم. کسانی که تقصیر می‌دانند این حرف یعنی چه! بنابراین فریب تخم و ترکه تیزدندان را نخوریم. در صورت به‌خاطر پیوریم که زرف تمام مصائب ما در جزئومه پلیدی است به‌نام «خمینی». بقیه از خاتمی گرفته تا رفسنجانی و خاتمی و احمدی‌نژاد و حتی آدم‌خوارانی مانند لاجوردی ریزه‌خواران سفره و آدام هستند. فراموش نکنید که هم او بود که گفت: «آدم گاهی درست نمی‌شود مگر این که بپرند و داغ کنند تا درست شود» (اخینمی _رادویزیم ۱۴بهمن۱۳۶۶).

و به‌یاد داشته باشیم که در همان ایام وقتی خانه یک هوادار مجاهدین، در زیر تهاجم چماقداران قرار گرفت، قاضی به، در زیر شاکتنامه آن هوادار نوشت: «مناقضین به‌فتاوی حضرت امام خمینی هیچ گونه حرمت مالی و جتانی ندارند.» و به‌خاطر داشته باشیم که اگر از امام یک انسان «زرف‌نگر و سنجشگرای نابخر» در قیل و بعد از انقلاب نمونه می‌خواستید ایشان بدون درنگ اسلحه لاجوردی را نام می‌بردند (گفتگو منظور شیخ مرتضی فهمیم است. و الا فدایی که مقول بود، در ساله‌های محاکمه و حکم خارج از روال قانونی خودباشند.

دروغ، اندر دروغ، اندر دروغ… به‌راستی که اگر دروغ خنق بود آخوندهای روزی چند راه خفه می‌شدند؟

از این جای مطلب سیرال پاک کردن دست خونین جلاد آغاز می‌شود. آن‌ها هم با وقاحتی که فقط از پهلوان پنبه‌های سیلی خورده و عقده‌یی برمی‌آید. لذا می‌نویسد: (امام‌ره) به‌فهمیم گرمانی پیام فرستادند که به‌سه شرط می‌تواند رهای خود را بپذاید: نخست آن که در صورت سیاسی و قضایی مذاخلهٔ نیکه، دوم این که از تصدی‌گیری امور حوزه‌های علمی کرمان کناره‌گیری کند و مهمتر از همه، رضایت خانواده مقول را بدست آورد. فدایی (اشتباه از نویسنده است منظور شیخ مرتضی فهمیم است. و الا فدایی که مقول بود، در ساله‌های محاکمه و حکم خارج از روال قانونی خودباشند.

از دولتی ایران که روزی یک‌سالت گذشته نیز زندانی شده بدیهی‌ترین حقوق انسانی را نقض کرده است و دروغ‌پنداری می‌کند و خواهان فشار بین‌المللی بر دولت ایران برای لغو احکام اعدام در ایران و آزادی همه زندانیان سیاسی می‌باشد.

طبق گزارش منابع مستقل خبری حکم اعدام ولی‌الله فیض مهدوی زندانی سیاسی ۲۸ساله به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران به خود وی ابلاغ گشته و اجرای حکم اعدام او برای شادزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ برنامهریزی شده است. در هیچ‌دهم بهمن ماه سال گذشته نیز زندانی سیاسی دیگری بنام حجت زمانی ۳۱ساله در زندان گورهدشت کرج (رجایی‌شهر) در اختیار خبرگزاریها قرار داده‌اند، این زندانیان از ماهها قبل تهدید شده بودند که درصورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت یک به یک اعدام خواهند شد. برخی زندانیان سیاسی دیگر در معرض خطر اعدام عبارتند از: سعید ماسوری، غلامحسین کلبگی، خالد هردانی، فرهنگ پورمنصور، شهرام پورمنصور و علی‌رضا کریمی خیرآبادی.

کانون ویلاکتونیوسان ایران طبق منشور و اساسنامه خود حق آزادی بیان را برای همه اساتپها به رسمیت می‌شناسد و لذا هر گونه مجازات، به ویژه مجازات

وبلاگ، پنجره‌یی بر روی آزادی بیان و تحریر

ت‌ریکه توارتی شده است و تهدید استرداد آن به ایران از طرف مقامات ترکیه توسط ویلاکتونیسان مطرح شده است و یا چندی پیش دانشجوی ویلاکتونیس کانون، مجمع، انجمن، تجارب خود را در زمینه‌های فیلتر و پراکسی و راهنمایی و راهکارهای برای ایجاد ویلاکت و چگونگی انتشار و ایمنی کردن و ایجاد ویلاکت و به‌طور ناشناس و روشهای دور زدن و ابزار و شیوه‌های سانسور را به شکل ساده به کاربران اینترنت توضیح و تشریح کردند سانهایی اینترنتی هزینه کرده‌است و با تحت فشار قرار دادن شرکتهای خدماتی و سرویس‌دهنده اینترنتی ایرانی قسمتی از سانسور و فیلترینگ را بر دوش این شرکتهای قرار داده است و جدیداً بر اساس کلید واژه‌ها که حاوی کلمات ممنوعه است و از طریق پایگاههای جستجو، روش فیلتر اعمال می‌کند و این امر مغایر با مفاهیم جهانی آزادی بیان است که در منشور اتحادیه بین‌المللی ارتباطات ذکر شده‌است که این اتحادیه به درخواست سازمان ملل متحد تشکیل شده و به امضای ۱۷۵ کشور جهان رسیده و حاوی اصول جهانی و دموکراتیکه برشبه‌کلی‌الترنت است. همیشه مستبدان در تلاش و کوشش هستند تا مردم در بی‌خبری بمانند و جامعه را به انفعال بکشانند ولی همواره نیروهای روشنفکر و مسئولان دولتی که در سدهای خفقتان با شنبامه و با استنبیل خانگی اعلامیه منتشر می‌کردند و با مختمل شدن خطرات بسیار از دست سانسور می‌گذشتند و به افشاگری و روشنگری می‌پرداختند، امروزه می‌بینیم با

۳۰ساله دارند و جوانان علاقه بیشتری برای یادگیری و استفاده از تکنولوژی دارند. زبان فارسی از نظر تعداد افرادی که به آن تکلم می‌کنند، در رده بیست و هشتم قرار دارد و سیمیی‌نژاد را با دستین بر دست چهارم را کسب نموده‌اند.

آزادی اندیشه و قلم که مسالمت‌آمیزترین شیوه مبارزه است، در ایران جزیرین زندان ارتکاب جرایم اینترنتی قلمداد می‌شود و شلاق و زندان دارد.
ولقی نهاد دفاع از حقوق مطبوعات جهان تصریح می‌کند که ایران بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در سطح خاورمیانه است، اصلاً مبالغه نمی‌کند. این مؤسسه بین‌المللی مطبوعات در گزارش خود تأکید می‌کند که رژیم ایران هم‌چنان به روش سرکوب روزنامه‌نگاران و ویلاکتونیسان و سانسور مطبوعات و اینترنت در ایران ادامه می‌دهد و دستگیری متناوب فعالان و حبسهای بلندمدت به کرات از سوی آخوندها اعمال می‌شود. بر اساس این گزارش طی نزدیک به یک سال گذشته ۲۰ویلاکتونیس در ایران دستگیر شده‌اند.

آرش سیکارچی، افشین زاهاجی، مجتبی لطفی، مجتبی سیمیی‌نژاد، امیر افروز، محمدرضانجبی سعیداللهی، مسعودباستانی، حسن زارزاد،دهه، مسیح علی‌نژاد، یوسف عزیزی، سینا مطلبی، نجمه امیرپور، احمد سراجی، شماری از این دستگیرشدگان هستند و بعضی از آنان با پرداخت وثیقه سنگین هم اکنون بیرون آمده‌اند و کسانی مثل سعید سراجی پس از مددهای کمی به یک سال زندان و ۳۰ ضربه شلاق به

می‌نگرد، چون گاهی اوقات بسیاری از

معایب آدمی از چشم خود پوشیده می‌ماند و ارزیابی آن مشکل است. تأثیر این وسیله ارتباطی را در تجمع زنان آزاده ایرانی در مقابل دانشگاه تهران به خاطر اعتراض به حقوق پایمال شده زنان توسط حکومت آن‌دنها و در روز هشت مارس روز جهانی زن به وضوح می‌توان مشاهده کرد. گروه کثیری از این زنان از پشت مایتیورها به خیابان آمده بودند و در پستهای ویلاکتشان جزئیات ریز، و تصویر واقعی این اعتراضات و حرکته‌ها را گزارش و تجریریات خود را به دیگران منتقل کردند و نمونه‌ها دیگر ابتکار ویلاگرهای ایرانی «مباران اینترنتی» و اعتراضهای بین‌المللی در رابطه با تحریف نام خلیج فارس توسط نشریه نشنال‌جنرگرافیک بود که نشریه مذکور با وادار به عنذرخواهی کردند. این نمونه‌ها در عصر اطلاعات نشانگر توانایی این ابزار اطلاع‌رسانی است و گاهی حتی تعیین‌کننده‌است.

درصد بسیاری از کاربران اینترنت ایرانیان هستند. روزنامه تایمز لندن در شماره ۲۲ دسامبر ۲۰۰۵ از علت روی آوردن ایرانیان به ویلاکت تحلیلی ارائه داده

است و در آن یادآوری می‌کند که پیش از صدهزار ویلاکت فارسی فعال در ایران وجود دارد. این روزنامه معتقد است علت این پدیده فشار، محدودیت و نبودن مطبوعات آزاد در ایران است. و بیشتر جوانان و دانشجویان به این رسانه جدید می‌آیند و بسیاری برای نشر افکار رومی می‌آورند. ۷۰درصد جمعیت ایران کمتر از

^[1] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

^[2] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

^[3] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

^[4] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

^[5] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

^[6] کانون ویلاکتونیوسان ایران (پن‌لاگ)

تصادف دو قطار در اندونزی ۱۳گشته بر جای گذاشت

در اندونزی بخش عمده‌یی از جابه‌جایی مسافر با قطار صورت می‌گیرد



امدادگران برای جمع‌آوری قربانیان تصادف قطار در نزدیکی ایستگاه گوبوک درزندیکی شهر پوروودادی در مرکز شبه‌جزیرهٔ جاوا در اندونزی در روز شنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) آماده می‌شوند. به‌گفتهٔ وزیر ترابری اندونزی، گزارشات اولیه حاکی از این است که رانندهٔ قطاری که در حرکت بود، متوجه فرمان ایست نشده بود. به‌طور متوسط، دهها نفر سالانه در حوادث مشابه در اندونزی کشته می‌شوند.

۴۱ نفر در درگیریهای افغانستان کشته شدند

۶ پلیس کشته و ۹ پلیس در این درگیریها زخمی شدند

به‌گزارش خبرگزاری رویتر ۲۷ فروردین، به‌نقل از پلیس قندهار، در نبرد بزرگی در جنوب افغانستان در منطقه‌یی که یکی از رهبران طالبان زندگی می‌کرد، ۴۱ مظنون طالبان و شش پلیس کشته شدند. در این نبرد که در جنوب غربی شهر قندهار رخ داد و تقریباً سراسر روز جامعه ادامه داشت، هلیکوپترهایی از

اعتصاب سراسری کارگران شهرداری یونان

این اعتصاب ده روز است که شروع شده است و کارگران اعتصابی در خواست دولت را برای گفتگو رد کرده‌اند

کارگران شهرداری خواستار حقوق بیشتر و شرایط بهتر کاری هستند. آنها درخواست دولت برای ورود به‌مذاکرات را رد کرده‌اند. کارگران اعتصابی گفتند بدون تعیین هرگونه محدودهٔ زمانی به‌اعتصاب خود ادامه خواهند داد و هشدار دادند که این مسأله فضای نامساعدی را در ایام تعطیلات عید پاک در هفتهٔ آینده، به‌وجود خواهد آورد.

اهود اولمرت رسماً جانشین آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل شد

به‌گزارش خبرگزاری رویتر ۲۶ فروردین، اهود اولمرت رسماً جانشین آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل شد. ساعت ۱۲نیمه شب جمعه به‌وقت محلی، اهود اولمرت کفیل نخست‌وزیری اسرائیل، رسماً به‌عنوان نخست‌وزیر اسرائیل اعلام شد.

محمود عباس اوضاع اقتصادی در مناطق فلسطینی را انفجار آمیز توصیف کرد

نیروهای پلیس فلسطینی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود پارلمان را به‌مدت کوتاهی اشغال کردند

در پی ناتوانی دولت فلسطینی به‌رهبری حماس از پرداخت حقوق بیش از ۱۴هزار کارمند خود، محمود عباس رهبر فلسطین، اوضاع اقتصادی در مناطق فلسطینی را انفجارآمیز توصیف کرد. این در حالی است که عمرو موسی دبیرکل اتحادیهٔ عرب، خواستار کمک مستقیم مردم کشورهای عربی به‌دولت فلسطینی شده‌است.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۶ فروردین، ۵۰ تن از نیروهای امنیتی فلسطین ساختمان پارلمان فلسطین را در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، به اشغال در آوردند.

به گفتهٔ منابع فلسطینی، مردان مسلح وابسته به جنبش فتح تحت رهبری محمود عباس موفق شدند که بدون شلیک وارد ساختمان پارلمان در خان یونس شده و دولت آن‌را به اشغال خود در آورند. آنان کمی بعد ساختمان

ادامهٔ مذاکرات بین دولت سریلانکا و شورشیان تامیل در پرده‌یی از ابهام قرار گرفت

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۷ فروردین (۱۶ آوریل)، شورشیان برهاری تامیل شرکت خود در مذاکراتی که قرار بود برای حفظ آتش‌بس شکنندهٔ آنان با دولت سریلانکا در ژنو انجام شود را معلق کردند.

برهاری تامیل در نامه‌یی به دولت نروژ که میانجی مذاکرات است، اعلام کردند که تا زمانی که دولت کلمبو محدودیت جابجایی کادرهای آنان را لغو نکند، در مذاکرات شرکت نخواهند کرد. این مذاکرات قرار بود هفتهٔ آینده تشکیل شود.

فرماندهان سازمان برهاری آزادپیشخ تامیل برای

انفجار دو بمب در بزرگترین مسجد هند

انفجار دو بمب در مسجد اصلی دهلی نو در روز جمعه ۲۵ فروردین، کمی قبل از این که نمازگزاران برای نماز مغرب گردآیند، ساختمان مسجد تاریخی مربوط به ۳قرن پیش را لرزاند. در این انفجارها در بزرگترین مسجد هند، دست کم ۱۳ نفر مجروح شدند.

انفجار در مسجد دهلی نو در همان روزی روی داد که یک رشته حملات با نارنجک توسط شورشیان جدایی‌طلب در شهر سری‌نگار در شمال هند، باعث مرگ ۵ تن و زخمی شدن ۳۰ تن دیگر شد.

پلیس گفت بمبهای کارگذاشته شده در مسجد، به‌عهده نگرفته است.

مسلمانان هندی به صحنهٔ انفجار در مسجد جامع دهلی نو در روز ۲۵ فروردین، می‌نگرند. پلیس در محل در حال نگهبانی است.

نمازگزاران خشمگین را که علیه دولت محلی شعار می‌دادند، نشان داد.

مقامات و رهبران مسلمانان، خواهان حفظ آرامش شدند.

فرانسه، عقب نشینی دولت و ادامهٔ اعتراضات

پاریس، – دانشجویان فرانسوی و اتحادیه‌های کارگری، روز شنبه۲۲ فروردین (۱۱ آوریل) یک تظاهرات پیروزی برای اعلام بطلان قانون کار مورد تنفر جوانان برپا کردند. اما سیاستمداران و تحلیلگران روی این که این قانون مرده است یا نه، اتفاق نظر ندارند.

مخالفان قانون «اولین قرارداد کار» اعلام کردند که خط دفاعی خود را تا جایگزین شدن مقررات جدیدی برای کارگران جوان، به‌جای قانون «استخدام ساده»اتخراج ساده حفظ خواهند کرد.

درنشانه‌یی از این که هنوز ناآرامیها به‌پایان نرسیده، حدود ۱۰۰ تن از دانشجویان، روز سه‌شنبه، ورود و خروج به دو گاراژ اتوبوس در شهر تولوز را به‌مدت ۴ ساعت مسدود کردند.

آن ملون، رهبر محلی یونف، اتحادیه دانشجویان، به رویتر گفت که لغو تظاهرات بعد از ظهر روز سه‌شنبه، آزمایشی از احساسات جوانان از زمان کوتاه آمدن دولت بود. او حدود ۶۰۰ تن از جوانان، کسب سه‌شنبه در شهر جنوبی مارسِی، برای از بین بردن کامل قانون کار جدید، تظاهرات کردند.

رئیس سراسری «یونف» اتحادیهٔ دانشجویان فرانسه گفت: ما برای حفظ فشار حتی با بستن دانشگاهها، تا زمانی که مجلس به پس گرفتن قانون کار جدید رای دهد، فراخوان می‌دهیم.

تعليق اعلام نتیجهٔ انتخابات ایتالیا در دورهٔ تعطیلات عید پاک

رم (خبرگزاری فرانسه) – درحالی که به چالش کشیدن نتیجهٔ انتخابات ایتالیا توسط سیلویو برلوسکونی،نخست‌وزیر فعلی، توان خود را از دست می‌دهد، این کشور منتظر تأیید نهایی برد ضعیف رومانو پرودی، رهبر چپ میانه است.

پرودی روز شنبه درخواست برلوسکونی برای تشکیل یک دولت کورناهدت مبتنی بر تقسیم قدرت را که در نامه‌یی به روزنامهٔ کوریِره دلاسرنا مطرح کرده بود، رد کرد.

در عوض رهبر ۶۶ سالهٔ چپ میانه، خواستار معذرت‌خواهی از جانب نخست‌وزیر محافظه‌کار شد.

پرودی گفت: پس از آن‌چه که وی (برلوسکونی) در مورد تقلب انتخاباتی گفته است، باید طلب بخشش کند.

او اواخر روز جمعه گفته بود که زمان آن رسیده است که ما این کمدی عجیب را به پایان برده و پیش برویم.

برلوسکونی پیشنهاد کرده بود که اختلافهای رقیب، ائتلافی موقتی برای «بازنگری به زمانبندی فوری نهادی، اقتصادی و بین‌المللی کشور» تشکیل دهند.

روز جمعه زمانی که مشخص شد که میزان آرای مورد اختلاف، کمتر از آن است که نتیجهٔ انتخابات را که با اکثریت ناچیزی به‌نفع ائتلاف چپ

شمارهٔ ۷۹۶ – دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۵



صدها دانشجو و کارگر در خیابانهای شهر تولوز در جنوب غربی فرانسه، علیه قانون کار موسوم به *CNE* تظاهرات می‌کنند. دانشجویان فرانسه روز جدیدی برای اعتراض اعلام کردند و متعهد شدند که دولت را برای کوتاه آمدنهای بیشتر پس از کنار گذاشتن این قانون مورد اعتراض، تحت فشار قرار دهند.

می‌آیند، کارگران را به سهولت استخدام و اخراج کند. اما تنها برای مؤسسات کوچک کاربرد دارد.

در نقطهٔ مقابل احساس پیروزی در میان تظاهرکنندگان، رئیس مدف، اتحادیهٔ صاحبان صنایع فرانسه، گفت که رد CPE اطمینان اقتصادی را به لرزه در آورده است.

لورنس پارسو، رئیس مدف، دوولپن را به‌خاطر شجاعت وی در ربط دادن عدم اعتطاف بازار کار با میزان بیکاری ستود و گفت که اتحادیه‌ها اشتباه می‌کنند که این‌را پیروزی می‌بینند. پس از پیروزیهایی مانند این، همهٔ مابازنده خواهیم بود.



نداره، با ن بست مواجه است.

برلوسکونی که روز جمعه با خبرنگاران سخن می‌گفت، اظهار نظر کرد که: منطق حکم می‌کند که ما یک لحظه بر اساس منافع همه بیندیشیم.

اگر این یک لحظه وجود ندارد، ما در پارلمان به‌عنوان اپوزیسیونی که قطعاً سخت‌سر خواهد بود، حضور خواهیم یافت.

این نزدیکترین اظهار نظر برلوسکونی به قبول شکست است و پیشنهاد می‌دهد او به پرودی برای تقسیم قدرت، ظاهراً آخرین تلاش ممکن می‌باشد.

پیشنهاد تقسیم قدرت، پس از این مطرح شد که وزارت کشور اعلام کرد که در تخمین تعداد آرای مورد اختلاف دچار اشتباه شده و رقم ۵۲۶۶ را به‌جای ۸۲۸۵۰ که در ابتدا گفته بود، اعلام کرد. در نتیجه آخرین امیدهای نخست‌وزیر به پیروزی در انتخابات، به یأس گرایید.



یک تظاهرکنندهٔ هوادار احزاب مخالف شعار *«زننده باد دموکراسی»* را در تظاهراتی که در روز یکشنبه ۲۷ فروردین بالا می‌برد. پلیس نپال به‌سمت تظاهرکنندگان در حومهٔ کاتماندو، گلوله‌های لاستیکی شلیک کرده و حداقل ۶ نفر را زخمی کرد.

دولت سلطنتی قصد داشتند که در مرکز پایتخت جمع شده و بزرگترین تظاهرات هفته را برگزار کنند. اما حضور سنگین پلیس و ارتش در خیابانهای پایتخت و دستگیری ۲۰ معترض، مانع این برنامه شد. ساکنان سراسر کاتماندو، به خیابانها آمدند تا دنبال کار، خرید یا گردش برند. گویال شرستا به دکه کنار خیابان خودش که در آنجا عینکهای آفتابی می‌فروخت، برگشت و از این که می‌توانست به سر کار برگردد خوشحال بود. او گفت: مردم در داخل خانه‌هایشان نیاز به عینک آفتابی ندارند.

به نقل از رادیو آلمان ۲۳ فروردین

در سال ۱۹۸۰ مردم سوئد با شرکت در یک همه‌پرسی رأی به تعطیلی کلیهٔ نیروگاه‌های برقی هسته‌یی خود دادند. این امر می‌بایست تا سال ۲۰۱۵ تحقق یابد. اما بی‌نیازی از انرژیهای فسیلی، بدون استفاده از انرژی هسته‌یی عملی نیست. به همین دلیل، تاکنون، تنها دو رآکتور اتمی تعطیل و بر ظرفیت رآکتورهای دیگر افزوده شده است.

در آلمان، بحران انرژی، سبب رویکرد مردم به استفاده از یک تکنولوژی جدید شده است که استفاده از گرمای زمین را، در مصارف خانگی ممکن می‌سازد. پیش بینی می‌شود که در سال جاری ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار واحد ساختمانی جدید به بهره‌برداری از این نوع انرژی روی آورند. نه تنها کسانی که دست اندرکاری هم اکنون ۳ هزار اتومبیل الکل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است. سوئدنیها، در واقع پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی، برای کاهش نیازهای نفتی خود برنامه ریزی کردند و در این زمینه تا امروز بسیار موفق بوده‌اند. در این کشور، مصرف گازوئیل برای گرم کردن ساختمان‌ها، نسبت به سال ۱۹۷۳ هفتاد و پنج درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، صنایع کشتو و کشتی‌ها به‌مدت مصرف نفت خود را از سال ۱۹۹۴ تاکنون ثابت نگه دارند. در حالی که ظرف همین مدت ۷۰درصد بر حجم تولید خود افزوده‌اند.

است. مهم‌ترین نمونه، سوئد است که بر اساس یک برنامهٔ تازه می خواهد تا سال ۲۰۲۰ خود را به طور کلی از نفت بی‌نیاز کند. یوران پرسون، نخست وزیر سوئد، این هفته، شخصاً ریاست کمیسیونی را به عهده گرفت که برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی می‌کند. سهم نفت، در تأمین انرژی سوئد، هم اکنون نیز، از بیشتر کشورهای صنعتی جهان کمتر است. در زمینهٔ تولید اتومبیلهایی با سوخت غیر فسیلی نیز، سوئدبها سر آمد رقای غربی خود هستند. آنها از مدتها پیش ساخت اتومبیلهایی را آغاز کرده‌اند که می‌توانند هم با بنزین و هم با ترکیبی از ۸۵درصد اتانول و ۱۵ درصد بنزین به‌حرکت در آیند. گروه خودروسازی فورد، در این امر پیشتقدم بود. اما اکنون ولوو و اسان نیز به این جنبش پیوسته‌اند. بر اساس آمار رسمی، هم اکنون ۹۰ هزار اتومبیل الکل سوز در سوئد مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۵۰۰ پمپ اتانول در این کشور ایجاد شده است.

سوئدنیها، در واقع پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی، برای کاهش نیازهای نفتی خود برنامه ریزی کردند و در این زمینه تا امروز بسیار موفق بوده‌اند. در این کشور، مصرف گازوئیل برای گرم کردن ساختمان‌ها، نسبت به سال ۱۹۷۳ هفتاد و پنج درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، صنایع کشتو و کشتی‌ها به‌مدت مصرف نفت خود را از سال ۱۹۹۴ تاکنون ثابت نگه دارند. در حالی که ظرف همین مدت ۷۰درصد بر حجم تولید خود افزوده‌اند.

بهای نفت خام، بار دیگر سیر صعودی پیمود و به بالاترین سطح در سال جدید رسید. کارشناسان، اوج‌گیری تنش اتمی ایران، حملاتهای شورشیان نیجر به به خطوط لولهٔ نفت، و کاهش ذخائر استراتژیک آمریکا را دلایل عمدهٔ افزایش نرخ نفت تشخیص دادند.

براساس پیش بینی کارشناسان، روند افزایش بهای نفت خام، در دههٔ آینده ادامه خواهد یافت و نرخ انواع نفت تگزاس و برنت مرز ۷۰ دلار را نیز پشت سر خواهد نهاد. در این میان، عربستان سعودی اعلام کرد که برای کمک به تثبیت بهای نفت، تصمیم دارد ۴۱ میلیارد دلار در تاسیسات نفتی خود سرمایه گذاری کند. با این اقدام، مهم‌ترین عضو اوپک، خواهد توانست ظرفیت تولید خود را از ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه، به ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد.

نفتی فوری با رفتن بهای نفت، کاهش ارزش سهام بورس در غرب و افزایش نرخ فلزات قیمتی مثل طلا، نقره و هم چنین مس بود. نرخ هر اونس طلا، برای نخستین بار ظرف ۲۶ سال گذشته، ۶۰۰ دلار و نیم شد و بهای نقره نیز، در بورسهای جهانی رکورد ۲۳ سال گذشته را شکست.

نوسانات شدید نرخ نفت و گاز، اکنون کشورهای صنعتی جهان را وادار به تلاش بیشتر در راه استفاده از انرژیهای غیر فسیلی کرده

^[1] در سال ۱۹۸۰ مردم سوئد با شرکت در یک همه‌پرسی رأی به

خاطره پیشوایان رهایی خلق، شهیدان ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ گرامی باد

سروهای سرافراز فروردین

به یاد ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین

به مناسبت سی و چهارمین سال شهادت اولین دسته از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۵۱



بیژن جزینی

در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ ساواک اربامهری، به جنایت هولناکی دست زدند. در یک عمل شقاوت‌بار، خونهای پاک ۹ انقلابی اسیر را بر فراز تپه‌های اوین بر زمین ریختند. خلق قهرمان ایران خاطره جانبازی و قهرمانیهای ۹ شقایق سرخ تپه‌های اوین را هرگز فراموش نخواهد کرد و به حافظه تاریخی خویش خواهد سپرد.



کاظم ذوالانوار



مصطفی جوان خوشدل



ناصر صادق



علی میهندوست



محمد بازرگانی



علی باکری



محمد پویانزاده



حسن شبیا طریقی



عباس سورکی



مشعوف کلاتری



عزیز سرمدی



احمد جلیل افشار

کشدند. فردای آن‌شب، ساواک در رسانه‌های رژیم خبر داد که ۹ زندانی سیاسی که در حین انتقال به‌زندان دیگری بودند، در حال فرار کشته شدند. همه می‌دانستند که این خبر را ساواک برای پوشاندن ضعف و زبونی خود در قبال انقلابیون جعل کرده است. ساواک برای این جنایت از زندانیان از آماده بود و انتقال این زندانیان از چندین پایش انجام شده بود و به‌دو رخ از فرارشان سخن می‌گفت. درحالی‌که از آنها نمانده بود. روز بعد از این جنایت، خشم و سکوتی سنگین در زندانیهای سیاسی سایه افکنده بود. در آن روز انقلابیون اسیر در زندانها به یاد هم‌زمان شهیدشان، هنگام نمش صبحگاهی، در یک جهت صف کشیدند و حرکات نرمش را ۹ بار تکرار کردند و هر بار عدده را فریاد زدند و

این سنت را تا روز بازگشایی در زندانها در قیام ضدسلطنتی ادامه دادند. در میان این شهیدان چریکهای فدایی خلق، بیژن جزینی، پیش‌فراوان بود. او در شمار نخستین انقلابیونی بود که با درس گرفتن از تجارب خونبار مبارزات گذشته مردم ایران، به تشکیل گروهی با اعتقاد به استراتژی مبارزه مسلحانه همت گماشته بود. بیژن و یاران شهیدش در سال ۴۶ به اسارت ساواک درآمدند. این انقلابیون اسیر که در زندانهای شاه به گروه جزینی معروف شدند، هریک به زندانیهای طولانی محکوم شده بودند. جزینی و یارانش در دفاع از جنبش مسلحانه مرزبندیهای روشن و قاطعی داشتند هم‌چنان‌که برخی دژخیمان ساواک بعد از سقوط رژیم شاه اعتراف کردند، بر اساس توطئه از پیش طراحی‌شده‌ی مزدوران ساواک ۹ انقلابی اسیر را با چشمان بسته به سمت تپه‌های اوین بردند و بر فراز تپه‌های اوین آنها را روی زمین نشانده، سپس با مسلسلی که جلادان دست به‌دست می‌گرداندند، فرزندان دلیر مردم ایران را به خاک و خون

یکی از ننگین‌ترین جنایاتی که دیکتاتوری محمدرضاشاه به آن دست یازید، کشتار مظلومانه و وحشیانه ۹ تن از بهترین فرزندان مردم ایران در تپه‌های اوین بود. دیکتاتوری شاه که در آخرین سالهای حکومتش همواره در وحشت و اضطراب از اوجگیری و گسترش مبارزه مردم متأثر از مبارزه اقدام کثیف و شقاوت‌بار و با طراحی و اجرای ساواک شاه، در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ خون ۹ انقلابی اسیر را بر تپه‌های اوین بر زمین ریخت. این قهرمانان عبارت بودند از: فداییان شهید، بیژن جزینی، حسن ضابطرفی، عزیز سرمدی، سعید مشعوف کلاتری، عباس سورکی، محمد چوپان‌زاده، احمد جلیل‌افشار و دو مجاهد خلق؛ کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل.

بعد، روزنامه‌های شامگاهی تحت سلطه دیکتاتوری شاه، مطابق داستانی که ساواک از پیش طراحی کرده بود نوشتند: ۹ زندانی به‌هنگام فرار کشته شدند. دژخیمان ساواک در خبر دست‌ساز خود تلاش کرده بودند برای مردم چنین صحنه‌پردازی کنند که گویا قهرمانان در زنجیر قصد فرار از زندان اوین را داشته اما در تپه‌های آن هدف رگبار مأموران قرار گرفته و کشته شده‌اند. اما مردم نه تنها چنین پاره‌های مسخره را باور نکردند، بلکه انتشار خبر این جنایت سبباً تا اعماق جامعه و به‌خصوص افشار روشنفکر را تکان داد و کینه و نفرت عمومی هرچه بیشتر را علیه دیکتاتوری شاه و عمال جایتکارش برانگیخت.

هم‌چنان‌که برخی دژخیمان ساواک بعد از سقوط رژیم شاه اعتراف کردند، بر اساس توطئه از پیش طراحی‌شده‌ی مزدوران ساواک ۹ انقلابی اسیر را با چشمان بسته به سمت تپه‌های اوین بردند و بر فراز تپه‌های اوین آنها را روی زمین نشانده، سپس با مسلسلی که جلادان دست به‌دست می‌گرداندند، فرزندان دلیر مردم ایران را به خاک و خون

از میان می‌روند.

مجاهد شهید ناصر صادق:

«ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم. ما پیروزی خلق را می‌بینیم. ما پیروزی توحید را می‌بینیم، ما طلوع صبح را می‌بینیم. محکومیت ما در چنین دادگاهی و با این اتهامات باعث سرفرازی ما در پیشگاه ملت و کلیه انقلابیون جهان است.

مجاهد شهید محمد بازرگانی:

از این پس میان خلق و رژیم جز در یابی از خون چیزی وجود نخواهد داشت. تا زمانی که تفنگ وجود دارد و دشمن آن را به‌دست می‌گیرد، شما هم تفنگ را به‌زمین نگذارید.

راه‌بند کشید، اما سرسوزنی از ایمان راسخشان نسبت به افاق بالبلندی که در اندیشه داشتند کم نکرد و در آستان «میادگاه جاودانگی» نیز چشم از «طلوع آفتاب» بر نمی‌گرداندند و در طین صدای ناصر خطاب به مردمش می‌پیچید که: «ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم. ما پیروزی خلق را می‌بینیم. ما پیروزی توحید را می‌بینیم، ما طلوع صبح را می‌بینیم. محکومیت ما در چنین دادگاهی و با این اتهامات باعث سرفرازی ما در پیشگاه ملت و کلیه انقلابیون جهان است.

مصطفی، آن شکیب و آرام «خوشدل» جمع دوستان و آن سخره پایدار که شکنجه‌گرانش را هم مستأصل کرده بود. یک فداکار مجسم بی‌چشمداشت. از آن نوع فداکاریهایی که اگر نه بر فراز، که حداقل از جنس شهادت است. آن‌جا که در زیر شکنجه بود، اما وقتی پی برد هم‌رمز دیگری که حتی هرگز او را ندیده بود و نمی‌شناخت، ممکن است در معرض دستگیری باشد، به «دروغ» اتهامش را پذیرفت و باز به زیر شکنجه شتافت. وقتی موفق شد جلاد را فریب دهد و هم‌رمز را از دستگیری برهاند، از شادی در پوستش نمی‌گنجید و «عشق» بود که از وجودش فواره می‌گرفت.

آنها، همه آنها، علی باکری، علی میهندوست، ناصر و محمد و کاظم و مصطفی شاخه‌های سترگ درخت طبیعی بود که از یک «ریشه شکوهمند» سر برآورده است. از آن شهیدان سرفراز صحبت کرد، اما از تنها شاهد، سرفراز آن جمع، یعنی «مسعود» سخن نگفت. اصالت و جوهر این باسیبی در این است که او خود‌پارویی از نشان و «پاره‌ی» از خیال دلکش‌شان بود. چشمه‌های جوشانی بودند که در رودی به نام «محمد آقا» به هم پیوستند و به دریای مجاهدین راه بردند. کسانی که پای صحبت مسعود در مورد این شهیدان بوده‌اند، دیده‌اند او با چه «عشق» و شیفنگی از آنها می‌گردد و بر خود و بر نسلش می‌بالد. با هر کلامی و توصیفی، آنها را

راه‌بند کشید، اما سرسوزنی از ایمان راسخشان نسبت به افاق بالبلندی که در اندیشه داشتند کم نکرد و در آستان «میادگاه جاودانگی» نیز چشم از «طلوع آفتاب» بر نمی‌گرداندند و در طین صدای ناصر خطاب به مردمش می‌پیچید که: «ما به شما نوید می‌دهیم، ما دماغه کشتی پیروزی را در افق اقیانوس توده‌ها می‌بینیم. ما پیروزی خلق را می‌بینیم. ما پیروزی توحید را می‌بینیم، ما طلوع صبح را می‌بینیم. محکومیت ما در چنین دادگاهی و با این اتهامات باعث سرفرازی ما در پیشگاه ملت و کلیه انقلابیون جهان است.

مصطفی، آن شکیب و آرام «خوشدل» جمع دوستان و آن سخره پایدار که شکنجه‌گرانش را هم مستأصل کرده بود. یک فداکار مجسم بی‌چشمداشت. از آن نوع فداکاریهایی که اگر نه بر فراز، که حداقل از جنس شهادت است. آن‌جا که در زیر شکنجه بود، اما وقتی پی برد هم‌رمز دیگری که حتی هرگز او را ندیده بود و نمی‌شناخت، ممکن است در معرض دستگیری باشد، به «دروغ» اتهامش را پذیرفت و باز به زیر شکنجه شتافت. وقتی موفق شد جلاد را فریب دهد و هم‌رمز را از دستگیری برهاند، از شادی در پوستش نمی‌گنجید و «عشق» بود که از وجودش فواره می‌گرفت.

آنها، همه آنها، علی باکری، علی میهندوست، ناصر و محمد و کاظم و مصطفی شاخه‌های سترگ درخت طبیعی بود که از یک «ریشه شکوهمند» سر برآورده است. از آن شهیدان سرفراز صحبت کرد، اما از تنها شاهد، سرفراز آن جمع، یعنی «مسعود» سخن نگفت. اصالت و جوهر این باسیبی در این است که او خود‌پارویی از نشان و «پاره‌ی» از خیال دلکش‌شان بود. چشمه‌های جوشانی بودند که در رودی به نام «محمد آقا» به هم پیوستند و به دریای مجاهدین راه بردند. کسانی که پای صحبت مسعود در مورد این شهیدان بوده‌اند، دیده‌اند او با چه «عشق» و شیفنگی از آنها می‌گردد و بر خود و بر نسلش می‌بالد. با هر کلامی و توصیفی، آنها را

گذشتن از «عشق دوباره» میسر است. آری، چنین تعبیر پاک و تمیزی از عشق، جز این است که در وجود این سالکان عاشق ما فوران می‌گردد؟ چنان‌که چون شراره‌ی از وادیش گذشتند و پاکی‌زانه در وادی «توحید» خفتند. مجاهد والامقام، علی باکری، از جمله گوه‌ران تابناک همین جمله عاشقان بود. او هم از استعداد سرشار و خلاق برخوردار بود و هم در عرصه کار و تلاش زندگی خصوصی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته بود. و از نگاه یک جامعه‌عادی از جاذبه‌های بسیاری برخوردار بود و در یک کلام هیچ کم نداشت. ولی همه آنها را برای پرش به افاق بلندی که در ذهن بی‌تابش ترسیم کرده بود، زیر پا نهاد مردم فرار گرفت و سیمای تابان آن قهرمانان را تا ابد در ذهن و ضمیر مردم حک نمود.

می‌گویند در طی طریق، «عشق» مهیبت‌ترین وادی است که هر سالکی در برابر خود دارد. شاید به همین دلیل است که عطار در منطق‌الطیر خود، «عشق» را پس از «طلب» دومین وادی قرار داده است. طلب، یعنی خواستن. جستن. چیزی که سالک یا جستجوگر می‌خواهدش. که همان حقیقت‌ناب است. عطار مستحضرین وادی یعنی «عشق» را در همان آغاز کار قرار داده تا «طلب» کننده از همان ابتدا امتحانش را پس دهد و بتواند به سلوک عشق ورزیدن برای رسیدن به غایت مقصود دست یابد. همان عشقی که البته «عقل» تاجریش هیچ‌گاه به خاک در گاهش هم راه نمی‌برد و به قول مولانا:

**این سر که نشان سرپرستی است
وین گونه رها ز قید هستی است**

کدام نیروی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم. ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبید و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم. همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهرویر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

کدام نیروی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم. ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبید و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم. همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهرویر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

کدام نیروی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم. ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبید و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم. همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهرویر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

کدام نیروی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم. ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبید و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم. همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهرویر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

کدام نیروی جز عشق به مردم محروم و تحت ستم دیکتاتوری و عشق به آزادی می‌توانست چنان شجاعت و بی‌باکی را برانگیزد که در برابر آن دادستانی که نشاندار «تاج و ستاره» قدر و قدرتی نظامی بود که خاکک تحت سلطه‌اش را جزیره ثباتش می‌نامید، فریاد برآورد: «ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم محاکمه می‌شویم، با کمال افتخار این اتهام را قبول می‌کنیم. ما می‌دانیم که نهضت قربانی می‌طلبید و حاضریم خودمان اولین قربانیان آن باشیم. همین عشق بود که چنان ایمانی به وجود آورده بود که با وجود آن ضربه کمرشکن شهرویر سال ۵۰، که بنیانگذاران و همه اعضای مرکزیت

عکسهایی از مزار شهیدای ۳۰ فروردین



عکس خاطره انگیز از حاج احمد صادق، جهان پهلوان تختی و مجاهد شهید ناصر صادق





موج اعتراضات علیه حکم اعدام زندانی مجاهد ولی الله فیض مهدوی

تظاهرات حامیان مقاومت در بیرمنگام انگلستان



صبح روز شنبه ۱۹ فروردین صدها تن از هواداران مقاومت ایران و ایرانیان شریف و آزاده در میدان جمیرلین در مرکز شهر بیرمنگام دومین شهر بزرگ انگلستان یک تظاهرات بزرگ اعتراضی در حمایت از راه‌حل دموکراتیک ارائه شده توسط رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی و حکومت اعدام زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز به‌خصوص حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی برگزار کردند.

در این تظاهرات که از ساعت ۱۱ صبح شروع شد و برای چند ساعت ادامه داشت، چند تن از نمایندگان برجسته پارلمان انگلستان و شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان مقاومت ایران و جوامع ایرانی شهرهای سراسر انگلستان به‌خصوص جوامع بیرمنگام و سایر شهرهای شمال انگلستان به سخنرانی پرداختند.

رؤسای جوامع مختلف ایرانی از جمله آقای مسعود ضابطی نماینده جامعه وکلای ایرانی در انگلستان، دکتر کورش جلالی نماینده جامعه ایرانیان در شهرهای بیرمنگام و منچستر انگلستان، خانم زاکم صفری نماینده انجمن معلمان ایرانی در انگلستان،

صبح روز شنبه ۱۹ فروردین صدها تن از هواداران مقاومت ایران و ایرانیان شریف و آزاده در میدان جمیرلین در مرکز شهر بیرمنگام دومین شهر بزرگ انگلستان یک تظاهرات بزرگ اعتراضی در حمایت از راه‌حل دموکراتیک ارائه شده توسط رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی و حکومت اعدام زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز به‌خصوص حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی برگزار کردند.

خانم آزاده حسینی نماینده انجمن جوانان و دانشجویان ایرانی و آقای سیاوش رحبی رئیس انجمن متخصصین و آکادمیسین‌های ایرانی در انگلستان ضمن سخنان کوتاهی حمایت خود را از راه‌حل سوم ارائه‌شده توسط خانم مریم رجوی اعلام نموده و حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را محکوم نمودند.

در این تظاهرات آکسیون‌های مختلف شامل صحنه‌های سمبلیک اعدام و حلق آویز و سنگسار و شکنجه زندانیان سیاسی و موشک و سلاح‌های آتشی به‌نمایش در آمدند.

رسانه‌های مختلف شامل تلویزیون‌های بی‌بی‌سی، تلویزیون آی‌تی‌وی انگلستان، روزنامه بیرمنگام پست و بیرمنگام اپوینتینگ میل و سایر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها که در تظاهرات شرکت داشتند به تهیه فیلم و گزارش و عکس از آنها پرداختند. آنها هم‌چنین با نمایندگان پارلمان و نمایندگان مقاومت ایران و جوامع ایرانی مصاحبه‌های اختصاصی انجام دادند. خبر این تظاهرات در روزنامه‌های مختلف شهر بیرمنگام و تلویزیون این شهر منعکس شد.

بخشهایی از سخنرانی‌های انجام شده در این تظاهرات از نظر شما می‌گذرد:

موج اعتراضات جهانی علیه حکم اعدام زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی این هفته نیز ادامه داشت و شهرهای بزرگ جهان در اروپا و آمریکا شاهد آکسیون‌های اعتراضی حامیان مقاومت، در محکومیت این اقدام شایع رژیم آخوندی بود.

درخیمان رژیم آخوندی چندی پیش طی حکمی ولی‌الله فیض مهدوی را که اکنون به‌دلیل فشارهای وارده، در بدترین شرایط جسمی به‌سر می‌برد، به اعدام محکوم نمودند.

در این آکسیون‌های اعتراضی شرکت‌کنندگان ضمن تقیح این عمل جنایتکارانه رژیم، نسبت به تکرار فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هشدار دادند و از مجامع بین‌المللی و حقوق‌شیری و نیز ارگان‌های سازمان ملل متحد خواستند تا با اقدامات فوری بر روی رژیم فشار وارد آورده و جان زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را نجات دهند. آنها هم‌چنین خواستار بررسی پرونده نقض حقوق بشر

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.

تهدیدهای اخیر آخوندی‌های جنایتکار برای قتل‌عام زندانیان سیاسی، بین شهروندان آمریکایی توزیع شد. آنها که به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند با محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه آمادگی خود را برای انجام هر اقدام مؤثری اعلام می‌کردند.

در پایان، قطعنامه آکسیون فرانت گردید.



لرد کوربت، رئیس گروه لردهای حزب کارگر و رئیس کمیته پارلمانی بریتانیایی ایران آزاد

لرد رابین کوربت در میان ابراز احساسات شدید تظاهرکنندگان که شعارهای «ه به ممشات و سازش، نه به جنگ و بله به مریم رجوی» و «ما خواهان عدالت و صلح هستیم و خواهان خروج نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان‌های ممنوعه انگلستان» سرمی‌دادند؛ ضمن سخنانی به تظاهرات و خیزش‌های گسترده در صدها شهر ایران اشاره کرده و گفت: مردم ایران با صدای بلند فریاد آزادیخواهی خود را بلند کرده‌اند و خواهان آزادی که ملایان ستمگر آن را ربه‌دهاند هستند.

وی افزود: اکنون زمان آن رسیده که برجسب ناقص تروریستی را از سازمان مجاهدین خلق ایران که هیچ‌گاه یک سازمان تروریستی نبوده است برداشته و به گردن ملایان که تروریستی‌های واقعی هستند بیندازیم.

استیون مک کیپ، نماینده مجلس عوام از حزب کارگر و مشاور پارلمانی سابق وزرای آموزش و پرورش و کشور انگلستان

آقای استیون مک کیپ در میان شور و احساسات زیاد تظاهرکنندگان، حمایت قاطع خود از مقاومت برحق مردم ایران به رهبری خانم مریم رجوی و راه‌حل ارائه شده توسط ایشان اعلام نمود و خواهان تحریم گسترده و همه‌جانبه اقتصادی، نفتی و تکنولوژیک و دیپلماتیک رژیم ملایان گردید.

استیون مک کیپ هم‌چنین خواهان حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمان‌های تروریستی گردید و عنوان نمود: ما نمایندگان پارلمان در سمینارها، تظاهرات و میتینگ‌ها و سمپوزیوم‌های مختلف این خواسته را تکرار کرده و به کارزار خود تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهیم.

لرد کینگ، نماینده مجلس اعیان انگلستان

لرد کینگ ضمن ابراز خوشحالی از حضور گسترده حامیان مقاومت و به‌خصوص

خانم دولت نوروزی در سخنانی ضمن تشکر از نمایندگان پارلمان لرد کوربت، استیون مک کیپ و لرد کینگ و سایر همکارانشان در دو مجلس انگلستان، که سال‌های متمداری از مقاومت ایران به رهبری خانم مریم رجوی برای تحقق دموکراسی و حقوق بشر حمایت نموده‌اند، تأکید کرد که شرایط ایران و منطقه بسیار بحرانی و خطرناک است و مردم و مقاومت ایران با برگزاری بیش از ۲۱۰۰ رشته تظاهرات و اعتصاب و حرکات اعتراضی عزم جزم خود را برای سرنگونی و تغییر دموکراتیک در ایران نشان داده‌اند.

حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت

حسین عابدینی در صحبت‌های خود ضمن شرح توطئه جنایتکارانه رژیم برای قتل‌عام زندانیان مجاهد، اعدام مجاهد فرمان حجت زمانی و حکم اعدام قریبالوقوع زندانی مجاهد ولی‌الله فیض مهدوی را به‌شدت محکوم کرده و خواهان نجات جان ایشان شد.

آقای عابدینی در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به مذاکلات فزاینده رژیم در عراق و هم‌چنین تلاش‌های گسترده آن برای کسب سلاح هسته‌یی، راه‌حل سوم رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت را تنها خواست ایرانیان در داخل و خارج ایران معرفی کرد.



کلن - آلمان

سازمان‌های حقوق‌شیری برای نجات جان آقای ولی‌الله فیض مهدوی و همبستگی خود را با این کرده‌مهایی اعلام نمود.

در این تجمع اعتراضی علاوه بر میز کتاب که در محل برپا بود، اطلاعیه‌های مختلف به‌طور گسترده در بین حضار در محل توزیع گردید.



نیویورک - آمریکا

امعمال تحریم علیه این رژیم ضدشیری شدند.

در پایان اطلاعیه جامعه ایرانیان فرانت شد، که در آن از جامعه جهانی، سازمان ملل، شورای امنیت و هم‌چنین ارگان‌های حقوق‌شیری خواسته‌شد تا با فعالیت‌های خود مانع پیشبرد نقشه‌های شوم آخوندی شده و جان زندانیان سیاسی را نجات دهند.



ونکوور - کانادا

این آکسیون مورد توجه رسانه‌های محلی قرار گرفت.

آکسیون ونکوور با بخش سرود «ای ایران» آغاز شد. شرکت‌کنندگان فریاد مظلومیت زندانیان سیاسی مبارز و مجاهد اسیر در سبانه‌های رژیم و مردم به‌جان‌آمده کشورمان را طی شعارهایی پرطنین مانند «آزادی، آزادی زندانیان سیاسی»، به گوش مردم کانادا رساندند.



اسلو - نروژ

در ادامه پیام انجمن دانشجویان ایرانی مقیم نروژ توسط آقای احسان توتونچی خوانده شد. سپس قطعنامه تظاهرات فرانت گردید. پایان بخش امنیت و هم‌چینانی سرود قسم بود.

این برنامه با استقبال و ابراز همبستگی شهروندان نروژی و ولی‌الله فیض مهدوی و سایر زندانیان سیاسی گردید.



سن خوزه - آمریکا

این آکسیون مورد توجه و استقبال شهروندان آمریکایی قرار گرفت. آنها با پیوستن به تجمع، حکم جنایتکارانه دزخیمان رژیم ایران را محکوم کردند. این مراسم با اجرای جمعی سرود «ایران ای مرز برگره» پایان یافت.



لس آنجلس - آمریکا

این آکسیون که به مدت چند ساعت ادامه‌داشت، مورد استقبال شهروندان اتریشی قرار گرفت. آنها با مراجعه به نفرات شرکت‌کننده در آکسیون و نیز میزکنایی که برپا شده‌بود، انزجار خود را از رژیم جنایتکار آخوندی ابراز می‌داشتند.



برکلی - آمریکا

آکسیون برکلی با وجود باران شدید، در مرکز این شهر برگزار گردید. شرکت‌کنندگان با مشت‌هایی گره‌کرده شعار می‌دادند: «اعدام زندانیان سیاسی در ایران را متوقف کنید»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و... در خلال برنامه بروشوری در افشای جنایات رژیم و



وین - اتریش

این آکسیون که به مدت چند ساعت ادامه‌داشت، مورد استقبال شهروندان اتریشی قرار گرفت. آنها با مراجعه به نفرات شرکت‌کننده در آکسیون و نیز میزکنایی که برپا شده‌بود، انزجار خود را از رژیم جنایتکار آخوندی ابراز می‌داشتند.



مونترال - کانادا

جنایت‌های رژیم آخوندی و هم‌چنین خارج نمودن نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی آغاز شد.

در پایان قطعنامه این تجمع اعتراضی توسط آقای فریدون شیرازی از اعضای انجمن ایرانیان دموکرات فرانت شد.



تروندهایم - نروژ

تجمع اعتراضی تروندهایم با خواندن سرود «ایران مرز برگره» آغاز شد و قطعنامه تظاهرات فرانت گردید.

در خلال برنامه اعلامیه‌های سازمان عفو بین‌الملل و شورای ملی مقاومت در اعتراض به این حکم جنایتکارانه بین شهروندان نروژی توزیع گردید. این ضمن محکوم نمودن حکم اعدام ولی‌الله فیض مهدوی با شرکت‌کنندگان ابراز همبستگی نمودند.

در پایان این آکسیون شرکت‌کنندگان با خواندن جمعی سرود قسم با زندانیان سیاسی تجدیدی پیمان کردند.

نامه سازمان «به قایبل دست نزنید» علیه صدور حکم اعدام ولی‌الله فیض مهدوی

ایران: زندانی سیاسی در معرض خطر اعدام

آژانس خبری رادیکال - ایتالیا، ۱۸ فروردین:

سایت خبری ایران فوکوس در تاریخ ۹ فروردین ۸۵، خبری مبنی بر قرار اعدام زندانی سیاسی ولی‌الله فیض مهدوی، ۲۸ ساله و از اعضای مجاهدین خلق، در تاریخ ۲۷ دی‌ماه، منتشر ساخت.

خانواده زندانی می‌گویند که حکم اعدام در تاریخ ۹ فروردین به او ابلاغ شده‌است مهدوی در سال ۲۰۰۱ به‌خاطر عضویتش در سازمان مجاهدین خلق، گروه اصلی اپوزیسیون ایرانی، دستگیر و به زندان گوهردشت کرج منتقل شد. سازمان او و دیگر سازمان‌های مدافع حقوق بشر چنین عنوان می‌کنند که او در زندان

به‌شدت شکنجه شده است. مهدوی به‌همراه دو زندانی مجاهد دیگر حجت زمانی و جعفر اقدمی در تاریخ ۴ بهمن طی نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد کوفی عنان از وی خواستند که وضعیت وخیم زندانیان سیاسی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

حجت زمانی یکی از نویسندگان آن نامه در ۱۸ بهمن ۸۴ در سن ۳۱ سالگی و پس از تحمل شکنجه‌های روحی و جسمی بسیار اعدام شد. سازمان «به قایبل دست نزنید» از دولت ایتالیا و از اتحادیه اروپا می‌خواهد تا ضمن مداخله برای جلوگیری از اعدام ولی‌الله فیض مهدوی موضوع احترام به حقوق بشر در ایران را در کانون گفتگوهایشان با دولت تهران منظور دارند.